

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گره‌های ملذبه‌نی تبریز در دوره‌های الحاقی و انحلالی

خلاصه مقالات



خردادماه ۱۳۸۷

دانشگاه هنر اسلامی تبریز

با همکاری:

-استانداری آذربایجان شرقی

-سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی

-صدا و سیما مرکز آذربایجان شرقی

-بنیاد ایران شناسی

-اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی



اعضاء هیئت علمی:

دبیرکل همایش: **دکتر محمدعلی کی نژاد** / استاد دانشکده معماری و شهرسازی
دانشگاه هنر اسلامی تبریز

دبیر اجرایی: **هادی فیاضی** / عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

مدیر فرهنگی و هنری: **طاسین کریمی عوافی** / عضو هیئت علمی دانشگاه هنر
اسلامی تبریز

گروههای علمی همایش:

- نگارگری

- معماری و شهرسازی

- هنرهای صناعی

- خوشنویسی

گروه نگارگری:

دبیر علمی گروه: **مهدی حسینی** / استاد گروه هنر دانشگاه هنر

اعضاء هیئت علمی گروه:

- یعقوب آژند / استاد دانشکده هنرهای تجسمی دانشگاه تهران

- آیدین آغداشلو / پژوهشگر و عضو گروه هنرهای تجسمی

فرهنگستان هنر

- محمد خزائی / دانشیار دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

- مهناز شایسته‌فر / استادیار دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

- فنوش شمیلی / عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

- ابوالفضل عبدالهی فرد / عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

- مهرانگیز مظاهری / استادیار دانشکده هنر دانشگاه الزهراء

- بهمن نامور مطلق / استادیار فرهنگستان هنر

- نوشیندخت نفیسی / پژوهشگر هنر اسلامی و مدرس دانشگاه

گروه معماری و شهرسازی:

دبیر علمی گروه: **محمد تقی پیربائنی** / استادیار گروه معماری و شهرسازی

دانشگاه هنر اسلامی تبریز

اعضاء هیئت علمی گروه:

- مجتبی انصاری / استادیار گروه معماری دانشگاه تربیت مدرس
- فرزین حق پرست / استادیار گروه معماری و شهرسازی
دانشگاه هنر اسلامی تبریز
- علیرضا خزانلی / استادیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز
- بهروز عمرانی / استادیار پژوهشکده میراث فرهنگی، صنایع
دستی و گردشگری
- فرهاد فخار تهرانی / دانشیار گروه معماری دانشگاه شهید بهشتی
- هوشنگ کاتبی / استاد گروه عمران دانشگاه تبریز
- اصغر محمد مرادی / دانشیار گروه مرمت دانشگاه علم و صنعت
- احد نژاد ابراهیمی / عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

گروه هنرهای صناعی:

دبیر علمی گروه: **مهرانگیز مظاهری** / استادیار دانشکده هنر دانشگاه الزهراء

اعضاء هیئت علمی گروه:

- فاطمه اکبری / عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز
- حسن بلخاری / استادیار فرهنگستان هنر
- سوسن بیانی / استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه تهران
- محمد علی رجبی / استادیار دانشگاه شاهد
- عبدالمجید شریف‌زاده / عضو گروه هنرهای سنتی فرهنگستان هنر
- مهدی مکی‌نژاد / عضو فرهنگستان هنر
- محمد مهدی هراتی / عضو فرهنگستان هنر
- حسین یآوری / عضو گروه هنرهای سنتی فرهنگستان هنر



گروه خوشنویسی:

دبیر علمی گروه: آیدین آغداشلو / پژوهشگر و عضو گروه هنرهای تجسمی
فرهنگستان هنر

اعضاء هیئت علمی گروه:

- احسان حسینی / پژوهشگر و هنرمند
- میرحسین زنوزی / رئیس انجمن خوشنویسی تبریز
- شهریار شکرپور / عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز
- محمدعلی فرزبود / پژوهشگر و هنرمند
- حمیدرضا قلیچ‌خانی / رئیس گروه علمی خوشنویسی
فرهنگستان هنر و عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر





مقدمه	۱
-------	---

خوشنویسی

آثار و احوال خواجه عبدا... صیرفی خطاط و کتیبه نویس قرن هشتم هجری / مهدی بزاز دستفروش	۵۰
استادان بزرگ خوشنویسی دوره ایلخانی / علی اصغر مقتدائی	۶۰
اوج خوشنویسی، مکتب ایلخانی / علی اصغر مقتدائی	۸۰
پیدایش و تکامل نستعلیق آغازین (نگاهی به چگونگی قلم نستعلیق پیش از میرعلی تبریزی) / مهدی صحراگرد	۱۰۰
جایگاه حکمت در خوشنویسی قرآنی دوره ایلخانی / صفورا آسترکی	۱۱۰
جعفر تبریزی میراث‌دار مکتب تبریز / حمیدرضا قلیچ‌خانی	۱۲۰
شکوه «خوشنویسی» و «تذهیب» در قرآن‌های عصر ایلخانی (مکتب تبریز) / کیانوش معتقدی	۱۳۰

معماری و شهرسازی

ارسن مجموعه‌های معماری دوره ایلخانی؛ اولین فضاهای شهری بزرگ مقیاس هندسی در ایران / مریم فراهانی - حامد رضایی - دکتر مجتبی انصاری	۱۷۰
اصول و خصال شیوه آذری (هنرمعماری و شهر سازی) / دکتر حسن ذوالفقار زاده	۱۹۰
اوجان شهری از پیش برنامه ریزی شده / حسن وحدانی چرزه خون	۲۱۰
بازشناسی شاخصه‌های شیوه رازی در بناهای دوره ایلخانی در تبریز / علیرضا پرتولاله	۲۲۰
بررسی معماری و شهرسازی ایلخانیان و تاثیر آنان در پایتخت های تمدن ایرانی / اکبر رجیبی کنف	
گورابی - سیده صدیقه میرگذار لنگرودی	۲۴۰
بررسی مدارس آل مظفر شهر یزد / الهه خاکباز الوندیان	۲۵۰
بررسی تطبیقی تغییرات هندسه پلان در فضاهای معماری دوره ایلخانی / احسان رنجبر - نجمه مطالایی	
- دکتر مجتبی انصاری	۲۶۰
بررسی تطبیقی متون و اسناد تاریخی برای تبیین ساختار و نظام معماری و شهر سازی تبریز / پیروز حناچی - احد نژاد ابراهیمی	۲۸۰
بررسی تناسبات ارتفاعی در بناهای ایلخانی / صمد نگین تاجی - مرتضی ملکی	۲۹۰
بررسی خصوصیات پوشش های منحنی دوره ایلخانی در سیر تکامل معماری ایران / محمد رضا بمانیان	
- محمد شریف شهیدی	۳۰۰
بررسی ساختار شهر سلطانیه بر پایه اسناد از پیدایش تا انحطاط / نگار منصوری	۳۲۰
بررسی معماری ایلخانی مجموعه تخت سلیمان و سیر تحول آن تا معماری ایلخانی تبریز / نادره شجاع دل	۳۳۰
بنیان رصدخانه مراغه؛ آغازگر معماری عصر ایلخانی و رستاخیز مجدد معماری اسلامی ایران / ناصر دبیر	۳۵۰
تاثیر عوامل محیط طبیعی بر رشد شهر تبریز در دوره ایلخانی / پریسا هاشم پور - محمد ابراهیم رضائی	۳۷۰
تاثیر ساخت مقابر در شکل گیری شهرهای ایلخانی / سعید خوش نیت	۳۸۰
تاثیر شخصیت های مهم علمی و سیاسی دوران ایلخانیان بر روند شکل گیری معماری و شهر سازی / لیلا مدقالچی - شیوا ولایتی	۳۹۰
تاثیر معماری حصار دوره ساسانی تخت سلیمان در ساخت ارگ سلطانیه / خسرو فری	۴۰۰
تاثیرگذاری و تاثیر پذیری معماری های شکل گرفته شده بر فرهنگهای مجاور / فرزانه سلیمانی جای	۴۲۰

- تاج الدین علیشاه و معماری دوره ایلخانی / لیلا رحیمی ۴۵
- تبیین فضاهای شهری ربع رشیدی، شهر آرمانی خواجه رشیدالدین فضل الله / دکتر فرح حبیب ۴۷
- تحولات تاریخی و ساختار کالبدی حصار و دروازه های تبریز / لیلا رحیمی ۴۸
- تداوم ویژگیهای تاثیرگذار معماری ایلخانی در مساجد چوبی آذربایجان شرقی / هوشنگ بابائی کهن ۴۹
- تصویر آرمانشهر اسلامی در متون اسلامی / صمد نگین تاجی - سیندخت رضایی لیلیایی ۵۰
- دلایل ایجاد شهرکهای اقماری در اطراف تبریز در دوره ایلخانان / بهروز عمرانی - حسین اسمعیلی سنگری ۵۲
- راهکارهای جذب گردشگری در شهر باستانی ربع رشیدی / اکبر کیانی ۵۳
- ربع رشیدی اولین شهر - دانشگاه موقوفه خواجه رشیدالدین فضل ا ... همدانی / شکیبا صفدریان - حمیدرضا نوربخش ۵۴
- ربع رشیدی بعنوان اولین و بزرگترین شهرک دانشگاهی جهان اسلام / الناز شکوئی زاده ۵۶
- ربع رشیدی به عنوان اولین و بزرگترین شهرک دانشگاهی جهان اسلام و ضرورت احیای آن / شیوا ولایتی - لیلا مدقالچی ۵۸
- رهیافتی به عناصر پایدار و ناپایدار شهرسازی دوران ایلخانی / امین محمودزاده ۶۰
- زبان طراحی شهری تبریز در دوره ایلخانی / دکتر سید مجید مفیدی - مهندس مریم سینگری ۶۲
- سازمان فضایی شهرهای ابواب البر دوره ایلخانی: مجموعه‌های رصدخانه مراغه، غازانیه، ربع رشیدی و سلطانیه / دکتر محمدعلی کی نژاد - آرزیتا بلالی اسکوئی ۶۴
- سبک شناسی بنای مقبره شیخ شهاب‌الدین محمود اهری / بابک جلیلی‌نیا ۶۶
- سلطانیه پایتخت خاموش تاریخ / مهری آقاچانی رفاه ۶۷
- سیر تحول تاریخی معماری و شهرسازی تبریز در دوره ایلخانی / بهرام احمدخانی ملکی ۶۸
- طرح باز سازی واحدهای نجومی رصدخانه مراغه نخستین بنیاد بین المللی علمی پژوهشی عصر ایلخانی / جواد شکاری نیری ۷۱
- غازان خان و جایگاه او در نظام معماری و شهرسازی دارالملک تبریز / علی زارعی - مهدی ضیائی ۷۲
- کیمیای درد / زهره یادگاری دهنوی ۷۳
- گورستان سرخاب / هرروز عمرانی - محمد امینیان ۷۵
- لایه نگاری تاریخی خانه ایلخانی آقا یزد / محسن میر جانی ارجنان ۷۸
- پدیدارشناسی وقف در شکل گیری مکتب هنری تبریز دوره ایلخانی / محمدتقی پیربابایی ۸۰
- مسجد علیشاه از نگاهی دیگر / حسین اسمعیلی سنگری - بهروز عمرانی ۸۱
- مطالعه و بررسی مواد و مصالح گچی معماری ایلخانی در محوطه تاریخی تخت سلیمان و بازسازی روش تهیه ملات در کوره های سنتی / بهنود سیاپوش ۸۲
- معرفی کاخ های ایلخانی در تخت سلیمان / مهندس مظفر عباس زاده - ابراهیم حیدری ۸۴
- معماری و تزیینات ستاوندنهای چوبی صنفی شهرهای مراغه، بناب و عجبشیر، نماد و پیامد نوآوری های مکتب هنری تبریز / سیروس خیری ۸۵
- نظام معماری و شهرسازی مراغه و تبریز و سلطانیه به عنوان پایتخت های امپراطوری ایلخانی مغول / فرزانه سلیمانی جای ۹۰
- نقش تبریز در تمدن ایرانی دوره ایلخانی و آل جلایر / الناز شکوئی زاده ۹۲

نقش تصوف و جایگاه فضاهای خانقاهی در شهرسازی عصر ایلخانی / رحیم ایرانشاهی - طاهره کاظمی رحیم‌آبادی	۹۴۰
نقش ربع رشیدی در توسعه پایدار شهر تبریز / آریتا بلالی اسکونی - سلوی کی نژاد	۹۵
نقش ربع رشیدی در شهرسازی بعد از آن / حسین اسمعیلی سنگری - بهروز عمرانی	۹۷
نقش سیاست و اقتصاد بر شکل‌گیری معماری و شهرسازی ایلخانیان / لیلا مدقالچی - نادر نقی زاده	۹۸
نقش معماری تبریز در روند شهرسازی شهرهای ایران از دو دیدگاه / نگار حسن زهتاب	۹۹
نگاهی گذرا بر نحوه نفوذ عنصر ایرانی در دستگاه حکومتی ایلخانی با تأکید بر شخصیت برجسته خواجه رشیدالدین فضل	
۱... همدانی و تأثیر وی در معماری و شهرسازی عصر ایلخانی / شکبیا صفدریان - حمیدرضا نوریختش	۱۰۰
نگاهی نو به محلات باغ‌سندل و شیخداد شهر یزد / ابراهیم کاظم نژدناصل - محسن میرجانی - زهرا	
مزحجی - صفورا میرخلیلی - سید فضل‌الله میردهقان	۱۰۲
نور در فضاهای شهری ربع رشیدی، نخستین شهرک دانشگاهی بین‌المللی کشور / علی اصغر آدینه‌وند	۱۰۴
نور و تأثیرات آن بر تزیینات در معماری ایلخانی / لیلا براتپور	۱۰۶
ویژگی‌های معماری دوره ایلخانی / مهندس هادی باقری سبزواری	۱۰۸

نگارگری

آزاده و بهرام در شاهنامه بزرگ / رعنا قهرمانی	۱۱۱
از چین‌های آبی سفید تانگارگریهای تبریز / نگار کفیلی	۱۱۲
ایدالیسم صوفیانه و دنیای مثالی نگاره‌های ایرانی در دوره ایلخانی / فروش شمیلی	۱۱۴
بررسی تصویر پیامبر اکرم (ص) در نگارگری دوره ایلخانی / فاطمه حسن پور	۱۱۵
بررسی آثار منسوب به مکتب آل‌جلایر در مرقع فاتح / مهدی افضلی	۱۱۶
بررسی آثار نگارگری مکتب تبریز قدیم در موزه رضا عباسی؛ تفاوتها و تشابهات با مکاتب پیش و	
تأثیرات آن در مکاتب بعد / زینب مرادی - علی صالحی	۱۱۷
بررسی تأثیر متقابل هنرهای تصویری ایران و چین در قرون هفتم و هشتم هجری قمری / منصور حسامی	۱۱۸
بررسی تطبیقی نگارگری دوره ایلخانی با نقش مایه‌های چینی و بیزانسی / صمد نجارپورجباری	۱۲۰
بررسی زیبایی‌شناسی معراجنامه ایلخانی با رویکردی بصری و نماد شناسانه / لاله شمسی	۱۲۱
بررسی نگاره‌های نسخه خطی مقامات حریری مکتب تبریز دوران ایلخانی / مهناز شایسته‌فر	۱۲۵
پیوند میان منظره‌سازی دوره یوان چین و منظره‌سازی در دوره ایلخانی / مریم یادگاری	۱۲۶
تأثیرپذیری نگارگری مکتب تبریز از نقاشی چینی و تفاوت آنها / ملکه گلمغانی زاده اصل	۱۲۹
تجلی هویت ایلخانیان در مضامین تصویری شاهنامه دموت / فتنه محمودی	۱۳۰
تامل هنرها و نگارگری در دوره ایلخانی / آمنه رحیمی - علی نعمتی بابایلو	۱۳۲
حرکت و بیان در نگارگری دوره ایلخانان / محمد اعظم زاده	۱۳۳
زیبایی‌شناسی ساختار و رنگ در دیوان خواجوی کرمانی. اثر جنید / میترا پیشوازاده	۱۳۴
سمبولیسم رنگی در نگاره‌های مکتب تبریز با نگاهی به نگاره‌های شاهنامه دموت / فریبا کنگاور نظری	۱۳۶
طبیعت در نگارگریهای مکتب تبریز (مغول) و نگاره‌های چینی در دوره یوان و پیوند میان آنها / رعنا قهرمانی	۱۳۸
عصر ایلخانی، آغاز فصلی نو در نگارگری ایرانی / سید محمد مهرنیا	۱۴۰
قصص قرآنی به روایت نگارگران مکتب ایلخانی تبریز در جامع التواریخ / مهدی محمد زاده	۱۴۱

مکتب تبریز (مغول) / محمد معمارزاده	۱۴۲
منظره پردازی در نگارگری دوره ایلخانیان / پریسا شاد قزوینی	۱۴۴
نگارگری مکتب تبریز، انقلاب نقاشی ایران / سلیمان سعیدآبادی - مهراڻ هوشیار	۱۴۷
ویژگی‌ها و تحولات بصری در نگارگری مکتب تبریز (ایلخانی) / امید عودباشی - عاطفه شکفته	۱۴۹
ویژگی‌های ساختار بصری قصص انبیاء در نگارگری دوره ایلخانی (کتاب آثار الباقیه) / نغمه بهبودی	۱۵۰

هنرهای صنعتی

بازشناخت و بررسی خصوصیات هنر گجبری گنبد مقبره ها و مساجد جامع آذربایجان در دوره ایلخانی / بهروز عمرانی - محمد امینیان - رضا شاهپلنگی	۱۵۳
بررسی تاثیر هنر چین بر سفالهای دوره ایلخانی / فاطمه حسن پور	۱۵۵
بررسی آثار فلزی دوره ایلخانی و آل جلایری / آزاده مرادی	۱۵۶
بررسی تطبیقی نقوش انسانی در آثار فلزی و نگارگری عصر ایلخانی / اکرم محمدی زاده	۱۵۷
بررسی سفالینه‌های مینایی در دوران ایلخانی؛ تکنولوژی ساخت و نقوش نمونهی موردی؛ آثار موزهی رضاعباسی / زینب مرادی - علی صالحی	۱۵۸
بررسی علمی و هنری دیوارنگاره های موجود در بنای تاریخی گنبد آزادان / سامان ترلی - دکتر بهنام پدرام	۱۵۹
بررسی فن شناسی مقرنسه‌های دوره ی ایلخانی در یزد و اصفهان / مسلم میش مست نهی	۱۶۰
بررسی فنی کاشی‌های زرین‌فام دوره‌ی ایلخانی در محوطه‌ی تاریخی تخت سلیمان / عباس عابد اصفهانی - پرویز هلاکویی	۱۶۱
بررسی نقوش تزئینی در تزئینات مسجد خسروشیر سبزوار / زینب مرادی - نفیسه استیری	۱۶۲
بررسی هنر گجبری دوره ایلخانی / زینب مرادی - نفیسه استیری	۱۶۳
بررسی یک نمونه در چوبی متعلق به دوره ایلخانی واقع در مسجد جامع اصفهان / مهشید کاکویی	۱۶۴
تاثیرخاستگاه، فرهنگ و آداب و رسوم مغولان بر روی نقوش سفالینه‌های دوره ایلخانی / یعقوب طالبی	۱۶۵
تجلی ماهیت بر فرم در شمعدانها و پیه سوزهای دوره ایلخانی / یعقوب طالبی	۱۶۷
تجلی هنرهای صنعتی در نگاره ی زاری بر تابوت اسکندر از شاهنامه دموت / سوسن رنجبری	۱۶۸
تولید و نو آوری در سفال ایلخانی یزد / ابراهیم کاظم نژند اصل	۱۶۹
شکل‌گیری و تکامل تزئینات گجبری در دوره ایلخانی / عاطفه شکفته - امید عودباشی	۱۷۱
شکوه ایلخانی، افول مینایی تا طلوع لاجوردینه / فرهاد خسروی بیژانم - ملیکا یزدانی	۱۷۲
شکوه و عظمت ایلخانی در مسکوکات ضرب یزد / فاطمه دانش	۱۷۴
شمعدان های برنزی و برنجی ایلخانی، طرحی نو یا تداوم سنتها / محمد مرتضوی - مستنصر قلی نژاد	۱۷۵
شناخت فنی، تاریخی و مطالعات تطبیقی تزئینات معماری در دوره ایلخانی و آل جلایر / فاطمه چیتگرها	۱۷۷
عصرطلایی تولیدکاشی زرین فام در ایران / راضیه کیان نژاد	۱۷۸
کتابه‌ها در محراب های گجبری ایلخانی؛ بررسی مفاهیم، خطوط و ویژگیها / نوا مطمئن - علی نعمتی بابایی لو	۱۸۰
کارگاه هنری کتابخانه در مکتب نگارگری (تبریز دوره ایلخانی و آل جلایر) / یعقوب آژند	۱۸۲
کاشی زرین فام تجلی ذوق، ادب و اندیشه ایرانی / نگار کفیلی	۱۸۳
کندوکاوی بر شاخص های تجلید ایلخانی / مصطفی رستمی	۱۸۵



- گچبری ایلخانی، عصر طلایی هنر گچبری / آناهیتا ساسانی ۱۸۶
- گچبری؛ شاهکار فراموش شده هنر ایلخانی / ماندانا پورضرغام - سعید خال ۱۸۸
- مجموعه سفالینه‌های موزه تخصصی ایلخانی مراغه، نمود عینی عصر طلایی سفالگری دوره اسلامی ایران / ناصر دبیر ۱۸۹
- محراب اولجایتو / ملیکا یزدانی - فرهاد خسروی بیژنم ۱۹۱
- مطالعات تطبیقی در سه محراب گچبری شاخص ایلخانی؛ مطالعه طرح و فن اجرا / علی نعمتی بابای لو ۱۹۳
- مطالعه ساختاری محرابهای گچبری ایلخانی / سعید خودداری نایینی ۱۹۵
- معرفی آثار فلزی عصر ایلخانی با تکیه بر شمعدانها/ منیره سادات نقوی ۱۹۷
- نقد نشانه شناختی طرح آثار فلزی دوره ایلخانی / بابک امرایی ۱۹۸
- نقوش سر در اولجایتو/ زینب وصال ۱۹۹
- نمود عناصر تزئینی هنر اسلامی در نقوش سفالینه های ایلخانی / فتانه محمودی ۲۰۰
- هنر طراحی در مکتب اول تبریز- دوران ایلخانان مغول (۶۵۴- ۷۵۴ هـ) / دکتر محمد خزایی . . . ۲۰۱
- هنرنمایی مثبت کاران عصر ایلخانی و آل جلایر در تزئینات صندوقهای چوبی آرامگاه‌های شیخ
محیی‌الدین محمد و شیخ صفی‌الدین در اردبیل / حسن یوسفی ۲۰۲





مقدمه

فرهنگ و هنر کهنسال و دیرپای ایرانی - اسلامی از قدیمی‌ترین ازمینه تاریخ همواره در میان سایر فرهنگها درخشیده است و نقش آن در بنای فرهنگ بشری بسیار قابل توجه بوده است. کمتر تمدنی را می‌توان یافت که از پیشینه‌ای این چنین گسترده و غنی برخوردار باشد. همین اعتبار می‌تواند در عصری که هر ملتی در پی جستجو و ساختن پیشینه و یا سرقت هویت از سایر فرهنگها برای خود است ما را برآن دارد که با سربلندی و قدرت از فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی سخن گفته به حراست همه جانبه و شایسته از آن پردازیم.

دوره ایلخانان مغول یکی از ادوار مهم و سرنوشت ساز تاریخ ایران محسوب می‌شود و بسیاری از نوآوری‌های فرهنگ و تمدن ایران که در دوره صفوی پدیدار گشت، پیامد تحولاتی بود که در زمان تاسیس سلسله ایلخانی با اتکا به پیشینه با عظمت ایرانیان به منصفه ظهور رسید و دستاوردهای ارزشمندی را نیز به تاریخ بشری عرضه کرد. شهر تبریز نیز در این دوره یکی از مراکز توانمند در عرصه‌های گوناگون هنر اسلامی گردید.

بواسطه تفکرات جاه‌طلبانه ایلخانان مغول بعد از انتقال پایتخت از مراغه به تبریز طرحهای عمرانی وسیعی در حوزه شهرسازی و معماری آغاز شد که از آن جمله می‌توان به ساخت بناهای عظیمی چون مسجد تاج الدین علیشاه، در حوزه معماری و شهرهایی چون شب غازان و ربع رشیدی در تبریز اشاره کرد. این ساخت و سازها مخصوصاً در شب غازان به اندازه‌ای وسیع و عظیم بوده است که «پوپ» پژوهشگر آمریکایی این بناها را بعد از تخت جمشید عظیم‌ترین بناهای ساخته شده در ایران معرفی می‌کند.

متاسفانه زلزله‌های مکرر تبریز و عدم آگاهی از ارزشهای این بناها و دستور تخریب آنها توسط برخی پادشاهان ایرانی و غیر ایرانی باعث گردید که در حال حاضر اثر چندانی از این بناهای عظیم باقی نمانده و خرابه‌های این بناها تا اواخر دوره قاجاریه بنا به نوشته نادر میرزا چیزی نزدیک به هفتصد سال معدن مصالح و آجر شهر تبریز بوده است. در عرصه نگارگری نیز همین بس که از آثار ارزنده و ماندگاری چون «شاهنامه بزرگ» و «جامع التواریخ» که به قلم خوشنویسان بزرگ آن دوره نوشته شده‌اند و توسط نگارگران مصور گشته‌اند نامی برده شود. بنابراین همانطور که اشاره شد برخی عوامل مخرب و نیز عدم پژوهش دقیق و معرفی این آثار علاوه بر اینکه باعث ناشناخته ماندن ابعاد کامل و جامع این آثار شده است، شخصیتهایی که در عرصه‌های مختلف علمی، هنری و فرهنگی این دوره تاثیر گذار بوده‌اند نیز در پرده‌ای از ابهام باقی مانده‌اند که می‌توان به افرادی چون خواجه نصیرالدین طوسی، تاج‌الدین علی‌شاه، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، عبدالله صیرفی، خاندان جوینی و ... اشاره کرد.

از آنجا که توسعه و تفوق بر عوارض و مشکلات عصر جدید بدون اتکا بر سوابق تاریخی و موارث فرهنگی این مرز و بوم میسر نخواهد بود دانشگاه هنر اسلامی تبریز با همکاری فرهنگستان هنر، مجتمع علمی، تاریخی، فرهنگی ربع رشیدی و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تبریز در راستای رسالت عظیم علمی، فرهنگی و هنری خود، گروه‌هایی «مکتب هنری تبریز در دوره ایلخانی و آل‌جلایر» را در خرداد ماه ۱۳۸۷ برگزار می‌نماید.

مجموعه حاضر شامل خلاصه مقالات منتخب این همایش در چهار زمینه معماری و شهرسازی، نگارگری، هنرهای صناعی و خوشنویسی می‌باشد.

امید است، این همایش به عنوان گامی علمی و موثر موجب فراهم گشتن بستری مناسب جهت بازنگری و بازشناسی ابعاد نهانی تاریخ هنر کشورمان باشد و پژوهشگران و علاقمندان را به بررسی بیشتر در این زمینه امکان دهد.

دبیر کل همایش

دکتر محمدعلی کی‌نژاد



خوشنویسی



آثار و احوال خواجه عبدا... صیرفی خطاط و کتیبه نویس قرن

هشتم هجری

مهدی بزاز دستفروش^۱

خواجه عبدا... صیرفی فرزند محمود صراف تبریزی از مشاهیر خوشنویسان و کتیبه نویسان قرن هشتم هجریست، زندگانی صیرفی معاصر است با حکمرانی الجایتو سلطان محمد خدابنده، سلطان ابوسعید بهادر خان و سلیمان خان، مهمترین ویژگی این برهه از تاریخ بروز تدریجی نشانه‌های زوال حکومت ایلخانان در ایران است.

خواجه عبدا... صیرفی شاگرد بلاواسطه سید حیدر گنده نویس و سید حیدر نیز شاگرد یاقوت مستعصمی بوده، از صیرفی بعنوان مخترع خط مثنی یاد می‌شود.

کتیبه بسیاری از ابنیه تاریخی تبریز بخط وی نگارش یافته بود از آن جمله‌اند: کتیبه‌های مجموعه رشیدیه عمارت دمشقیه، مسجد استاد شاگرد، عمارت غیاثیه و ... از خطوط صیرفی که زینت بخش ابنیه باشکوه تبریز قرن هشتم هجری بوده، هم اینک اثری برجای نمانده است، اما برخی نمونه‌های منحصر بفرد از خط خواجه عبدا... صیرفی در مجموعه‌های هنری و موزه‌های نقاط مختلف جهان نگهداری می‌شود. محورهای عمده‌ای که در اصل مقاله بدانها پرداخته خواهد شد عبارتند از:

- بررسی اجمالی اوضاع اجتماعی و دوره حیات صیرفی.
- بررسی برخی از آثار صیرفی که هم اینک در گنجینه‌ها و موزه‌های ایران و جهان نگهداری می‌شوند.
- بررسی اجمالی برخی از شاخص‌ترین آثار معماری تبریز که خط و کتیبه‌های صیرفی زینت بخش آنها بوده.
- نگاهی کوتاه به گورستان چرنداب تبریز، مدفن صیرفی که برخی از الواح مزارت این گورستان نیز بخط صیرفی نگارش یافته بود.

۱- کارشناس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان شرقی

استادان بزرگ خوشنویسی دوره ایلخانی

علی اصغر مقتدائی^۱

یاقوت مستعصمی (متوفی در ۶۹۸ ه.ق.)، روزی دو جزو قرآن کتابت می‌کرد، ۱۰۰۱ قرآن نوشته، ۳۶۵ قرآن به خط وی دیده شده و روزی ۷۰ نفر را تعلیم میداد یوسف مشهدی (متوفی در ۶۹۸ ه.ق.)، از شاگردان مشهور یاقوت است. شیخ احمد سهروردی ملقب به شیخ زاده (متوفی در ۷۲۰ ه.ق.)، در محقق و ریحان و نسخ استاد بود.

سید حیدر گنده نویس (متوفی در ۷۲۶ ه.ق.)، اقلام سته خصوصاً قلم جلی را استادانه می‌نوشت.

ارغون بن عبدالله کاملی (متوفی در ۷۴۴ ه.ق.)، وی ایرانی است و در بغداد می‌زیسته، ۲۹ جلد قرآن نوشته و کتیبه دو مدرسه در بغداد به خط اوست.

مبارکشاه قطب ملقب به زرین قلم (متوفی در ۷۱۱ ه.ق.)، ۴۴ جلد قرآن نوشته است. نصرالله طبیب (متوفی در ۷۴۰ ه.ق.)، ۲۵ جلد قرآن نوشته است.

علی بن محمد بن زید علوی حسینی (اوایل قرن ۸ ه.ق.) در خط ریحانی و نسخ استاد بود و قرآن‌های متعددی کتابت نموده است. مبارکشاه سیوفی (تا سال ۷۴۰ ه.ق. می‌زیسته).

عبدالله صیرفی (متوفی در ۷۴۲ ه.ق.)، معاصر اولجایتو، شاگرد سید حیدر، کتیبه عمارت شاگرد و استاد در تبریز و مدرسه دمشقیه در دمشق به خط اوست، و نیز ۳۶ جلد قرآن نوشته است.

علی بن ابی سالم، کاتب قرآن.

پیر یحیی جمالی صوفی (تا سال ۷۶۵ ه.ق. می‌زیسته)، کتیبه‌های عمارات نجف اشرف به خط اوست.

شرف الدین عثمان بن جمال شیرازی، کتیبه نگار نیمه اول قرن هشتم هجری قمری.

۱- مدرس خوشنویسی دانشگاه پیامبر اعظم (ص)، مراکز تربیت معلم شهید بهشتی و شهید مفتح تهران



عبدالله بن محمد بن محمود همدانی خوشنویس نیمه اول قرن هشتم هجری
قمری، وی در نوشتن اقلام سته مسلط بود.
محمد بن مسعود بن ابی سعد ابهری، از استادان خوشنویس و تذهیب کار قرن
هفتم هجری قمری.
کمال بن عدیم (متوفی در ۶۶۰ ه. ق.).
ابو الغداء (متوفی در ۷۳۲ ه. ق.).
ابو عبدالله ابوالغرائق (متوفی در ۷۰۱ ه. ق.).
دیگر کاتبان قرآن: خسرو بن کافی بن شهریار بن غائب اصطهباناتی (قرن ۷ ه. ق.)،
لاجین و اسماعیل بن مبارک و محمد بن علی حامدی (نیمه دوم قرن ۷ ه. ق.)،
حاجی زکی همیائی و ابوالفتح... محمود... کردی و محمد بن محمد بن ابراهیم ملقب
به نجم النوری (نیمه اول قرن ۸ ه. ق.) و...

اوج خوشنویسی، مکتب ایلخانی

علی اصغر مقتدائی^۱

در سال ۶۱۶ هجری قمری، چنگیز خان به حکومت خوارزمشاهیان خاتمه داد، و در اندک زمانی ایران را تسخیر کرد. به دستور وی منگو قاآن (خان بزرگ)، حمله به ایران به هلاکو خان (نوه چنگیز) واگذار شد. هلاکو خان پس از فتح ایران در سال ۶۵۶ هجری به بغداد حمله کرد و آخرین خلیفه عباسی، المستعصم بالله را به قتل رسانید. ایلخانان مغول (هلاکو و جانشینان او) به مدت یک قرن بر ایران حکومت کردند. نخستین امرای ایلخانی نسبت به مسیحیت و مذاهب بودائی نظر مساعدی داشتند، اما نفوذ فرهنگی و دینی محیط ایران باعث شد که غازان خان و جانشینان او به دین اسلام بگروند.

ایلخانان در آغاز حکومت بر سرزمین‌های مفتوحه، به علت غنای فرهنگی ایران اسلامی، ناچار بودند ظاهراً از شعائر و آداب و عقاید اسلامی تبعیت نمایند. در زمان غازان خان، مغولهای ایران مسلمان شدند و در زمان اولجایتو، ایلخانان مغول به تشیع گرایش پیدا کردند.

در دوره ایلخانان، شعرا، نویسندگان، خوشنویسان و نقاشانی چون: سعدی، خواجه نصیرالدین طوسی، یاقوت مستعصمی و... ظهور کردند، و آثار ارزشمندی پدید آوردند.

جمال الدین یاقوت مستعصمی، غلام المستعصم بالله، آخرین خلیفه عباسی بود. وی که تتبع خط ابن بواب نمود، با ابداع روش جدید در قط قلم، و با ابتکار و خلاقیت خود توانست به اقلام سته بُعد تازه و جدیدی از ظرافت و زیبایی بدهد، و آنها را به اوج زیبایی و کمال برساند. یاقوت هر روز دو جزو قرآن کتابت می نمود، و هر ماه دو مصحف می نوشت، به نحوی که سیصد و شصت و چهارمین قرآن به خط وی دیده شده است. وی همچنین هر روز ۷۰ نفر را سر مشق می داد.

۱- مدرس خوشنویسی دانشگاه پیامبر اعظم (ص)، مراکز تربیت معلم شهید بهشتی و شهید مفتاح تهران



المستعصم، خط را از غلام خود یاقوت، فرا گرفت. وی عنایت ویژه ای به یاقوت داشت، و نوشتن مستعصمی در کتابت های یاقوت این نکته لطیف را به اثبات می رساند.

شاگردان سرآمد یاقوت، شش نفر بودند که به استادان سته مشهورند و عبارت اند از: ارغون بن عبدالله کاملی، یوسف مشهدی، شیخ احمد سهروردی، مبارک شاه قطب، نصرالله طیب و سید حیدر گنده نویس. این استادان به همراه یاقوت را استادان سبعة نامیده اند.

تا دو نسل بعد از یاقوت، برخی از شاگردان و پیروان او، هم در کتابت قرآن و هم در کتیبه نویسی، از همگان پیشی گرفتند.

آثار ارزشمندی از کتابت های قرآن، مرقعات و کتیبه ها، از استادان سبعة و شاگردان آنها (از جمله صدها جلد قرآن، کتیبه های عمارت دارالسلطنه تبریز و...) به یادگار مانده است.

به طور خلاصه، یاقوت مستعصمی و شاگردان و پیروانش در دوره ایلخانی، تحول عظیمی در هنر والا و ارزشمند خوشنویسی پدید آوردند، و در دوره تیموری با ظهور دیگر استادان خوشنویسی، خطوط فارسی ابداع گردید.

پیدایش و تکامل نستعلیق آغازین

(نگاهی به چگونگی قلم نستعلیق پیش از میرعلی تبریزی)

مهدی صحراگرد^۱

قلم تعلیق که به مثابه قلم تحریری برای نگارش متون فارسی کاربرد داشت در قرن هشتم به دو صورت مختلف در آمد؛ یکی آنکه با تأثیر پذیری از نسخ در دست کاتبان صورتی یافت که به پیدایش نستعلیق منجر شد و دیگر اینکه در اثر تند نویسی به صورت شکسته در آمد که آن را شکسته تعلیق یا ترسل می‌نامند. به استناد نمونه‌هایی به جا مانده از نسخه‌های قرن هشتم، می‌توان گفت تغییر و تحول و به پیدا آمدن نستعلیق در زمانی مشخص و یکروزه نبوده بلکه برای آنکه شکل قلمی از صورتی به صورت دیگر در آید زمانی نسبتاً طولانی لازم است. پس از این تغییر و تحولات است که میرعلی تبریزی برای نستعلیق ناقص آن زمان قوانینی وضع و شکل حروف آن را مشخص کرد. نمونه دست‌نوشته‌های قرن هشتم هجری شواهدی است برای بررسی پیدایش نستعلیق آغازین. بر اساس این بررسیها شاید زمانی تقریبی برای نخستین نشانه‌های قلم نستعلیق مشخص شود و نیز بتوان عللی برای پیدایش آن یافت.

جایگاه حکمت در خوشنویسی قرآنی دوره‌ی ایلخانی

صفورا آسترکی^۱

در هنر اسلامی، والاترین هنر آن هنری است که با کلام خدا سر و کار دارد و طبیعت وحی اسلام مبتنی بر تجلی کلام الهی به صورت کلمه است. و لذا در هنرهای بصری، خوشنویسی بیش از همه به هنر قرآنی نزدیک است، زیرا هنر نوشتن کلام خداست. همچنین باید در نظر بگیریم که خوشنویسان اسلامی سلسله‌ای روحانی و مانند صوفیان، سلسله‌ی وراثتی دارند که سر آغاز آن را به «باب مدینه ی علم» می‌رسانند. آنها به هنر خود به دیده‌ی امری کاملاً روحانی می‌نگرند و آن را نوعی عبادت می‌دانند. هنرمند خوشنویس دوره‌ی ایلخانی همه‌ی وجوه و ابعاد حقیقت را درک کرده و در ظهور و تجلی آن کوشیده آن هم توسط اشکال، صور، خطوط و فرمها. صورتی در زیر دارد آنچه در بالاست و خداوند برای شناخته شدن باید در اشیاء، صورت‌ها و فرم‌ها تجلی یابد و به صورتی درآید.

صورت از بی صورتی آمد برون باز شد، که «انا الیه راجعون» و بر اساس حدیث قدسی که می‌فرماید: «ان الله جمیل و یحب الجمال» و هرگونه ادراک زیبایی، در حقیقت ادراک زیبایی خداوند است به این نتیجه می‌رسیم که زیبایی در خوشنویسی قرآنی علی‌الخصوص در دوره‌ی ایلخانی به عنوان تجلی حقیقت - که مطلق و بی‌نهایت است - کمال می‌طلبد و این کمال از سنتز نظم و راز خطوط تحقق می‌یابد. نظم در خطوط خوشنویسی متجلی‌کننده جنبه‌ی مطلقیت خداوند و راز در خوشنویسی متجلی‌کننده جنبه‌ی بی‌نهایت اوست.

توجه به هنر خوشنویسی قرآنی در این دوران، نشان دادن بعد «تعالی الهی» است. به همین علت است که در این دوره خوشنویسی قرآنی منزلتی مقدس پیدا می‌کند و این منزلت همچنان محفوظ می‌ماند.

واژگان کلیدی: حکمت، خوشنویسی، قرآن، دوره ایلخانی

۱- دانشجوی کارشناسی هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

جعفر تبریزی میراث‌دار مکتب تبریز

حمیدرضا قلیچ‌خانی^۱

میرعلی تبریزی را واضع خط نستعلیق در سده هفتم دانسته‌اند. در این مقاله، احوال و آثار یکی از پیشکسوتان خط نستعلیق، جعفر تبریزی (۸۵۹-۷۸۵ ق)، معرفی می‌گردد. در بسیاری از متون و رسالات کهن، وی را دومین استاد بزرگ این قلم بشمار آورده‌اند. جعفر در اوایل سده نهم هجری به پایتخت تیموریان، هرات، مهاجرت می‌کند و با حمایت بایسنغر (۸۳۷-۸۰۲ ق) در آثار مکتوب سال ۸۲۴ و پس از آن، از نسبت «بایسنغری» در رقم‌هایش بهره‌مند می‌گردد. جعفر به ارجمندترین مقام هنری زمانه خویش یعنی منصب کتابداری کتابخانه بایسنغر دست می‌یابد و در کنار مسئولیتی چنین خطیر، آثار نفیسی چون: گلستان سعدی، شاهنامه فردوسی و دیوان حافظ را کتابت می‌کند. مهارت و چابکدستی جعفر تبریزی را در خطوط هفتگانه پیش از نستعلیق نیز ستوده‌اند و استادانی چون: عبدالله هروی (در خطوط ششگانه) و عبدالحی منشی (در تعلیق) را از شاگردان وی دانسته‌اند.

جعفر پس از درگذشت بایسنغر (در ۸۳۷ ق) همچون بسیاری از اهل هنر سوگوار می‌گردد و با فراهم آوردن مرثیه‌های تنی چند از سخنوران در این باره، جنگی نفیس را به محضر شاهرخ تقدیم می‌دارد. در این جنگ که به خط نستعلیق اظهر تبریزی است، سروده‌های تأثرانگیزی از جعفر نیز نقش پذیرفته است. بسیاری از خوشنویسان سده نهم همچون جعفر تبریزی و معروف تبریزی (بغدادی) در حقیقت تربیت یافته سده هفتم و پرورده خاک پاک تبریز و پلی میان هنر تبریز و هرات بشمار می‌روند.

واژگان کلیدی: جعفر تبریزی، نستعلیق، تبریز، هرات، بایسنغر

۱- خوشنویس و پژوهشگر



شکوه «خوشنویسی» و «تذهیب» در قرآن‌های عصر ایلخانی (مکتب تبریز)

کیانوش معتقدی

بدون شک، در تاریخ هنر ایران زمین هنر دوره ایلخانی یکی از برجسته ترین و شکوفاترین دوره های هنری در عرصه های همچون معماری، نقاشی، کتاب آرایی، سفالگری و ... به شمار می آید، که تاثیر پذیری آن را می توان تا سده های دیگر نیز، به وضوح مشاهده کرد. گفتنی است، از میان آثار بجای مانده از این دوره، می توان به مجموعه مصحف کتابخانه «خواجه رشید الدین فضل الله همدانی» یاد کرد، که در فاصله سالهای ۷۰۷ تا ۷۱۰ هجری قمری در تبریز و در کارگاه «ربع رشیدی» کتابت و تذهیب گردیده است.

در همین راستا، و با بررسی سیر مکاتب و شیوه های «خوشنویسی» و «تذهیب» در می یابیم که هنر «کتاب آرایی» در عصر ایلخانی (قرون ۷ و ۸ ه.ق.)، بیش از هر دوره ای شکوفا گردیده است. با استقرار حکومت ایلخانان در تبریز، این شهر به یکی از عمده ترین پایگاه فعالیت های فرهنگی - هنری کشور مبدل گردید، و طی این دوره و در سایه تعامل و تلفیق دو سبک نقاشی «چینی» و مکتب «بغداد» هنرهای همچون خوشنویسی و تذهیب در مکتب تبریز، از تحولی پیوسته و پویا برخوردار بود و آثار کم نظیری در عرصه «کتاب آرایی» (قرآن نگاری) عرضه گردید.

لازم به یادآوریست، شیوه های خط در قرآنهای دوره ایلخانی، تنها محدود به یک شیوه خاص نبوده، و بررسی علل شکوفایی خطوطی همچون «محقق، ریحان و ثلث» و معرفی خوشنویسان برجسته این مکتب مهم هنری، خود فرصتی است تا از این رهگذر بتوانیم نسبت به درک و تجزیه و تحلیل ویژگیهای شیوه های خوشنویسی در این دوره نیز نگرشی تازه کسب نماییم.

بررسی جایگاه و ویژگیهای هنر «تذهیب» در این دوره، که در دو قالب هندسی و گیاهی در کار تزئین نسخ قرآنی مورد استفاده بوده و همچنین نوع ترکیب بندی،

تکنیک اجرایی و فرم نقوش موجود در آثار مذهب این دوره ، از دیگر مسائلی است که به آن خواهیم پرداخت.

اما در این فرصت ما برآنیم تا به بررسی جنبه‌هایی مختلف از هنر «خوشنویسی» و «تذهیب» در قرآن‌های دوره ایلخانی پردازیم و از میان نمونه‌های نفیس قرآن‌هایی که در این کتابت گردیده‌اند، ده قرآن خطی نفیس مربوط به این دوره را معرفی و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، همچنین با ارائه تصاویر چندی به بررسی ویژگی‌های سه قرآن نفیس از مکتب تبریز، که در تبریز کتابت و تذهیب گردیده‌اند، می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: قرآن نگاری، ایلخانیان، مکتب تبریز، خوشنویسی، تذهیب،

رشید الدین فضل الله



معماری و شهرسازی



ارسن مجموعه‌های معماری دوره ایلخانی؛ اولین فضاهای شهری بزرگ مقیاس هندسی در ایران

مریم فراهانی^۱

حامد رضایی^۲

دکتر مجتبی انصاری^۳

دوره ایلخانی در معماری ایران به عنوان یک دوره گذار از سبک رازی به سبک اصفهانی مطرح است. اهمیت این دوره در معماری ایران به آن دلیل است که از یک سو به دنبال وضعیت خاص پیش آمده بعد از حمله مغول سیر تکاملی معماری ایران را حفظ کرده و از سوی دیگر زمینه و بستر لازم برای شکل‌گیری سبک اصفهانی در دوره صفویان را فراهم می‌آورد. معماری ایلخانی و پس از آن معماری تیموری و به طور کلی سبک اذری در معماری ایران به دنبال ایجاد شکوه هر چه بیشتر در قیاس با دوره‌های قبل از آن است.

به دنبال ایوان‌های بلند، ارتفاع بیشتر گنبدها و ... یک وجه دیگر شکوه بناهای ایلخانی در ارسن وسیع مجموعه‌های معماری بروز می‌کند. این ارسن وسیع را در مجموعه‌هایی همچون مجمعه شیخ جام، مجموعه بسطام، مجموعه شیخ صفی اردبیلی و مجموعه مرکز شهر سلطانیه می‌توان مشاهده کرد. نگاه به شکل هندسی این ارسن‌ها به طور بارز تفاوت آنها با حیاط مجموعه‌های معماری قبل از آن و میدان‌های ارگانیک درون بافت‌های شهری را نمایان می‌کند.

شکل‌گیری میدان حسن پادشا با فرم کاملاً هندسی در تبریز در دوره‌های پس از ایلخانان را می‌توان یک زمینه تبلور این ارسن‌ها در شهر دانست. از آنجایی که ریشه شکل‌گیری حکومت صفویان تبریز بوده و معماری صفوی ریشه در سبک

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه تربیت مدرس و مدرس دانشگاه هنر

۲- کارشناس ارشد معماری و مدرس دانشگاه هنر

۳- استادیار گروه معماری و رئیس دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

آذری دارد، تبلور میدان نقش جهان اصفهان را می‌توان در ارتباط با ارسن مجموعه‌های معماری دوره ایلخانی و پس از آن دانست. نمونه این اثرگذاری را می‌توان در تاثیر معماری آتروسک‌ها بر شکل‌گیری فوروم رومی مشاهده کرد. این مقاله به دنبال یک مقایسه تطبیقی میان ارسن مجموعه‌های ساختمانی دوره ایلخانی و پس از آن در سبک آذری با میدان نقش جهان در اصفهان است که در این رهگذر تحولات اجتماعی و تاریخی اثرگذار نیز مورد بررسی واقع می‌شود. واژگان کلیدی: معماری ایلخانی، معماری صفوی، ارسن، میدان

اصول و خصال شیوه آذری

(هنر و معماری و شهر سازی)

دکتر حسن ذوالفقار زاده^۱

سرزمین آذر بایجان در ایجاد مکتب و شیوه‌های هنر و معماری و شهر سازی در رده نخست ارایه مکتب و شیوه و روش قرار دارد چرا که سه شیوه هنری، معماری، شهرسازی ایران (پارسی، آذری و اصفهان) از آنجا نشأت گرفته و به سراسر جهان اسلام تسری پیدا کرده است.

بدنبال شیوه رازی، شیوه آذری از قرن ۷ تا قرن ۱۱ هجری قمری (قرن ۱۱ تا ۱۷ میلادی) تجلی می‌کند. شیوه آذری شامل دو دوره است که دوره اول از زمان هلاکو شروع شده و مراغه پایتخت می‌شود و دوره دوم از زمان تیمور آغاز شده و سمرقند پایتخت می‌گردد.

اصول و ویژگیهای این دوره که منجر به ظهور آثار خاص و با خصوصیات ویژه در سراسر ایران تسری پیدا می‌کند شامل:

۱- زیبایی، آمود و نماسازی این دوره که پیش از آن کمتر بکار رفته بود کاشی تراش یا « معرق » است که در دوره اول شیوه آذری به اوج خودش می‌رسد و در دوره دوم آذری، کاشی هفت رنگ و کاشی خشتی رواج پیدا می‌کند برای نمونه بارگاه امام رضا (مشهد) - مسجد کبود (تبریز) که به فیروزه اسلام لقب یافته است.

۲- عظمت، در این شیوه ساختمانهای با ابعاد و اندازه‌های بسیار بزرگ که در شیوه‌های قبل حتی بعد از آن به این عظمتی، بنایی ساخته نشده است شکل می‌گیرد، در این خصوص با شکوهرترین بناها را می‌توان، گنبد سلطانیه

۱- هیأت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

(زنجان) - مسجد علیشاه (تبریز) - مسجد گوهر شاد (مشهد) و گور امیر (سمرقند) را یاد کرد.

۳ - تنوع، در این دوره تنوع و گوناگونی طرحها از همه شیوه‌ها بیشتر است هندسه‌های متنوع و بیرون زدگی‌ها (نهاز) و تو رفتگی‌ها (نخیر) فراوان بکار رفته است. برای مثال مدرسه غیاثیه خرگرد (بین خاف و جام).

۴ - تعادل و توازن کالبدی و فضاها، همه عناصر معماری و شهرسازی به منزله یک ترکیب هنری در ماهرانه‌ترین ترکیب فضایی و بیان کالبدی، ظهور و تجلی پیدا می‌کنند. نمونه بارز آنرا می‌توان: مدرسه الغ بیک (سمرقند و بخارا) - مقبره خواجه ابونصر پارسا (بلخ) - مسجد جامع (ورامین و یزد) - مجموعه ساختمانی بسطام - و مجموعه ساختمانی شاه زند (سمرقند) را نام برد.

۵ - سازه، تکنولوژی و ساخت گنبد‌های دو پوسته پیوسته و گسسته نار که در این دوره برای اولین بار در کل جهان و در سطح وسیع ساخته شد، شاخص‌ترین آن گنبد سلطانیه است که به نقل از تاریخ نویسان و اساتید معماری دیگر کشورها تا یک صد سال در کل بناهای جهان بی نظیر بود.

۶ - معناداری، در این دوره، شیوه آذری توانست به خیلی از کلمات مثل اوج و شکوه و جلال تا تواضع و آرامش و... مفهوم کالبدی بخشد. برای نمونه مناره‌های مسجد جامع یزد و نظنز مفهومی از اوج و شکوه و تزیینات داخل گنبد آن تمثیلی از آسمان پرستاره و مجموعه بناهای بسطام، تواضع و آرامش را القا و تداعی می‌کند.

اوجان شهری از پیش برنامه ریزی شده

حسن وحدانی چرزه خون^۱

مکان شهرها جزء ویژگی جدایی ناپذیر و ذاتی شهرها می باشد، و مکانیابی شهرها بایستی با توجه به موقع و مقرّ شهرها انجام بگیرد؛ توجه به معیارهای مکانیابی که از جمله اصول بنیادین شهرسازی در عصر معاصر می باشد، که می تواند موجب شکوفایی شهرها و به تبع آن موجب آسایش ساکنین آن شهرها بشود؛ معیارهایی که به طور رایج در مکانیابی شهرها بایستی رعایت گردند، عبارتند از: شیب زمین، کاربری زمین، دسترسی به زیرساخت‌ها مخصوصاً شبکه‌های ارتباطی و آب، خطر سیل، خطر زلزله، اقلیم و آسایش، منظر و چشم انداز.

در بررسی‌های میدانی به عمل آمده از موقع و مقرّ شهر اوجان مشخص گردید؛ که یکی از مهمترین ویژگیهای شهر اوجان، رعایت اصول مکانیابی در ایجاد واحداث آن بوده است.

در انجام تحقیق از مدل فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) استفاده شده است، با استفاده از این مدل مشخص گردید که موقع و مقرّ شهر اوجان دارای مزیت‌های نسبی نسبت به سایت‌های پیرامونی در اطراف شهر اوجان می باشد. با توجه به نتایج بدست آمده از تحقیق مشخص شد که انتخاب موقع و مقرّ شهر اوجان در آن زمان از تاریخ؛ متکی بر تفکر، اندیشه و برنامه‌ریزی بوده و این درحالی است در این زمان بندرت می توان شهرهای مشابهی را یافت که از قبل برنامه‌ریزی شده باشند و تقریباً تمامی اصول و معیارهای مکان‌یابی در آنها رعایت گردیده باشد.

واژگان کلیدی: اوجان، مکانیابی، موقع و مقرّ، شهر، مدل (AHP)

۱- عضو هیات علمی گروه مهندسی شهرسازی دانشگاه بجنورد

بازشناسی شاخصهای شیوه رازی در بناهای دوره ایلخانی در تبریز

علیرضا پرتواله^۱

پرداختن به نکته‌های هنر و معماری امروز بدون شناسایی و دقت نظر در آثار گذشتگان میسر نمی‌باشد. فراوانی ارزشهای پایدار در آثار معماری گذشته به حدی است که می‌تواند الهام بخش معماری معاصر باشد.

نکته‌ای که در معماری گذشته (منظور تا حدود نیم قرن اخیر می‌باشد) این سرزمین مشهود است و تفاوت و تمایز آن را از معماری جدید (از نیم قرن اخیر تا اکنون) بیان می‌سازد، اشتراک مداوم بین عناصر فیزیکی تشکیل دهنده آن و معنا و مفهوم برآمده از آن می‌باشد. هرچند روند این معماری گاه بر اثر کشمکشهای داخلی یا هجوم خارجی دستخوش فترت یا انحراف موقتی می‌شد، با این حال در هر زمان به سبکی مخصوص دست یافته که با هیچ سبک دیگری قابل اشتباه نیست.

کهن ترین مأخذی که در آن نامی از تبریز برده شده، کتیبه‌های شاروخین دوم (سارگن) پادشاه آشور (۷۲۲ - ۷۰۵ پ.م) است. بدینسان تبریز شهریست که در سده هشتم پیش از میلاد مسیح پابرجا و آباد و بزرگ با بارویی استوار بوده است. از عبارتهای این کتیبه چنین به دست آمده است که شهر دارای دو باروی تو در تو و خانه‌ها و انبارهای گندم و... بوده که در آن روزگار شهرت فراوان داشته است.

پس از حمله مغولها به ایران در سال ۶۱۶ ه.ق. شیوه‌ی بی‌همتای رازی در معماری ایرانی از میان رفت و دیگر مانند آن بوجود نیامد. پس از ورود «هولاکو» در سال ۶۵۶ ه.ق. و انتخاب مراغه به عنوان پایتخت، سلسله جدیدی از سلاطین مغول در این سرزمین تشکیل شد که به سلسله ایلخانیان معروف گردید؛ در این میان نباید اهمیت تأثیر دانشمند بزرگ ایرانی «خواجه نصیرالدین طوسی» در

۱- کارشناسی ارشد معماری از دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

انتخاب پایتختی مراغه و جمع‌آوری دیگر هنرمندان در این مکان را فراموش کرد. با تدبیر وی در مجتمع کردن هنرمندان در آذربایجان «شیوه آذری» شکل گرفت. واقع شدن در مقطع زمانی خاص، لزوم ساخت تعداد زیادی بنا و در نتیجه عجله در ساختمان و همینطور مدوله شدن عناصر مختلف آن، این شیوه را دارای ویژگی‌های به خصوصی کرده است که برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

- تنوع زیاد در پلانها و نقشه‌ها
 - استفاده از انواع و اقسام پوششهای گنبدی و طاقی
 - کاهش کاربرد آجر و جانشین شدن سفال نقشین (با نقش برجسته مهری) و ...
- از آنجا که معماری، همچون هر اثر ساخته شده‌ای دارای معانی جدا از بافت درونی خود بوده که مسلماً این نحوه بیان منتج از ماهیت اجزاء معمارانه و چگونگی ترکیب آنهاست و نیز اجزاء آن در ارتباط با یکدیگر تابع قوانین درونی هستند، لذا در این نوشتار دو اثر، مسجد کبود (در زمینه معماری) و ربع رشیدی (در زمینه شهرسازی) که هر دو جزو آثار شاخص این شیوه می‌باشند بررسی خواهند شد. در روند این بررسی پس از کشف الگوها و فرمهای به کار رفته و بررسی اجزاء متشکله، زیرساخت و معانی آن، به کشف روابط بین این اجزاء پرداخته خواهد شد.

این پژوهش بر مبنای فرضیه ذیل شکل گرفته است:

شیوه آذری به مثابه پلی جهت گذار معماری مردم‌وار و ساده شیوه رازی به معماری اشرافی و مزین شیوه اصفهانی عمل می‌کند.

هدف پژوهش:

بازشناسی شاخصه‌های معماری شیوه آذری.

روش شناسی پژوهش:

روش تحقیق در این نوشتار بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای شکل گرفته و از طریق پیشینه شناسی فرمها به مستندات ارزنده‌ای دست یافته شده است.

واژگان کلیدی: معماری، شاخص، شیوه، آذری، ربع رشیدی، مسجد کبود

بررسی معماری و شهرسازی ایلخانیان و تاثیر آنان در پایتخت های تمدن ایرانی

اکبر رجبی کنف گورابی^۱

سیده صدیقه میرگذار لنگرودی^۲

معماری، نقاشی، نگارگری، کاشیکاری و سایر هنرهای ایرانی و اسلامی در دوره ایلخانی رواج داشته و این دوره را در پایتخت های ایلخانیان همچون تبریز، مراغه و سلطانیه می توان نمودی از بازتاب هنر ایرانی - اسلامی در پهنه سرزمین ایران دانست. نقشه های چهارایوانی، مساجد و کاروانسراهای جدیدالاحداث و حتی ایجاد شهرهایی نو همچون سنه غازان و ربع رشیدی نشان از دید وسیع معماری و شهرسازی حاکمان و دانشمندان این دوره و بالاخص در نواحی تبریز و مراغه دانست. معماری و شهرسازی ایلخانی با اندک تفاوتی نسبت به نوع معماری سلجوقیان ادامه یافت، لکن می توان نمونه های بسیار بدیع و ظریفی را در مناطق تحت تصرف این دولت مشاهده کرد که برخی از آنان امروزه نیز جزو شاهکارهای معماری ایرانی و اسلامی به شمار می روند. پس از پایتختی تبریز توسط ایلخانیان بود که ظهور مکتب تبریز را شاهد هستیم که به علت وجود نقاشان چینی نیز متأثر از آن بود.

واژگان کلیدی: معماری ایلخانیان، شهرسازی، مکتب تبریز، ربع رشیدی

۱- دانش آموخته معماری، دانشکده هنر، دانشگاه زابل
۲- دانشجوی کارشناسی معماری دانشگاه پیام نور تنکابن، واحد نوشهر

بررسی مدارس آل مظفر شهر یزد

الهه خاکباز الوندیان^۱

حمله گسترده مغول در سراسر ایران پیامدهای شومی را در برداشت. از آن جمله تخریب و انهدام بسیاری از مراکز علمی. از سال ۶۲۰ تا ۸۰۰ هـ. ق در شهرهای خراسان و ماورالنهر که روزگاری مهد علم و دانش بود دیگر از احداث مدارس و دارالتعلیم های بزرگ خبری نیست، در عوض مراکز علمی به شهرهایی که تاحدودی از حمله مغول مصون ماند انتقال می یابد. از جمله این شهرها یزد می باشد. هیلن براند معتقد است که تنوع اشکال مختلف در تعداد کم مدرسه‌های برجای مانده از دوران ایلخانی، نشان می دهد که هیچ سبک مخصوصی در این دوران غالب نبوده است. با این حال در کتب معتبر تاریخی نام بیست مدرسه در سطح شهر یزد برده شده که امروزه تنها هشت عدد از آنها باقی مانده است و شباهت‌های موجود در بین مدارس مذکور نیاز مقایسه را هم در بخش معماری و هم در بخش تزیینات وابسته به آن می طلبد، به طوریکه شاید بتوان به سبکی خاص در بین مدارس آل مظفر شهر یزد دست یافت. بدین منظور با انجام مطالعات کتابخانه‌ای، اطلاعات لازم در زمینه شناخت آثار، همراه با بانی و تاریخ ساخت آنها جمع آوری، سپس با انجام مطالعات میدانی و مستند نگاری های لازم (تصویری و ترسیمی) به بررسی فضاهای معماری و تزیینات مدارس برجای مانده در عهد آل مظفر شهر یزد پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: مدرسه، آل مظفر، یزد، مدرسه ابوالمعالی، مدرسه حسینیان، مدرسه خانزاده، مدرسه ضیائیه، مدرسه شمسیه، مدرسه رکنیه، مدرسه کمالیه، هشتی، گنبد، محراب، تزیینات، نقوش، رنگ.

۱- کارشناس ارشد مرمت آثار تاریخی از دانشگاه هنر اصفهان و عضو پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد

بررسی تطبیقی تغییرات هندسه پلان در فضا‌های معماری دوره ایلخانی

احسان رنجبر^۱

نجمه مطلایی^۲

دکتر مجتبی انصاری^۳

سرزمین آذربایجان در طول تاریخ ایران همواره نقشی پر رنگ در ایجاد و تکامل سبک های معماری ایران داشته است. شکل گیری معماری اورارتو در این منطقه و امتداد و تکامل آن در معماری هخامنشی و همچنین شکل گیری مجموعه آتشکده تخت سلیمان با ساختار ویژه خود در دوره ساسانی، به وضوح نقش اثرگذار منطقه آذربایجان در معماری ایران قبل از اسلام را نمایان می کند. این زمینه منسجم از بسترهای معماری سبب می شود که بعد از اسلام نیز آذربایجان حضوری پررنگ در معرفی سبک های جدید معماری و امتداد سیر تکاملی معماری ایران داشته باشد.

سبک آذری که پس از روی کار آمدن ایلخانیان در تبریز شکل گرفته و تا دوره صفویان ادامه پیدا می کند، از یک سو به عنوان دوره گذار در معماری ایران مطرح بوده و از سوی دیگر به دنبال سبک رازی زمینه و بستر مناسب سبک اصفهانی را فراهم می آورد.

نگاه به ساختار فضا‌های معماری این دوره و بررسی تطبیقی با فضا‌های معماری متناسب آن در سبک رازی و اصفهانی ارزش ویژه معماری سبک آذری را نمایان می کند. علاوه بر ابداعات چشمگیری معماری ایلخانیان همچون عرضه کردن کاشی به معماری ایران، تغییرات ویژه در فرم و مقطع گنبد و ایوان و ... تحول در هندسه پلان فضا‌های معماری را می توان از شاخصه های تکاملی این دوره در تطبیق با معماری سبک رازی دانست. این تکامل در هندسه پلان را در

۱- دانشجوی دکترای معماری و مدرس گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس

۲- دانشجوی معماری دانشگاه کاشان

۳- استادیار گروه معماری و رئیس دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

مواردی همچون ارتباط گنبدخانه و ایوان در مساجد و حرکت به سمت شفافیت و فضا سازی بیشتر و همچنین در میزان جزئیات در پلان معماری نظیر فرورفتگی ها و پیش آمدگی ها مورد بررسی قرار داد.

نمونه این تغییر در معماری غرب را می توان در معماری کلیساهای باروک دید که در این دوره تحولات در مفاهیم ریاضی و انعکاس آن در معماری چشمگیر است. باید توجه داشت که از ویژگی های مشترک این دو دوره در معماری ایران و غرب را می توان حرکت به سمت شکوه هر چه بیشتر در فضاهای معماری دانست. رویکرد این نوشتار یک رویکرد تطبیقی در تحلیل دگرگونی های هندسه پلان فضاهای معماری دوره ایلخانی در مقایسه با دوره های پیش از آن از یک سو و مقایسه با چنین تحولی در کلیساهای باروک از سوی دیگر می باشد. لذا جایگاه این دو دوره در تاریخ معماری و ویژگی های مربوط به هندسه پلان در نموداری با تحلیل زمانی ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی: معماری ایلخانی، هندسه پلان، گنبدخانه، معماری باروک

بررسی تطبیقی متون و اسناد تاریخی برای تبیین ساختار و نظام معماری و شهر سازی تبریز

پیروز حناچی^۱

احمد نژاد ابراهیمی^۲

تاریخ تبریز یکی از نمونه‌های پیچیده مطالعه در تاریخ معماری ایران می‌باشد دلیل این امر باید در وجود زلزله‌های مکرر و پی‌در پی آن جستجو کرد به طوریکه مرحوم یحیی ذکاء در کتاب زلزله‌های تبریز برای زلزله‌ها یک دوره ۲۰۰ ساله را ذکر می‌کند و در هر کدام از این وقوع‌ها معمولاً آثار دوره قبل را ویران می‌گردد و این عمل موجب شده متأسفانه آثار و مدارک غنی مکتوب غیر مکتوب برجای نماند تا براساس آن بتوان ویژگیهای معماری و علی‌الخصوص شهرسازی آن را تبیین کرد اسناد و مدارک نیز بسیار ناچیز می‌باشد تا بتوان براساس آن تصویری واضح و ضمنی از شهر تبریز در دوره‌های مختلف پیش از قاجاریه ارائه نمود و این امر نیازمند کار باستان‌شناسی و گمانه‌زنی در لایه‌های مختلف شهری در نقاط مختلف می‌باشد تا بتوان بر اساس آن یک تصویر یا دیاگرام شفاف و گویا از تبریز در دوره‌های مختلف سیاسی و فرهنگی ارائه نمود و تا پیش از این عمل هر دیاگرام ارائه شده تنها بر اساس دریافت‌های ذهنی و تصویری محققین خواهد بود.

بر اساس اسناد و مدارک مختلف باقیمانده به خصوص متون و تصاویر تاریخی و توصیف‌های جهانگردان و سیاحان می‌توان بخشهای نهانی از تاریخ شهر را روشن و گویا کرد این مقاله می‌کوشد تا با مقایسه اسناد و مدارک باقیمانده و تطبیق آنها با واقعیات و بقایای باقیمانده از آن دوران نسبت به ارائه نقشه‌های تصویری از تبریز در دوران مختلف و تطبیق آن با موقعیت امروزی در خصوص شناخت و تبیین موقعیت تبریز در دوران مختلف تاریخی اقدام نماید.

واژگان کلیدی: تبریز، برج و باروی تبریز، باروی غازی، امیر و هسودان، دروازه‌های تبریز

۱- استاد یار دانشکده هنر های زیبا - دانشگاه تهران

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز و دانشجوی دکتری معماری دانشگاه تربیت مدرس

بررسی تناسبات ارتفاعی در بناهای ایلخانی

صمد نگین تاجی^۱

مرتضی ملکی^۲

در معماری ایلخانی وجود عناصری چون گنبدها و طاق و قوسهای اعجاب انگیز، انواع کاربندیها و قاب بندیهای شگفت آور، قبل از هر چیز ذهن بیننده را متوجه نظم فوق العاده‌ای می‌سازد که تنها از طریق ترسیمات هندسی صورت می‌گیرد. هندسه اساساً عنصر متحد کننده جزء و کل است. مطلق، و پیوند دهنده انسان با آفرینش، نجوم و نظم طبیعی است. هندسه در عرصه هنر اسلامی تجلی‌گاه اندیشه وحدت‌گرا و وسیله انفکاک و دوری از عالم خاکی به عالم روحانی است. در معماری ایرانی شیوه‌های ساختمان سازی و روال « طرح ریختن » بر مبنای چند روش معمول هندسی صورت می‌گرفته است. استفاده از شیوه هندسی در طرح ریزی بنا، به تنهایی و بدون استفاده از دستگاههای تناسب امکانپذیر نبود. در دوره ایلخانی، دگرگونیهای در تناسب و نیارش ساختمان رخ داد و ساختمانهایی با اندازه‌های بسیار بزرگ ساخته شد. این مقاله کوششی است در جهت بررسی تناسباتی که در اندازه‌های ارتفاعی بناهای این دوره وجود دارد. تکیه بر بعد ارتفاعی، منحصر به فرد بودن تناسب آن در دوره ایلخانی است. روش کار، بررسی اندازه‌ها در نقشه‌های ترسیم شده موجود از بناهای متعلق به دوره ایلخانی بوده است مقایسه آنها با یکدیگر و تحلیل داده‌ها می‌باشد. تعیین این تناسبات، نشان می‌دهد که روح معماری در دوره ایلخانی در تلاش برای نشان دادن عظمت و شکوه بوده است و دارای فرم خارجی بسیار مشخص و ساختاری خوانا از بیرون است .

واژگان: تناسبات ارتفاعی، معماری ایلخانی، هندسه، عظمت و شکوه، هنر

اسلامی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

بررسی خصوصیات پوشش‌های منحنی دوره ایلخانی در سیر تکامل معماری ایران

محمد رضا بمانیان^۱

محمد شریف شهیدی^۲

معماری از جمله فنونی است که بشر در هر برهه از زمان، خود را وابسته و نیاز مند به آن دانسته و همین نیاز سبب شده است تا در هر دوره با تکامل روشها و تکنیکهای متحول‌تر در این زمینه به پیشرفتهای قابل توجهی نائل آید. از مهمترین پیشرفتهای صورت گرفته در زمینه ساخت و ایستایی بناهای دوره اسلامی، می‌توان به پوشش‌های منحنی (طاق و گنبد) اشاره نمود.

در مقاله حاضر ابتدا به بررسی سیر تکامل عناصر طاق و گنبد از آغاز تا عصر ایلخانیان پرداخته می‌شود، سپس عناصر ذکر شده در این عصر مورد بررسی قرار گرفته و دوره ایلخانی همواره به عنوان عصری با کاربرد گسترده پوشش‌های منحنی مطرح می‌گردد. تداوم پوشش‌های طاقی شکل در این دوره به طور بارز استفاده از طاق ضربی، کاربرد عملکردی، سلسله طاقهای متقاطع، پشتبند و سایر الحاقات می‌باشد. در ضمن از سایر تکنیکهای گذشته طاق زنی به طور غیر منسجم در این دوره استفاده شده است. گنبد‌های این عصر به طور کلی سه دسته گنبد منفرد، گنبد دوجداره گنبد داخلی که زیر سقف مخروطی شکل پنهان است، را شامل می‌شود. به علاوه در این دوره انواع گنبد‌های رایج دوره سلجوقی مانند گسسته نار، خاگی، دوپوسته پیوسته و گنبد‌های ترکیب با طاق‌های باریکه کاربرد داشته‌اند. این نوع طاقها در دوره ایلخانی به کرات در چهار طاقی مساجد مورد استفاده قرار گرفته است.

۱- دکترای معماری و استادیار دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

۲- کارشناسی ارشد معماری دانشگاه تربیت مدرس



در اصل مقاله ضمن بررسی موارد فوق و ارائه نمونه های استفاده شده از پوشش های منحنی در دوره ایلخانی با توجه به گذشته آن، سیر تکامل این پوشش ها در بناهای این دوره با نمونه های مشابه در معماری ایران و جهان مقایسه و به خصوصیات ساخت این پوشش ها پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: دوره ایلخانی، طاق، گنبد، تکنیک، معماری.

بررسی ساختار شهر سلطانیه بر پایه اسناد از پیدایش تا انحطاط

نگار منصوری^۱

شهر سلطانیه یکی از مهمترین پایتخت های عصر ایلخانی بوده است، گو اینکه امروزه تنها بنای بجا مانده از آن روزگار گنبد سلطانیه می باشد. شهری در کنار دشتی بکر و بی حصار که محل و مرکز اطراق مغولان بوده است. ارغون، پایه های این شهر را در کنار دشت بنا نهاد و کار ناتمام او را اولجایتو به پایان رساند. ایلخانیان با تکیه بر تجربیات شهرسازی خود تلفیقی از هنر ایرانی و مغول را در این پایتخت بکار گرفتند. شهری که به لحاظ ساختار معماری، طرح و شکل نیازمند تفحص و تعمق بسیار است؛ مرکز مهمی که زمانی پایتخت سیاسی و اقتصادی ایلخانان بود. در این مجال اندک با تکیه بر اسناد مکتوب، نقاشی ها و کروکی های سیاحان و البته سفرنامه های برجها مانده، برآنیم تا با استفاده از یک سلسه دیگرام ها این نظام شهری را تعریف نماییم و الگویی از این مجموعه ارائه دهیم تا چگونگی جایگیری عناصر شهری را در شکل گیری ساختار این مجموعه متصور شویم. در تلاشیم تصویری از کلیت خطه با شکوه و ارزشمند سلطانیه را بدست آوریم که الگویی از نظام شهرسازی آن روز باشد. امید است این گام کوچک وصفی در خور آن همه شکوه و عظمت باشد.

واژگان کلیدی: ساختار، عناصر، رابطه.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مرمت و احیای بناها و بافت های تاریخی، دانشگاه تهران

بررسی معماری ایلخانی مجموعه تخت سلیمان و سیر تحول آن تا معماری ایلخانی تبریز

نادره شجاع دل^۱

در میان هنرهای مختلف معماری نمود یافته ترین و کاربردی ترین هنر در میان ملت‌هاست و در سرزمین پهناوری چون ایران با فراز و نشیب‌های سیاسی و نظامی بیشماری که در طی هزاران سال پشت سر نهاده است هنر معماری این فراز و نشیب را با روندی رو به تکامل طی نموده و هر جا که نیروی غالبی تمدن این سرزمین را با خاک یکسان نموده، خود با فرهنگ این مرز و بوم عجین گشته و جوانه های فرهنگ، تمدن و معماری جدید بر ریشه های پیشین استوار گشته و روندی رو به تکامل در پیش گرفته است.

حمله مغولها به ایران و دوران حکومت ایلخانان بر این سرزمین از شاخص ترین مصادیق این امر می باشد. در زمان حکمرانی ایلخانان در سایه درایت وزیران دانشمند و هنردوست، معماران این سرزمین پایه گذار سبکی گشتند که به جرات می توان آن را نقطه اوج و شکوه معماری و تمدن این سرزمین در دوره اسلامی نامید.

معماری دوره ایلخانی :

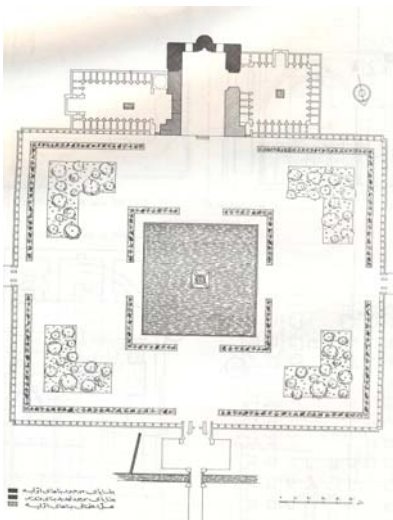
از ویژگیهای بارز معماری دوره ایلخانی می توان به ادامه سبک معماری دوره سلجوقی با انجام اصلاحاتی در طراحی و سازه بناها اشاره نمود. پس از دوره سلجوقی در یک دوره سیصد ساله معماری در ایران سیر منظم تکامل را طی نموده است. در بناهای دوره ایلخانی اهمیت زیادی به خطوط عمودی و ظرافت اشکال منتخب داده شده و با مقایسه آنها با بناهای سلجوقی نسبت فضاها تغییر یافته و ارتفاع فضاها بطرز چشمگیری افزایش یافته است. در مقایسه با ایوانهای

۱- عضو هیئت علمی سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری آذربایجانغربی

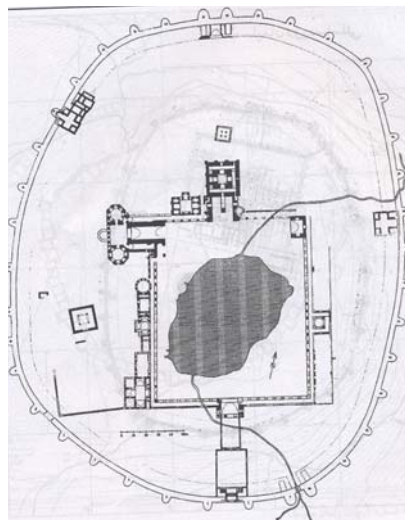
پهن و بزرگ سلجوقی ایوانهای ایلخانی باریکتر و مرتفعتر شده و ستونچه‌های گوشه‌ها به تعداد زیاد تر نزدیک به هم قرار گرفته و خطوط عمودی در بناها نمود بیشتری یافته اند. استفاده از مقیاسهای گسترده تر با پلانهای متنوع تر، استفاده از تزئینات گره چینی با کاشی آبی و آجرنخودی رنگ، رواج و تکامل تزئینات گچبری، ابداع کاشی هفت رنگ و زرین فام و..... از دیگر ویژگیهای بارز این دوره به شمار می روند.

بررسی معماری ایلخانی مجموعه تخت سلیمان :

این نوشتار در نظر دارد بقایای معماری ایلخانی مجموعه تخت سلیمان تکاب را که در زمان اولین جانشین هلاکو، ایلخان آباقاخان در زمانی که پایتخت ایلخانان در مراغه بود، به لحاظ ویژگیهای تاریخی و معماری بررسی نموده و ضمن تحلیل آن به مقایسه خصوصیات معماری این بناها با بناهای ایلخانی تبریز که به عنوان عصر طلایی غازان خان شهرت یافته است پردازد.



تبریز پلان مفروض ارک علیشاه (ویلیز، ۱۳۶۵)



تخت سلیمان پلان کاخ شکار ایلخان آباقاخان (ناومان، ۱۳۸۶، ۱۳۸)



بنیان رصدخانه مراغه؛ آغازگر معماری عصر ایلخانی و رستاخیز مجدد معماری اسلامی ایران

ناصر دبیر^۱

یورش مغولها به چهار جهت جهان پس از قوریلتای ۶۰۲ هـ. ق. در چادر نمدی موسوم به یورت، آغاز و نظام جهانی، بویژه فرآیند هنر و معماری را دچار اختلال و فترت طولانی ساخت. برآیند این اختلال در ایران، توقف یا رکود بیش از نیم قرن فعالیت معماران و هنرمندان ایرانی است که از شر مغولها به نقاط دوردست پناه برده یا از میان رفته بودند.

از نخستین تماس مستقیم و همسایگی مغولها با ایران که در جهت خونخواهی و انتقام از کاروان غارت‌شده مغولان در اترار بوسیله خوارزمشاهیان، از سال ۶۱۶ هـ. ق. آغاز می‌شود تا غلبه بر دو خطر بالقوه یعنی فتح قلاع اسماعیلیه و برچیدن خلافت عباسی در سال ۶۵۶ هـ. ق، چهار دهه سرشار از ویرانگری و انهدام شهرهای ایران همراه بوده و در خلال این دوره هیچ اثر قابل توجه معماری بنیاد نشده است.

در چنین شرایطی حکومت ایلخانی تشکیل و شیوه زندگی و حکومت مغولها دگرگون میگردد. مغولها علاوه بر زندگی در چادرهای نمدی متحرک مطابق با شیوه صحرانوردی خود، با شیوه معماری ایرانی آشنا می‌شوند. آنها «نخست شهرهای چادری می‌ساختند و... و این شهرها پس از مدتی نابود می‌شد.» (اشپولر، ۱۳۶۸، ص ۴۴۶) این فرهنگ بتدریج تغییر یافته و «در سالهای سلطنت هلاکو بنای ساختمان‌های دایمی تر آغاز گردید.» (ویلبر، ۱۳۶۵، ص ۱۰)

منشاء این تحول خواجه نصیرالدین طوسی بود او با استفاده از روزنه نفوذ و زمینه مذهبی شمنیزم و نیاز مغولها به طالع‌بینی، پیش‌گویی و استخراج آثار فلکی سعد و نحس ساعات و استکشاف صلح و فساد هر تصمیم پیش از آغاز (ورجاوند،

۱- کارشناس ارشد میراث فرهنگی و رئیس موزه تخصصی ایلخانی مراغه، دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت آثار و اشیاء فرهنگی تاریخی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جامع اهر

۱۳۶۶، ص ۱۴۳)، نخستین معماری عصر ایلخانی را بعنوان رصدخانه مراغه پیشنهاد و این امر مورد توجه و حمایت خان مغول واقع گردید. این نقطه را می‌توان آغازگر تحول بنیادین در احیای فرهنگ، هنر و معماری اسلامی و استحاله تدریجی خوی ویرانگری و وحشی‌گری مغولها قلمداد نمود. همچنین از همین نقطه، سبک جدید معماری اسلامی ایران بعنوان دوره نخست شیوه آذری (پیرنیا، ۱۳۸۲، ص ۲۱۴) شکل گرفته و چون «از زمان ساختمان آخرین ابنیه بزرگ تا این زمان، تقریباً دو نسل از طراحان و استادکاران بیکار مانده بودند.» (ویلسر، ۱۳۶۵، ص ۱۱) و به جهت ظهور شیوه جدید معماری اسلامی از خاستگاه بومی آذربایجان، از آن می‌توان به رستاخیز مجدد معماری اسلامی ایران یاد کرد.

امیدوار است در شرح مقاله آثار و نتایج بنیاد رصدخانه مراغه و ریشه‌ها، خاستگاه و ویژگی‌های دوره نخست شیوه معماری آذری و تأثیر آن در معماری ایران و جهان بررسی گردد.

واژگان کلیدی: مغول، معماری ایلخانی، رصدخانه مراغه، شیوه آذری

تأثیر عوامل محیط طبیعی بر رشد شهر تبریز در دوره ایلخانی

پریسا هاشم پور^۱

محمد ابراهیم رضانی^۲

شهر بعنوان تبلور نوع خاصی از ارتباطات انسان و محیط طبیعی در بستر جغرافیایی است (رهنمایی، ۱۳۶۹) عوامل محیط طبیعی در کنار پدیده های انسان ساخت، فضاهای زیستی از جمله فضاهای شهری را شکل می دهد و روابط متقابل بین آنها است که محیط شهری را تشکیل می دهد. (شماعی، پوراحمد، ۱۳۸۴)

توجه به محدودیت هایی نظیر زمین، آب، هوا، تنوع زیستی و عناصر دیگر محیط زیست طبیعی اساسی ترین اقدامی است که شهر ساز یا برنامه ریز منطقه باید در جهت تحقق پایداری اعمال نماید.

هنر اصلی ایرانیان در زمینه معماری و شهرسازی نیز در مناطقی بروز کرده که محدودیتهای طبیعی در اوج بوده است. قلت آب، بادهای مزاحم، سرما و یا گرمای طاقت فرسا و... بعنوان واقعیتهای زیستی پذیرفته می شد. و درایت و تدبیر، استفاده از آنها را با بهترین راهکارهای ممکن می ساخت. در اوج تبعیت از طبیعت، بهره برداری از آن و در اوج احترام به آن، حفظ آن، اینها رازهای پایداری شهرهای گذشته ما بوده اند. رازهایی که غالباً از نگاه های سطحی و گذرای بازدید کنندگان پنهان می ماند در این رهگذر توجه به شرایط محیط طبیعی شهر تبریز با در نظر گرفتن رونق روز افزون این شهر به سبب اهمیت آن بعنوان یک شهر مرکزی از لحاظ حکومتی و تجاری که موجب گسترش آن در دوره ایلخانی شده بود.

در این ارتباط این مقاله سعی بر آن دارد که روند توسعه شهر تبریز را در دوره ایلخانی و اثرات آن روی محیط طبیعی را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد و با معرفی عوامل مثبت مهم و تأثیر گذار در آن دوره، برای توسعه آتی این شهر راهکارهای مرتبط را معرفی و پیشنهاد نماید.

واژگان کلیدی: شهر تبریز، دوره ایلخانی، شهر پایدار، محیط طبیعی

۱- عضو هیات علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

تأثیر ساخت مقابر در شکل‌گیری شهرهای ایلخانی

سعید خوش نیت^۱

باتوجه به اینکه در دوره ایلخانان مغول توجه زیادی به مقبره سازی شده و مقبره‌های عظیم و باشکوهی همچون سلطانیه بنا گردیده و در هر شهری که توسط ایلخانان مغول ساخته شده و یا آن شهر به صورت مرکز حکومتی انتخاب شده مقبره‌ای بنا گردیده و با توجه به نمونه‌های موردی می‌توان به یک روند دست یافت که اصولاً ساخت شهر در دوره ایلخانی بر پایه مقبره بوده و یا اینکه بنای مقبره تأثیری در شکل‌گیری شهر داشته یا نه.

در این نوشتار نگارنده ضمن عبور از مراحل شناخت ساخت مقبره و شهر و تأثیر ساخت مقبره بر کالبد شهر و شهرنشینی به دنبال تدوین مبانی شکل‌گیری ساخت مقبره و تأثیر آن بر شهرسازی در این دوره می‌باشد.

۱- دانشجوی دکتری مرمت از دانشگاه معماری و ساختمان باکو

تأثیر شخصیت های مهم علمی و سیاسی دوران ایلخانیان بر روند شکل گیری معماری و شهرسازی

لیلا مدقالچی^۱

شیوا ولایتی^۲

بعد از آرام شدن اوضاع ایران، ایلخانیان شروع به انجام اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و تجاری نمودند. سهم عمده این اصلاحات و آبادانی بر عهده دانشمندان و وزرای با فراستی بود که توانسته بودند به دستگاه حکومتی ایلخانیان نفوذ کنند و با درایت خود زمینه علاقه مغولان را به علمی نظیر طب، نجوم، تاریخ نگاری و ... مهیا کنند و از طرفی امکان بسط و گسترش دانشمندان دیگر را فراهم نمایند، تا این دوره از تاریخ را به عنوان یکی از مهمترین دوران طلایی در سطح دنیا مطرح سازند. حمایت ایلخانیان و فراست تنی چند از این دانشمندان نظیر خواجه نصیرالدین طوسی و خواجه رشیدالدین فضل .. اثرات ژرفی نیز در معماری و شهرسازی آن دوران داشته است به طوری که امروزه از عظمت و شکوه معماری و شهرسازی آن دوران که به همت افرادی چون ایشان بنا نهاده شده است، به عنوان یکی از دوره های موفق معماری اسلامی یاد می شود.

مطرح شدن شهرهایی چون تبریز، مراغه و سلطانیه به عنوان قطب های علمی آن روزگار حاصل تلاش همین دانشمندان و وزرای با نفوذ و قدرتمندی است که خواه از سر تفکر و اندیشه و خواه از سر کینه و خودنمایی در شکل گیری معماری این دوره اثرات قابل توجه و شایانی داشته اند.

در این مقاله سعی خواهد شد خدمات ارزنده شخصیت های مهم تاریخی و تاثیر آنان در شکل گیری معماری و شهر سازی دوران ایلخانی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱- فوق لیسانس معماری و عضو هیات علمی دانشگاه نبی اکرم (ص)

۲- فوق لیسانس معماری و عضو هیات علمی دانشگاه نبی اکرم (ص)

تأثیر معماری حصار دوره ساسانی تخت سلیمان در ساخت ارگ سلطانیه

خسرو فری^۱

بی شک معماری ایران، در طول تاریخ پر فراز و نشیب آن، از دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخی از تمدن ایلام و امپراتوریهای هخامنشی تا ساسانی و دوره شکوهمند اسلامی تا عصر حاضر دارای نوعی استمرار و پیوستگی می باشد. هرچند در این مسیر طولانی و به دلیل نفوذ بیگانگان، معماری ایران در ادواری دستخوش افول و تحولات بسیاری بوده است. با این حال و بدلیل غنای فرهنگی، معماری ایرانی همواره یک روند پویا و مستمر و دارای سبک و هویت منحصر به خود داشته است. که آنرا از دیگر فرهنگها متمایز میکند. یکی از عناصر مهم معماری و شهر سازی ایران ساخت حصار و برج و باروی تدافعی پیرامون شهرها و ارگ سلطنتی میباشد که استمرار این ویژگی معماری را از تپه سیلک، حسنلو، دژ شهر اورارتویی بسطام، تخت جمشید تا تخت سلیمان و ارگ سلطانیه و بالاخره تا اواخر دوره قاجار در پیرامون شهر خوی و در دوره پهلوی اول در حصار روستای عسگر آباد ارومیه را می توان مشاهده و مطالعه نمود. حصار محیطی دژ شهر ساسانی تخت سلیمان نمونه بارز این سازه دفاعی و حفاظتی میباشد که از مهمترین آتشکده ساسانی (آتشکده آذر گشنسب) حفاظت میکرد این حصار تدافعی الگویی مناسبی جهت احداث دیوارهای تدافعی در دوره های بعدی می باشد.

پس از آنکه سلاطین مغول مجموعه سحر انگیز تخت سلیمان را بعنوان پایتخت و استراحتگاه تابستانی انتخاب نمودند تاسیساتی در کنار دریاچه و بر روی آثار دوره ساسانی در تخت سلیمان احداث کردند معماران این دوره با شناخت کامل از فرم و شیوه احداث برج و باروی تخت سلیمان و حتی با دخل و تصرف

۱- کارشناس ارشد مرمت و احیای بنا و بافت های تاریخی



جهت احداث دروازه در محور شمال و جنوب این الگو را در طراحی و ساخت ارگ پایتخت جدید ایلخانان مغول در سلطانیه بکار بستند. این مقاله سعی دارد با مقایسه حصار تخت سلیمان با حصار ارگ سلطانیه ردپای معماری دوره ساسانی و تاثیر آن را در معماری دوره ایلخانی بررسی نماید.

تأثیرگذاری و تاثیر پذیری معماری های شکل گرفته شده بر فرهنگهای مجاور

فرزانه سلیمانی جای^۱

میراث بر جای مانده از دوره ایلخانی بخوبی نشانگر آن است که هنر و فن معماری و شهرسازی در آن زمان تکوین هنر دوران باستانی ایران خصوصا دوران ساسانی است. ایلخانان در راستای حس جاه طلبی خود الگوهای معماری ساسانی را بسیار مناسب دیدند و در این روند امکان استقلال هنری ایرانیان از استیلای فرهنگ خلفای عباسی بخوبی تامین شد و معماری شکوهمند ساسانی در ابعادی نو و با دانشی دو چندان و با حمایت وزرای ایرانی ایلخانی تبلوری دوباره یافت. علاوه بر تاثیر هنر ایلخانی از هنر ساسانی تاکید هنرمندان و اندیشمندان این دوره باعث گردید تا روند گسترش هنر اصیل ایرانی در سراسر قلمرو حکومتی ایلخانان و مرزهای خارج از حکومت ایلخانان ادامه یابد و خصوصا اروپا پس از رنسانس از این مکتب هنری در راستای ترقی علمی و فرهنگی بسیار سود برد. تاثیر هنر این دوره در دوره های بعدی خصوصا ساخت و ساز معماری دوره عباسی و ساخت شهرهایی مانند اصفهان بسیار مشهود است. هنر این دوره را می توان در ابعاد زیر مورد بررسی قرار داد:

- توجه و تاکید در ساخت بناهای شاخص همانند گنبد سلطانیه و ارگ علیشاه
- توجه به المانهای عمودی و ساختمانهای مرتفع
- تداوم چشم اندازهای باغ سازی دوره ساسانی و تاکید بر نقش باغ در تکمیل بناها و عناصر شهری
- استفاده از نور به عنوان بعد چهارم در طراحی و استفاده از تضاد نوری در طراحی فضاهای معماری

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بستان آباد

- طراحی ایوانهای عظیم مشرف به باغ و حوض در تداوم طراحی فضاهایی مانند طاق کسری در ساخت ارگ علیشاه تبریز
- استفاده از نظم هندسی و قواعد ریاضی در طراحی ساختمان
- استفاده از سازه به عنوان عامل تزئینی به صورت نمایان و طراحی کاربردهای بی نظیر
- طراحی صنعتی ساختمان و ابداع و استفاده از پیمونه‌های دقیق در معماری
- توسعه آسمانه‌های گنبدی عظیم در تداوم گنبد سازی دوره ساسانی در مقبره سلطانیه و تاثیر آن در ساخت گنبدهایی مانند گنبد کلیسای فلورانس و سانتا ماریا دلفیوره توسط معماران دوره رنسانس
- نگرش علمی به نیارش ساختمان خصوصا در زمینه گنبد سازی و آسمانه‌های طاقی شکل
- تکوین چهارطاقی‌های ساسانی و تبدیل آن به پلان هشت ضلعی به صورت کارآمد تر در گنبد سلطانیه
- تاثیر شکل و فرم هنر دوره سلجوقی در قلمرو ایلخانی همانند آرایش چهار ایوانه در طراحی مساجد فرهنگهای مجاور نظیر مصر
- تاثیر هنرهای تزئینی ساسانی در زمینه گچبری و هنرهای تزئینی آجرکاری از دوره سلجوقی در گنبد سلطانیه و انتقال آن به دوره‌های بعد
- طراحی بازار به عنوان هسته اصلی شهرهای ایلخانی و توسعه اقتصادی شهر
- توسعه طراحی شهرهای پایدار
- نمود عملی طراحی باغ شهرها در طراحی شهر تبریز و شم‌غازان و تداوم آن در شهر سازی اصفهان در دوره صفوی
- نمود عینی الگوی مناسب در طراحی و ساخت میداین شهری به عنوان جایگاه عملکردهای مذهبی- اجتماعی- سیاسی- فرهنگی و اقتصادی مانند میدان صاحب آباد تبریز و میدان سلطانیه زنجان و نقش این میدان‌ها در طراحی میدان نقش جهان به عنوان یک الگو
- طراحی مجموعه‌های عظیم علمی- فرهنگی- خدماتی در راستای شهرکهای دانشگاهی ساسانی همانند جندی شاپور و طراحی ربع رشیدیه و تاثیر آن در ساخت شهرکهای دانشگاهی در فرهنگهای اروپایی

- تربیت و تعلیم نیروهای متخصص در راستای هافهای دراز مدت معماری و تاکید بر عامل انسانی به عنوان شاخص موثر در رواج و گسترش فرهنگ و تاثیر این هنرمندان در انتقال و توسعه فن و هنر ایرانی در دوره های بعد
واژگان کلیدی: معماری ساسانی، ربع رشیدی، گنبد سلطانی، ارگ علیشاه، رنسانس

تاج الدین علیشاه و معماری دوره ایلخانی

لیلا رحیمی^۱

خواجه علیشاه فرزند ابی بکر، ساکن محله مهادمهین (میارمیار) تبریز و پیرو مذهب اهل سنت بوده است. وی در هنگام مرگ شصت سال داشته و تاریخ تولدش را حدود سال ۶۶۴ ه.ق نوشته‌اند خواجه را بعضی از اهل تراجم، وزیر صاحب رای و باتدبیر و هنرور و مشیر و عدالت شعار و شرع پرور توصیف کرده‌اند.

تاج الدین علیشاه تاجر جواهر و کالا بود موفقیت وی در اداره امور کارخانه پارچه بافی بغداد و پذیرایی باشکوه او از اولجایتو هنگام ورود وی به بغداد سبب شد تا مورد لطف خاص سلطان قرار گیرد. خدمات تاج الدین علیشاه در آبادانی سلطانیه توجه بیشتر اولجایتو را برانگیخت. وی پس از نشستن بر مسند وزارت (در سال ۷۱۵ ه.ق) جهت ارائه کار چشمگیر، به تزئین گنبد سلطانیه پرداخت و ساختمان تربتخانه را نیز به آن اضافه کرد.

از اقدامات دیگر ایشان مقبره میره خاتون (زن تاج الدین علیشاه) معروف به مینار خاتون در سلماس بود. گرچه شکل ظاهری این مقبره شباهت تامی به آثار سلجوقی دارد ولی «هرتسفلد معتقد است که تاریخ آن ۷۰۰ یا ۷۱۰ هجری است. و عاقبت در زلزله ویرانگر سال ۱۳۰۹ ه.ش کلاً منهدم شد.»

حمدالله مستوفی اشاره می‌کند که سلماس یکصد سال پس از حمله مغول بدست تاج‌الدین علیشاه جیلان تبریزی مرمت شده، علاوه بر این یک پل و راه‌های متعدد به امر وی ساخته شد نهر علیشاه که از نزدیکی سلماس کنونی می‌گذرد نیز از اقدامات مؤثر ایشان برای مرمت سلماس تخریب شده به شمار می‌رود. وی در هنگام وزارت خویش مساجد و مدارس و عمارات بسیاری ساخت از جمله عمارت «کارخانه فردوس بغداد» که چهار هزار صنعتگر داشت.

۱- کارشناس ارشد معماری از دانشگاه هنر اسلامی تبریز

در سال ۷۱۱ هجری به بنای مسجد عظیمی در خارج کوی مه‌آباد مهین تبریز پرداخت، که در گذر زمان از آن با نام های ارک تبریز، ارک علیشاه، طاق علیشاه و نیز مسجد علیشاه یاد کرده اند. این ایوان عظیم فرو ریخته، که ابعاد آن از ایوان مداین بزرگتر است، از نظر حجم، فضا سازی، رفعت و عظمت یکی از شاهکارهای هنر معماری ایران شمرده می شود.

یکی از منابع اشعار می دارد که خود علیشاه، نقشه بنا را طرح کرد این بنا شایان توجه خصوصی است، زیرا یکی از سه ساختمان عظیم دوره مغول است که اندازه عظیم و ساختن آن ها در مقایسه با ساختمانهای معمولی زمان اقدام خطیری به شمار می رود، دو ساختمان دیگر مقبره غازان خان و مقبره اولجایتو است.

دونالد ویلبر اشاره می کند که این بنا گواه عالی از منابع مادی و اوج قدرت مغول در ایران است و علاقه شخصیت های بزرگ کشور را به معماری نشان می دهد، نقشه آن نشان می دهد که رسوم معمول معماری را برای این بنای ممتاز و مشخص اقتباس و تغییر داده اند و همچنین مهارت سازندگان در انجام برنامه مخصوص به خوبی معلوم است. در کل می توان تاج الدین علیشاه را در طول زندگی از حامیان معروف معماری به شمار آورد.

واژگان کلیدی: تاج الدین علیشاه، ارگ علیشاه، سلماس، سلطانیه

تبیین فضاهای شهری ربع رشیدی، شهر آرمانی خواجه رشیدالدین فضل الله

دکتر فرح حبیب^۱

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی دانشمند و سیاستمدار برجسته ایرانی قرن هفتم هجری در شمال شهر تبریز شهرکی را بنیان گذاشت که بیشتر جنبه علمی و آموزشی داشت. این شهرک را ربع رشیدی نامیدند هدف خواجه رشیدالدین از تاسیس ربع رشیدی این بود که مکانی ایجاد نماید که در آن مجمعی از علما و دانشمندان را مستقر کند.

از آنجا که بسیاری از ایده آلهای خواجه رشیدالدین در این شهرک متجلی گردیده است، تاسیسات ربع رشیدی چنان دقیق در وقفنامه بیان شده که امروزه می توان از روی همان توضیحات نقشه آن را پیاده کرد. محل احداث گنبد بزرگ، محل سکونت سه مقام ارشد ربع رشیدی، محل مساجد، مدارس و محل کتابخانه های دوگانه، دارالشفا، محل سکونت مدرسان و معیدان و طلاب و غیره را دقیقاً تعیین کرده است. بطور خلاصه این مجتمع را می توان به سه قسمت اساسی به شرح زیر تقسیم کرد:

ربع رشیدی، شهرستان رشیدی، ربض رشیدی

لذا در این مقاله به بررسی فضاهای معماری و شهری شهرک ربع رشیدی به عنوان یک شهر آرمانی از دیدگاه خواجه رشیدالدین پرداخته خواهد شد. واژگان کلیدی: ربع رشیدی، خواجه رشیدالدین، شهر آرمانی، وقفنامه

۱- عضو هیئت علمی واحد علوم و تحقیقات - دانشیار دانشکده معماری و هنر واحد علوم و تحقیقات

تحولات تاریخی و ساختار کالبدی حصار و دروازه های تبریز

(دوره ایلخانی تا دوره پهلوی)

لیلا رحیمی^۱

ساربانا بار بگشا زاشتران شهرتبریزاست و کوی گلستان
فرفردوسیست این پالیز را شعشعه عرشیت این تبریز را

تهاجم تاریخی مغول در فاصله سالهای ۶۱۶ تا ۶۱۹ ه.ق با ویرانی و کشتار گسترده‌ای در کانونهای مدنی ایران همراه بود. با نشستن غبار فتنه مغول، زندگی بر ویرانه‌های شهرها و روستاهای ایران در شرایط بسیار دشواری ادامه یافت. روی کار آمدن «غازان»، سلطان مسلمان تحول ویژه‌ای را در حکومت ایلخانی و مناسبات آن با جامعه ایرانی نمودار ساخت. اهتمام غازان به اصلاحات پیرامون اجتماعی، سیاسی، اداری، اقتصادی و حقوقی زمینه تازه‌ای را در دوره ایلخانی به وجود آورد. یکی از اصلاحات و اقدامات عمرانی وی ساخت حصار و دروازه تبریز بود به سبب گسترش و توسعه تبریز غازان دستور به ساخت باروی جدید در پیرامون باغات و اراضی آباد شهر کرد. و با توجه به قرارگیری تبریز بر شاهراه بازرگانی جاده ابریشم دروازه‌هایی بر باروی شهر بنیان نهاد. در مقاله حاضر سعی شده است تحولات ساختاری و کالبدی تبریز همراه با حصار و دروازه‌های آن از دوره ایلخانی تا شروع دهه ۱۳۰۰ شمسی مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. واژگان کلیدی: حصار و دروازه تبریز، ایلخانی (غازان)، قراقویونلو، صفویه، قاجاریه.

۱- کارشناسی ارشد معماری از دانشگاه هنر اسلامی تبریز

تداوم ویژگیهای تاثیرگذار معماری ایلخانی در مساجد چوبی آذربایجان شرقی

هوشنگ بابائی کهن^۱

شبستان با پلاتی ساده مستطیل یا مربع شکل با جرزهای قطور همراه با تزئینات آجری خفته راسته، اسپرها وطاقنماها با قوس و سرطاقی‌های تیزه‌دار جناغی در دل دیوارها و همچنین وجود بازشوهای درامتداد هم ودریک راستا، استفاده از ستونها همراه با سرستونهای قطاربندی شده چوبی و ایجاد ستاوندهای چوبی، محوربندی ساختمان و محاسبه فواصل ستونهای چوبی از همدیگر واز جرزها، چیدمان تیرهای فرعی در ابعاد مناسب و همراهی پرده‌های تزئینی تراش داده شده درسقف، توان تحمل پذیری شاهتیرهای حمال سقف وستونهای افراشته، پوشش، شیب‌بندی و عایق‌بندی سقفهای مسطح وسیع که بی گمان ملهم از تجارب هنرمندان آذربایجان و بناهای متقدم موجود در آن است که از ویژگیهای مثبت وماندگار این شیوه معماری بشمار می‌آید که تماماً در بنای مسجد گوراوان عجب شیر مشهود می‌باشد.

عمده مصالح مصرفی سنگ لاشه و قلوه سنگ رودخانه ای درفنداسیون وازاره‌ها همراه با ملات ماسه آهک، آجرپخته و خشت در جرزهای کناری، اندودهای گچی درداخل بنا که نهایتاً چوب سپیداروتبریزی می‌باشد .

پی‌ها به صورت نواری وکلاف بندی شده اجرا گردیده است. این سبک و شیوه معماری با تمامی ویژگیهای منحصر به فرد خود به صورت تکامل یافته به ادوار بعدی و صفویه و زندیه نیز انتقال یافته که خود مقدمه‌ای برای ساخت مساجدی با ستاوندهای چوبی زیبا و متعدد شده است. (ملارستم، ملامعزالدین مراغه، شیرلوی عجبشیر، مهرآباد و کبود بناب، مسجد جامع گوگان و...) این سبک و شیوه معماری برگرفته از مصالح بوم آورد منطقه، از آذربایجان شروع و به اقصی نقاط ایران بزرگ گسترش یافته است. (چهل ستون و عالی قاپو اصفهان، مسجد جامع روستای ایبانه و شاه چراغ شیراز و...)

۱- کارشناس ارشد مرمت و احیاء بناهای تاریخی، مدرس آموزشکده سما مراغه و رئیس شرکت تعاونی مرمتی رهگشای مراغه

تصویر آرمانشهر اسلامی در متون اسلامی

مطالعه موردی بررسی ویژگیهای آرمانشهرهای اسلامی در دوره ایلخانی
(ربع رشیدی، شنب غازان، سلطانیه)

صمد نگین تاجی^۱

سیندخت رضایی لیبایی^۲

گفتمان دینی در باب شهر اسلامی کوششی است برای پاسخ دادن به این پرسش اساسی و مهم که شهر اسلامی چگونه شهری است؟ و منظور از اسلامی بودن شهر چیست؟

از شهر در دو مرتبه می توان سخن گفت، مرتبه اول تعیین کالبدی شهر و تحول بافتها، مرتبه دیگر، آن مرتبه ای است که شهر تجلی تصویری آرمانی و معنوی است. بدین معنا هر شهر، به بیان دقیق تر هر زیستگاهی تجلی نظم متعالی است و شکل آرمانی شهر- که خود تجسمی از آرمانشهرهای مثالی و مینویی بر روی خاک ارض مثل و زمین معنوی درعالم اسطوره ها (نمودی از ملکوت آسمانی) هستند.

جنبه های آرمانی ساخت شهر یعنی فلسفه ساخت به مثابه باطن و سیرت یا روح و جان ساخت شهر و برای دریافت منظر اسلامی شهر و درک روح شهر ربانی و پردازش و تدوین الگوی آرمانشهر اسلامی در دو حوزه فقاقت و آداب اسلامی و حوزه کتاب وحی و منابع اولیه و اصیل به پژوهش پرداخته ایم و از مفاهیم عینی آیات قرآنی در باب شهر و مدینه اسلامی در پی الگوی برای آرمانشهرهای اسلامی هستیم و به دو شیوه، یکی استخراج از متونی که به صراحت مربوط به شهر یا به طور کلی سکونتگاههای انسانی پرداخته و دیگر بر استنباطهای اجتهادی متکی بر درک روح دین برای دست یابی به الگوی آرمانشهر

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز



استفاده کردیم. و اطلاعات دریافتی روند پژوهش در زمینه های: سیر تاریخی تحول اصول و مفاهیم شهر ایرانی، بررسی هویت شهر اسلامی از زاویه پژوهشگران، ساختار اجتماعی شهر بنا بر فرهنگ اسلامی، تصویر شهر اسلامی در قرآن کریم ارائه شده است و از این منابع به اصول و ارزشهایی که برای تحقق شهر اسلامی ضرورت دارد دست یافتیمو از آنجایی که بستر یک تحقیق معماری، مصادیق و نمونه های معماری در رابطه با موضوع تحقیق می باشد برای بررسی ویژگی ها و اصولی برای تحقق شهر آرمانی اسلامی، در چند نمونه شهر اسلامی - ایرانی از دوره ایلخانی (شعبان غازان - ربع رشیدی - سلطانیه) با مفاهیم تهیه شده در مبانی نظری مورد آزمون قرار گیرد.

واژگان کلیدی: شهراسلامی، معماری ایلخانی، قرآن کریم، آداب اسلامی،

آرمانشهر اسلامی

دلایل ایجاد شهرکهای اقماری در اطراف تبریز در دوره ایلخانان

(شنب غازان ، ربع رشیدی ، اوجان و ...)

بهروز عمرانی^۱

حسین اسمعیلی سنگری^۲

شهر تبریز در اواخر قرن هفتم هجری بعثت رونق بیش از حد اقتصادی که ناشی از امنیت اقتصادی و ورود بازرگانان مختلف به شهر به دلیل عبور جاده ابریشم بود به یکباره به شهری جهانی تبدیل گشت. بطوریکه بسیاری از مردم از جمله بازرگانان و دانشمندان برای آمدن به این شهر اظهار بی تابی می کردند . مسلماً پتانسیل شهری در حد تبریز گنجایش این همه آمدوشد جهانگردان را نداشته و نیاز به اماکن جدید برای کمک به این شهر احساس می شد . همچنین با توجه به قدرت پادشاهان و وزرای این دوره هرکدام از آنان درصدد خودنمایی بیشتر با بوجود آوردن المانهای معماری و یا شهرک های تازه تأسیس بر می آمدند. که هرکدام از شهرهای اطراف تبریز دستمایه یکی از قدرتمندان این دوره می باشد. در اصل مقاله به بررسی تک تک این شهرکهای اقماری اطراف تبریز پرداخته و دلایل ایجاد هر کدام بیان خواهد گردید.

واژگان کلیدی: تبریز، ایلخانان، شهرکهای اقماری

۱- استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور

۲- عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور

راهکارهای جذب گردشگری در شهر باستانی ربع‌رشیدی

اکبر کیانی^۱

ربع‌رشیدی بعنوان اولین و بزرگترین شهرک دانشگاهی جهان اسلام، در نزد اندیشمندان علوم مرتبط و علاقمندان به عرصه‌های دانش و شکوه تمدن بشری جایگاه ویژه‌ای دارد. ربع‌رشیدی بارزترین نمونه مساعدت و تلاش سازنده، دست‌اندرکاران و حامیان اصلاحات غازان خان در عرصه تعالی، رشد و پویایی فرهنگ ایرانی بشمار می‌رود که توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی با برنامه‌های وسیع فرهنگی، اقتصادی و رفاهی در نخستین سالهای قرن هشتم هجری قمری در داخل حصار جدید شهر تبریز ایجاد شد. با وجود عظمت ربع‌رشیدی، هنوز بطور شایسته شناخت و معرفی این شهر در جهان انجام نشده است. بنابراین، هدف مقاله حاضر ارائه روش‌های شناخت بیشتر ربع‌رشیدی در سطوح ملی و بین‌المللی و همچنین پیشنهاد راهکارهای جذب گردشگری در شهر باستانی ربع‌رشیدی با توجه به تجربیات جهانی می‌باشد. بر این اساس، روش تحقیق مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی اسناد مکتوب و استفاده از فعالیت‌های مشابه بین‌المللی بوده است که ضمن آن تلاش گردیده است با توجه به عظمت و شکوه ربع‌رشیدی، هویت شهری، لایه‌های تاریخی آن دوره، ارزش‌های زیباشناختی، ارزش‌های اقتصادی و ویژگی‌های منحصر به فرد ربع‌رشیدی در برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی، راهکارهایی جهت جذب بیشتر گردشگری مطرح گردد. نتایج نشان می‌دهد با معرفی این شهر منحصر به فرد در شبکه‌های اینترنتی و رسانه‌ای و همچنین برگزاری همایش‌های تخصصی بین‌المللی، معرفی در کتاب‌های درسی و انتشار مجلات مختلف مرتبط با ربع‌رشیدی، ایجاد پیوند در سایت‌های گردشگری بین‌المللی می‌تواند تأثیر مضاعفی بر روند شناخت، کسب دانش، تخصیص بودجه، حفظ، مرمت و احیای بیشتر ربع‌رشیدی ایجاد نماید.

واژگان کلیدی: ربع‌رشیدی، گردشگری، تبریز، راهکارها، شهر دانشگاهی

۱- استادیار، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زابل

ربع رشیدی اولین شهر - دانشگاه موقوفه خواجه رشیدالدین

فصل ۱ ... همدانی

شکیبا صفدریان^۱
حمیدرضا نوربخش

اهمیت حضور شخصیت‌های برجسته و فرزانه ایرانی در تشکیلات دولتی عصر ایلخانی بر کسی پوشیده نیست. این حرکت که از زمان ورود هولاکوخان به ایران آغاز و تا زمان حکومت آخرین ایلخانان نیز ادامه می‌یابد، شایسته‌ترین و اصلح‌ترین اقدام این قوم مهاجم و بدوی به شمار می‌رود. چرا که نفوذ عنصر ایرانی در میان فاتحان وحشی چنان تاثیر شگرفی بر آنان داشت که خصلت‌های درنده‌خویی آنان را تعدیل نموده و کم‌کم دیدگان آنها را به روی زیبایی‌های فرهنگ ایرانی گشود. به طوری که در مسیری خلاف جهت نیاکان خود قدم برداشتند و کوشیدند تا علاوه بر مرمت ویرانه‌هایی که خود مسبب آن بودند، دست به آبادانی و ساخت و ساز زدند.

اگر چه این تحول را تنها به شخص خاصی نمی‌توان نسبت داد، اما اقدامات ارزنده خواجه رشیدالدین را نیز در این بین نمی‌شود با دیگران برابر دانست. هموست که با نفوذ در افکار سیاسی خان مغول (غازان خان) توانست تحولات بنیادینی در دولت، کشورداری و فرهنگ سازی برقرار سازد. که متأسفانه به اصلاحات غازان خانی شهرت دارد! . . . اما در این بین مهم‌ترین و اندیشمندانه‌ترین حرکت وی ایجاد کویی در تبریز به هزینه شخصی است که به ربع رشیدی شهرت دارد و از آن به دانشگاهی بین‌المللی یا شهر دانشگاه تعبیر شده که در جهان بی سابقه است. هر چند بعد از اعدام نا به حق این ابر مرد ایرانی زحمات وی با ضبط اموال و تخریب آثارش نادیده انگاشته می‌شود، لیکن اهمیت آن امروز

۱- فوق لیسانس گرافیک، آموزش و پرورش شهرستان همدان



بیش از پیش بر دیدگان جهانیان جلوه می‌کند و عدم شایستگی حاکمان روزگارش را فریاد می‌زند.

در این مقاله برآنیم تا به این شهر دانشگاه از منظری دیگر نگرسته و توانمندی مردان ایرانی را به ذره بین مکاشفه به رخ کشیم. از آنجا که امکان کاوش کتابخانه‌ای با شرایط موجود تنها راه پیش روی ماست، بر آنیم تا با جستجو در میان اسناد موجود راهی به درون این دریای ناشناخته بگشاییم.

واژگان کلیدی: شهر دانشگاه، ربع رشیدی، کتابخانه، بیمارستان، رصدخانه

ربع رشیدی بعنوان اولین و بزرگترین شهرک دانشگاهی جهان اسلام

الناز شکوئی زاده^۱

پس از اشغال و ویرانی ایران توسط قوم تاتار، فاتحان مغول که بر اثر فرهنگ ایرانی و اسلام تربیت یافته بودند بازسازی را آغاز نمودند و معماری سده چهاردهم با حجم چشمگیر و تزئینات مجلل پدید آمد و تمامی شهرهای ایران مشمول این تغییر و تحولات حکومت جدید واقع شدند که شهر تبریز نیز از این قاعده مستثنی نماند. در زمان حکومت غازان خان در تبریز ربع رشیدی یکی از بناهای عظیم و باشکوه دوران وی توسط خواجه رشید الدین فضل ... همدانی وزیر عالم به سال ۶۹۷ هـ. ق در دامنه کوه سرخاب در شمال کوی باغمیشه میان ولیانکوه و ششگلان ساخته شد.

این شهرک دارای عمارتها و ساختمانهای گوناگونی مانند مدرسه دارالسیاده، ضرابخانه، دارالصنایع کارخانه های کاغذ سازی و بافندگی، گرمابه، باغها، کاروانسراها خانه ها و دکانها بود و افزون بر آن خواجه رشید الدین برای خود آرامگاهی بسیار زیبا با کاشی های معرق و طاقهای بلند و سنگهای مرمر بنا کرده بود. وی برای پسران خود که هر کدام حاکم ولایت و شهری بودند نامه ای نوشته و آنها را از کم و کیف این شهرک مطلع ساخته بود. وی در نامه خود از حضور دویست نفر قاری قرآن از کوفه و بصره و شام جهت تلاوت کلام الله مجید و چهار صد فقیه و محدث برگزیده از کشورهای مختلف جهت تعلیم فقه و حدیث به غلام زادگان و نیز پنجاه پزشک حاذق از هند و مصر و چین جهت طبابت در دارالشفا در نزدیکی باغ رشید آباد و همچنین صاحبان صنایع و سایر حرف در کوی های دیگر خبر داده بود و چنانچه از مفاد توضیحات نامه رشید الدین فضل ... به پسران خود بر می آید، ربع رشیدی باصطلاح امروز یک شهر دانشگاهی بوده و بزرگترین علمای عصر از کشورهای شرق در آن گرد آمده بودند. ربع

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز



رشیدی کتابخانه عظیمی داشت که از نظر کثرت و تنوع کتب در دنیای آن روز بی نظیر بود در باغهای نمونه آن کشت بسیاری از گیاهان زراعی و غیر زراعی مورد آزمایشات و تحقیق قرار گرفته و به حالت باغهای گیاهشناسی امروزی بودند مجتمع بزرگ علمی، فرهنگی و تحقیقی ربع رشیدی که بخش بزرگی از تبریز را از اول محله ششگلان تا کناره های مهران رود و تپه های کوههای عین آلی در بر گرفته بود متأسفانه پس از مرگ خواجه رشیدالدین در معرض هرج و مرج و غارت قرار گرفته و امروزه به جز تپه ای که به نام قلعه رشیدیه معروف است چیزی از آن به جا نمانده است.

ربع رشیدی به عنوان اولین و بزرگترین شهرک دانشگاهی جهان اسلام و ضرورت احیای آن

شیوا ولایتی^۱

لیلا مدقالچی^۲

ربع رشیدی که امروزه در ضلع شمال شرقی شهر تبریز واقع شده و به صورت تپه‌ای دیده می‌شود روزگاری از زیباترین و مجلل‌ترین محلات تبریز به شمار می‌آمد که خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در زمان سلطنت غازان خان تا اواخر عمر خود بنا نهاده بود و مشتمل بر یک سلسله عمارات زیبا در محله رشیدیه که به نام خود اوست ساخته و به ربع رشیدی معروف گردیده است، شهر چه ای که به اصطلاح امروز یک شهر علمی- دانشگاهی را تشکیل می‌داده است. شهری که با جهان بینی رشیدالدین فضل‌الله پایه‌گذاری گردیده و ساخته شده بود. رشیدالدین که برای پیشرفت علم و دانش و صنعت علاقه وافری داشت، این مجموعه را مرکز ثقل علوم عصر، تکنیک، هنر، فن، معماری و ابتکارات بی‌شماری قرار داد و متفکران، فیلسوفان، محققان، منجمان و ... بی‌شماری را در دامان خود پروراند و موجب جذب مغزها و رشد و تکوین افکار جدید گردید و نقش مهمی در گسترش علوم اسلامی به مغرب زمین داشت. بنیادگذاری این شهر از بدیع‌ترین و ارزشمندترین تجربیات ایران در دوره اسلامی است. اما متأسفانه از بد روزگار و به طبع ویرانگری مغولان امروز جز تلی از خاک از آن بزرگترین مجموعه علمی، فرهنگی چیزی باقی نمانده است و با گسترش شهر تبریز بقایای آن مورد تجاوز خانه‌سازی قرار گرفته و مابقی نیز در معرض خطر توسعه بی‌رویه شهری است. به دلیل اعتبار و اهمیت ویژه تاریخی، علمی و آموزشی آن برای تبریز، ایران اسلامی و حتی جهان اسلام و نیز جایگاه رفیع علمی و مدیریتی شخص خواجه

۱- فوق لیسانس معماری و عضو هیئت علمی دانشگاه نبی اکرم (ص)

۲- فوق لیسانس معماری و عضو هیئت علمی دانشگاه نبی اکرم (ص)



رشید الدین فضل الله همدانی و باعنایت به اهمیت نگهداری و حفظ میراث فرهنگی که امروزه برای حفظ هویت فرهنگی جوامع لازم و ضروری است، سعی خواهد شد با مطالعه کالبدی، اجتماعی، و اقتصادی این شهر به طرح احیای ربع رشیدی از جهت علمی، فرهنگی و توریستی که دارای مزایای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی بی شماری است توجه شود.

رهیافتی به عناصر پایدار و ناپایدار شهرسازی دوران ایلخانی

امین محمودزاده^۱

شهر همواره، موجودی زنده، پویا و در حال تحول است. این مجموعه پر تحول بواسطه دگرگونی در مقوله زندگی آدمی، دچار تغییرت جز و کلان می گردد و هر گاه در ماهیت زندگی انسانی شاهد تحولی هستیم، در نگرش شهر سازانه او نیز این چرخش پدیدار می گردد.

یکی از بزرگترین تغییرات در ماهیت زندگی ایرانیان، در دوران حکومت ایلخانان مغول، بوجود آمد. با ایجاد حکومت‌های تام‌الختیار، کاملاً خود کامه و همچنین ثروتمند ایلخانی، با وجود اینکه خود از ماهیت شهرو شهرنشینی دل زده و هراسان بودند، اما در آخر با دستگیری بزرگان ایرانی مانند: خواجه نصیرالدین طوسی و یا خواجه رشیدالدین فضل الله و... موجب ایجاد شهرهایی با نگرش جدید و برای مقاصد خاص شدند.

شهرهایی که اغلب دارای ساختارها و زیر ساختارهای متکی به خود بودند و بعنوان شهرهایی مستقل و نه الحاقات شهری، شناخته می شوند، مانند: ربع رشیدی، که با کارکرد دانشگاهی و علمی آنرا می شنا سیم و یا شهر سلطانیه، با کارکردی سیاسی و مذهبی، که اغلب این شهرها با مقاصد خاص و در مکانهای خاص طراحی و ساخته شده اند.

نگرشی که از این دست تجربیات بسیار کلان گرفته شد، در دوران بعدی بالاخص در مکتب اصفهان به ثمر نشست و مکتب اصفهان از این چشمه، سیراب گردید.

این مقاله در پی آن است، که با مقایسه تطبیقی مابین، شهرهای پیش از دوران ایلخانی و شهرهای دوران ایلخانی و همچنین مقایسه شهرهای ایلخانی با یکدیگر،

۱- کارشناس ارشد، مرمت و احیای بناها و شهرهای تاریخی و مدرس دانشگاه شهید باهنر کرمان



به نکات اساسی تغییر، در ماهیت شهر سازانه ایلخانی دست یابد، نکاتی که در دو

پهنه جستجو می گردد:

۱- عناصر پایدار

۲- عناصر ناپایدار

و این دو پهنه را با تحولات اساسی، که در ماهیت زندگی آن دوره بوجود آمد، درهم بیامیزد، تا نحوه دگرگونی عناصر ناپایدار، در شهرسازی آن دوره را بواسطه تحول در ماهیت (کیفی و کمی) زندگی مردمان آن دوره، به نقد بنشیند .
واژگان کلیدی: شهر ایلخانی، عناصر پایدار، عناصر ناپایدار، ماهیت زندگی

زبان طراحی شهری تبریز در دوره ایلخانی

دکتر سید مجید مفیدی^۱

مهندس مریم سینگری^۲

شهر یک سخن و در واقع یک زبان است. شهر انعکاس تفکر، رفتار و آرمانهای مردمی است که آن را بنا کرده‌اند. ساکنین شهرها، زبان گویای شاکله شهرشان هستند، شهرها را هنگامی می‌توان شناخت که در آن زندگی، کار و تفریح کرد، و در یک کلام حس کرد.

تبریز قرن هفتم ه ق، پایتخت یکی از بزرگترین امپراطوریهای، از رود جیحون تا مصر، آن زمان است. شاکله شهر در آن دوره حول محورهای اصلی راههای عمده منتهی به شهر شکل گرفته و این راهها عناصر تعیین کننده شکل و بافت شهر گردیدند. این راهها عبارتند از: ری به تبریز که بخشی از جاده ابریشم است، قسطنطنیه به تبریز که دنباله همان راه اول و در عین حال جاده ارتباطی با اروپا است، بغداد به تبریز که راه ارتباطی دو شهر مهم آن دوره است و قفقاز به تبریز که جاده ارتباطی تمدنهای شمال دریای خزر می باشد. حول همین محورها و به تناسب اهمیت ارتباطی آنها شکل شهر متبلور گردید که بازتاب آن، بافت و نشانه‌های شهری چهار راهی را به خود گرفت. در هسته‌های اولیه و ریزدانه‌های سازنده بافت، بخصوص در بخشهای مرکزی، شکلی نزدیک به شعاعی گرفته و البته بنا به اهمیت محور ری به اروپا گرایش به خطی شدن دارد.

این مقاله در نظر دارد که زبان طراحی شهر تبریز در دوره ایلخانی را که سخنانی شیوا بنا نهاده است را مورد تحلیل و راهکارهای به کار گرفته شده را بیان نماید. نشانه‌های موجود حامل دلالت‌های ضمنی، صریح و متنوع است که بسیاری از آنها در طول زمان از میان رفته ولی نشانه‌های باقی مانده نشان از ریشه‌های

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز و دانشجوی دکتری شهرسازی واحد علوم و تحقیقات



عمیق فرهنگی و آرمانی دارد که پایداری آنها در طول زمان موجب تاویل‌های متنوع گردیده است. این تحقیق به عرصه های مختلف حیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر تبریز می‌پردازد که در طول زمان شاکله شهر را متاثر ساخته و به شهر هویت بخشیده است.

واژگان کلیدی: شهر تبریز، دوره ایلخانی، راههای اصلی، شاکله شهری

سازمان فضایی شهرهای ابواب البر^۱ دوره ایلخانی:

مجموعه‌های رصدخانه مراغه، غازییه، ربع رشیدی و سلطانیه

دکتر محمدعلی کی نژاد^۲

آزیتا بلالی اسکویی^۳

با آشنایی ایلخانان مغول با فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی، مراکز علمی، آموزشی و تحقیقاتی بزرگی چون رصدخانه مراغه و به دنبال آن مجموعه‌های علمی - مذهبی بزرگی چون شنب‌غازان، ربع رشیدی و سلطانیه و سایر مراکز با عنوان مجموعه‌های ابواب البر به منصف ظهور می‌رسند.

لذا عصر ایلخانی سرآغازی دیگر برای به وجود آمدن مجموعه‌های معماری و فضاهای مستقل شهری به نام ابواب البر - با الهام از اماکن مقدس و مشاهده قبور ائمه اطهار و سایر بزرگان دینی و عرفانی - و نیز مراکز علمی، آموزشی است که در واقع ترکیبی از مجموعه‌های علمی و مذهبی می‌باشند.

با توجه به آثار مکتوب، از شهرهایی چون سلطانیه، شنب‌غازان و ربع رشیدی چنین تصویری به وجود می‌آید که شهرسازی دوره ایلخانی به یک نوع تعادل و هماهنگی اجزا با یکدیگر رسیده بود. این اجزاء گذشته از منازل مسکونی افراد ساکن و راههای ارتباطی و فضاهای سبز شهری، در قالب فضاهایی چون مسجد جامع، مدارس، خانقاه، بیمارستان (دارالشفاء)، کتابخانه (بیت‌الکتب)، گرمابه و... در بافت شهری، فعالیت داشته‌اند. حاصل هماهنگی مطلوب اجزای بافت شهری در دوره ایلخانی، کلیتی است منسجم که شاید در کمتر دوره‌ای بتوان آن را دید. در این کل حفظ شئون خاص هر جزء رعایت گردیده، به صورتی که هر جزء در

۱- در این پدیده جدید مرسوم به ابواب البر، مقبره بانی به عنوان عنصر سازمان دهنده سایر فضاهای اقماری مجموعه بود

۲- استاد دانشگاه تبریز

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز



حیطه عملکرد خود تقریباً تجسمی از کلیت قوام یافته‌ای را به نمایش می‌گذارد. به عبارت دیگر، هر جزء خود بیان‌کننده سلسله مراتب قوام یافته اجزای زیر مجموعه خود است.

در این مقاله به بررسی معماری و شهرسازی مراکز علمیه چهارگانه (مجموعه رصدخانه مراغه، غازانیه، ربع رشیدی و سلطانیه) پرداخته می‌شود تا ویژگیها و سازمان فضایی شهرهای دوره ایلخانی تدوین شود. واژگان کلیدی: رصدخانه مراغه، شنب غازان، ربع رشیدی، سلطانیه، مجموعه‌های ابواب البر، سازمان فضایی شهر.

سبک شناسی بنای مقبره شیخ شهاب‌الدین محمود اهری*

بابک جلیلی‌نیا^۱

بنای تاریخی که منسوب به مقبره شیخ شهاب‌الدین محمود اهری می‌باشد در شهرستان اهر، استان آذربایجان شرقی واقع گشته است. بنا به سال ۱۳۱۱ ه.ش (۱۹۳۳م) تحت عنوان میراث ملی کشور ثبت گردید. این بنا به لحاظ سبک معماری تلفیقی از دو معماری ایلخانی و صفوی می‌باشد. این بنای ۱۴۷۶ مترمربعی (۴۱*۳۶متر) به صورت جدا در قسمت جنوبی شهر تاریخی قرار گرفته است. ارتباط بنای مذکور با ساختار شهر تاریخی از شواهد موجود چندان درک نمی‌شود. قبر شیخ در گذشته ساختاری آجری داشته و در وسط حیاط با دیواره‌ای حجاری شده خود را کاملاً تفکیک می‌نماید که نمونه آن در هیچ نوع از معماری‌های مشابه مقابر مشاهده نشده است. کل بنا نیز آجری است. از متون تاریخی و کتیبه‌های موجود در بنا چنین استنباط می‌شود که مقبره متعلق به دوره صفوی است. با در نظر گرفتن شواهد موجود در بنا از معماری مغول و بخصوص دوره ایلخانی، هدف نگارنده در مقاله حاضر روشن کردن زمان ساخت بنا و توصیف سبک‌های هنری بکار رفته بوسیله تحلیل فضاهای موجود در بنا (شبهستان، ایوان، مسجد و...) و تزئینات آنها مانند کاشی‌کاری‌های موجود در دیواره‌های شمالی مقبره؛ می‌باشد که سندی بر پیش از صفوی بودن مجموعه (ایلخانی) ارائه دهد. از سوی دیگر این مقاله با رویکردی معمارانه به طبقه‌بندی الحاقات و دخل و تصرفات فیزیکی و نحوه اتصال آنها به همدیگر در هر مقطعی از تاریخ پرداخته است.

واژگان کلیدی: آذربایجان شرقی، اهر، مقبره، شیخ شهاب‌الدین، معماری، مغول.

*- شیخ شهاب‌الدین محمود اهری از اولاد شیخ شهاب‌الدین سهروردی بود. نسب او به ابوبکر خلیفه اول می‌رسیده است. عارفی معروف و محقق بزرگ بود. دوران کودکی و جوانی وی در تبریز سپری شد. وی مرید ابوالغنائیم رکن‌الدین سجاسی بود و جهت خدمت به شیخ به سجاس رفته بود مورد توجه واقع شده و به دامادی شیخ مفتخر گردید. سپس از طرف شیخ به اهر آمده و بعد از ترتیب خانقاه به هدایت و ارشاد سالکان طریق پرداخته و به درجه قطب نایل آمد. وی در اهر درگذشت و در این شهر مدفون گردید. تاریخ تولد و وفات شیخ معلوم نیست.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت و احیای ابنیه و بافتهای تاریخی، دانشگاه تهران

سلطانیه پایتخت خاموش تاریخ

«بررسی روند تاریخی تغییرات شهر سلطانیه و علل آن»

مهری آقاجانی رفاه^۱

ایران زمین، مهد و گاهواره تمدن، در طی اعصار و قرون مختلف، صحنه‌ی بازی روزگارانی بوده است که گاه برگهایی زرین در دفتر سترگ تاریخ گشته‌اند و گاه افسوس‌هایی از نهاد ضمیر بشریت. گاه صحنه‌ی رزم است برای رسیدن به سروری جاودانه و گاه عرصه‌ی بزم است برای رسیدن به غروری شاهانه. از میان این دوره‌های تاریخی، عصر ایلخانان مغول، از سویی عصر نضت و تباهی است و از سویی عرصه‌ی پیش‌تاختن به سوی ابهت و عظمتی بی‌بدیل. حمله چنگیزخان به ایران در سال ۱۲۱۸ هجری، یکی از مخوفترین رویدادهای تاریخ است. ایران زمین چنین فتنه‌ای به خود دید که هرگز از اثرات آن کاملاً قد راست نکرد. ولی با پایان گرفتن قرن، فاتحان مغول، که بر اثر فرهنگ ایرانی-اسلامی و سنت‌های عقلی و زیباشناسی آن و حتی بودائیت نرشمش و تربیت یافته بودند، بازسازی را آغاز کردند و معماری سده‌ی چهاردهم را با حجم چشمگیر و تزئینات مجلل پدید آوردند. از آثار این دوره به عظمت یاد می‌شود، همچون نخستین شهرک دانشگاهی «ربع رشیدی»، شهرک شنب‌غازان و نیز مجموعه‌ی سلطانیه، ارگ علیشاه و ... در این تحقیق سعی بر شناسایی مجموعه‌ی سلطانیه خواهد گشت، هم به لحاظ مطالعات تاریخی و هم به لحاظ مطالعات فرم‌شناختی و زیبایی‌شناسی بنای مقبره سلطان محمد خدابنده الجایتو. که به صورت اختصار بخشهای مهم این مقاله در عناوین زیر مطرح می‌گردد:

الف: مطالعات تاریخی

۱. تاریخ شکل‌گیری مجموعه‌ی سلطانیه و نحوه‌ی پیدایش آن

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲. بررسی تحولات مجموعه ی سلطانیه در سال های متمادی پس از شکل گیری آن (بنا به اسناد و تصاویر)
۳. علل ویرانی شهر سلطانیه (بنا به دیدگاه شهرسازی ابن خلدون)
۴. وضعیت کنونی شهر سلطانیه

ب : مطالعات فرم شناختی و زیبایی شناختی

۱. بررسی فرم کلی بنای مقبره ی سلطان محمد خدابنده الجایتو
۲. بیان سلسله مراتب کاربری فضاها
۳. انتظام فضایی بنا
۴. زیبایی شناسی اثر
۵. ارزش های هنری به کار گرفته شده در بنای مقبره
واژگان کلیدی: سلطانیه، شهرسازی، ایلیخانان، اسلام، معنا

سیر تحول تاریخی معماری و شهرسازی تبریز در دوره ایلخانی

بهرام احمدخانی ملکی^۱

در آغاز قرن هفتم، کشور ایران گرفتار مصیبت حمله مغول گردید و در طی بیست و پنج سال نه تنها تمام مملکت به اشغال مهاجمین درآمد، بلکه شهرها به کلی در آتش سوخت، ساختمانها تماماً با خاک یکسان شد و بدین لحاظ، از ساختمانهایی که در فاصله هجوم اعراب به ایران تا روی کار آمدن ایلخانان مغول در این کشور بنا گردید، امروز تعداد بسیار کمی بر جای مانده است. مغولان بعد از حمله به ایران تحت تأثیر فرهنگ ایرانی-اسلامی قرار گرفتند و با پذیرفتن دین اسلام حامی علم و ادب و هنرهای اسلامی شدند؛ به طوری که دربار آنان در بغداد و تبریز و سلطانیه مرکز اهل علم و رجال ادب و هنر گردید. در این دوره بناها، به ویژه ساخت مقبره‌ها و آرامگاه‌های برج مانند به همان شیوه دوره سلجوقیان ادامه یافت. همچنین نقشه چهار ایوانی که از پیش متداول بود، در دوره ایلخانیان نیز برای بناهای مذهبی مانند مسجد و بناهای غیرمذهبی مانند کاروانسرا به کار می‌رفت. دوره مغول از لحاظ هنری، مانند زمان سلجوقیان عصر ابتکار و ابداع نبود؛ با اینهمه در پاره‌ای از بخش‌های هنری، پیشرفت‌های عمده‌ای حاصل شد. در معماری به آرایش و تزیین بیشتر از طرح‌های جدید توجه می‌شد. مینیاتورسازی ایران و نقاشی کتاب از این دوره آغاز شد و در آسمان هنر ایران درخشید. فن کتابت و استنساخ کتاب در دوره تیموریان به اوج عظمت و کمال خود رسید. نخستین بنای دوره مغول در ایران رصدخانه‌ای است در مراغه، پایتخت تابستانی هلاکوخان، که بنا به پیشنهاد وزیر معروف وی خواجه نصیرالدین طوسی ساخته شد. مع‌ذالک، دوران طلایی معماری ایلخانی معاصر حکومت غازان‌خان است که اسلام آورد و به سلطنت رسید. غازان‌خان نه تنها در عمران و آبادی جد و

۱- کارشناس ارشد معماری از دانشگاه شهید بهشتی تهران

جهد بسیار داشت، بلکه خود نیز معمار بود. در دوره غازان خان تبریز به حد اعلای شکوه و آبادانی خود رسید و مرکز علم و تجارت و صنعت و سیاست کشور گردید. و تأسیسات عظیمی در ناحیه شام تبریز ساخته شد که شامل مسجد، مدرسه، بیمارستان، رصدخانه، کتابخانه، دیوانخانه، حمام و کاروانسرا بود، و به همت وزیر نامی ایران «خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی» در سال ۷۰۰ هجری قمری شهرک باشکوه «ربع رشیدی» در شمال شرق باروی شهر تبریز در محله رشیدییه ساخته شد. و به شهر علمی و دانشگاهی زمان غازان خان ایلخانی تبدیل گردید.

نوشتار حاضر جستاری است در خصوص سیر تحول تاریخی معماری و شهرسازی شهر تبریز در دوره حکومت ایلخانان بر ایران.

واژگان کلیدی: معماری ایلخانی، معماری سلجوقی، معماری اسلامی، شهرسازی اسلامی، تبریز



طرح باز سازی واحدهای نجومی رصدخانه مراغه نخستین بنیاد بین المللی علمی پژوهشی عصر ایلخانی

جواد شکاری نیری^۱

تا قبل از انجام کاوشهای باستانشناسی به سال ۱۳۵۰ در محل رصدخانه مراغه اطلاعات چندانی در مورد معماری این بنا وجود نداشت. رصدخانه مراغه بر روی یک تپه بسیار وسیع و مرتفعی بنا شده است که در محل، بدان «رصد مراغی» به معنی کوه رصد اطلاق می‌شود. در ساختمان این رصدخانه و امورات آن دانشمندان بزرگی از سراسر جهان از مغرب و اندلس تا کشور چین مشارکت داشتند و به دلیل تکامل و پیشرفتهای آن در عرصه علم نجوم از طرح‌های نجومی آن در ساختمان بسیاری از رصدخانه‌های جهان الگوبرداری شده است از جمله رصدخانه سمرقند و رصدخانه قرن ۱۷ جیپور هند نمونه‌های بارز و اثبات شده‌ای هستند. بطوریکه با انجام مقایسه‌های لازم طرح کامل پلانهای کشف شده نمونه‌های مذکور، برخی از واحدهای رصدخانه مراغه قابل بازسازی بوده و کاربری نیز قابل بازشناسی هستند. این رصدخانه برخلاف همزاد خود در سمرقند و جیپور کمتر به جهانیان معرفی شده است.

ضمن انجام مطالعات پیگیر نگارنده موفق شد طرح معماری و عملکرد برخی از واحدهای نجومی متعلق به این رصدخانه را که تاکنون معلوم و مشخص نبود را باز سازی نماید. در این پژوهش سعی شده طرح کامل و عملکرد برخی از واحدهای نجومی رصدخانه بازشناسی شود و با استفاده از طرحها و تصاویر، شناخت واقعی از تمام آثار و بقایای آن بویژه واحدهای معماری صخره‌ای آن حاصل گردد.

واژگان کلیدی: رصدخانه، مراغه، واحدهای نجومی مدور، سدس فخری، معبد

صخره‌ای بخشیان، بازشناسی بناهای نجومی

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)

غازان خان و جایگاه او در نظام معماری و شهرسازی دارالملک تبریز

علی زارعی^۱

مهدی ضیائی^۲

دارالملک تبریز در دوره غازان خان، ایلخان مغول، را باید به عنوان پایتخت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی ایران محسوب نمود. این شهر تا پیش از پایتختی خانان مغول از شهرهای نه چندان معمور آذربایجان بزرگ به شمار می‌رفت؛ چرا که شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی برای تبدیل شدن آن به یک شهر بزرگ تا آن زمان مهیا نشده بود. تبریز دوره ایلخانی به عنوان یکی از مهمترین کانونهای واقع بر شاهراه تجاری و بازرگانی ابریشم که شرق را به غرب پیوند می‌داد، زمینه گسترش بیش از پیش شهر را در طی زمامداری غازان خان فراهم می‌نمود. اقدامات متعددی که در دوره این ایلخان مغول در زمینه فعالیتهای معماری و شهرسازی که با درایت، تشویق و هدایت رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر دانشمند ایرانی، صورت می‌گرفت به پیدایش تحولاتی در گسترش سبک بناها و شیوه‌های معماری منجر گردید.

در این گفتار ضمن بر شمردن این تحولات، به اقدامات عمرانی مهمی که غازان خان در جهت گسترش شهر تبریز انجام داد، خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: تبریز، ایلخانی، غازان خان، فضل‌الله همدانی، معماری و

شهرسازی

۱- عضو هیات علمی دانشگاه بیرجند

۲- عضو هیات علمی دانشگاه بیرجند

کیمیای درد

(نگاهی به معماری ایران در دوره ایلخانی)

زهره یادگاری دهنوی^۱

به میراث داران درد، مردم عقدا

از روزی که نی روح را از نیستان بریدند، درد همزاد و همراه او در لحظه های پر قیل و قال زندگی شد.

بزرگ مردان این دیار درد دوست به جان و دل خریدند و به صدهزار درمانش ندادند^۲، بر مکتب این استاد شاگردی کردند^۳ و درسها آموختند.

و در دورانی از تاریخ پر فراز و نشیب این سرزمین، این استاد پیر، شاگردانی تربیت کرد از شاعر و معمار و عارف و عامی که بر دفتر زرنگار این سرزمین یادگاری بر جا نهادند که دیگر هیچ گاه مکرر نشد.

مقاله حاضر حاصل تعمقی در معماری دوران ایلخانی و تاثیر درد بر آن است که آن را با شعر و عرفان و هنر و زندگی این دوره پیوند میدهد و به واسطه حضور پنهان خویش میان آن ها وحدتی برقرار میسازد و رای کالبد و ظواهر، وحدتی که حاصل طلب تعالی است در دورانی از تاریخ، که با معماری و شعر و هنر فریاد شده است.

و تاثیر این کیمیا است که از مرز زمان فراتر میرود و معماری این دوره را با آیات مکی قرآن خویشاوند میسازد و از صفات جلالیه او لبریز.

در این نوشته سعی شده است تا با بررسی تطبیقی دوره های مختلف معماری ایران ریشه های تحول در معماری این دوره، چه از نظر معنایی و چه از نظر کالبدی بررسی شود. تغییراتی چون تغییر در تناسبات و ابعاد، حضور متفاوت

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- «از دوست به یادگار دردی دارم کان درد به صد هزار درمان ندهم» مولوی

۳- آدمی شاگرد و درد استاد اوست

عناصر هستی (آب و آتش و باد و خاک) در معماری، ارتباط دگرگونه بنا با آسمان، سکوت، آرامش، ابهام و راز آلودگی، نوع مصالح و تزئینات، تعالی نگاه و سهم آسمان و سهم زمین و... که با معیارهای نقد امروزی قابل سنجش نیست و تعریف خاص خود را از حیات می‌طلبد.

بررسی نحوه ترجمه روح زمان و عرفان و شعر و هنر این دوره در قالب معماری که هنوز پس از صدها سال مرغ روح را پرواز میدهد، میتواند الگویی برای معماری در دوره پر درد امروز به دست دهد.

و در پایان مقایسه‌ای میان شکستن آن زمان که زمینه ساز هبوط است و آن زمان که مایه سقوط و دردی که تعالی می‌بخشد و دردی که تباهی و نیز آداب شاگردی در محضر این استاد چنان که شایسته این مکتب است.

به امید آنکه دگر بار مس وجود به کیمیاش زر سازیم.

گورستان سرخاب

بهرز عمرانی^۱

محمد امینیان^۲

در زمانی که شهر تبریز بعنوان پایتخت ایلخانان مغول و بعدها بعنوان مرکز مهم تحولات منطقه ای مورد توجه بوده است، بسیاری از هنرمندان، عرفا و حکما از نقاط مختلف جهان اسلام خصوصا حوزه نفوذ ایران زمین به تبریز آمده و در پناه امنیت حاصل از قدرت امپراطوری ایلخانی در حوزه های مختلف حکومتی، هنری، مذهبی و ... فعالیت داشتند و بسیاری از آنها پس از مرگ در تبریز دفن می شدند.

یکی از تاثیر گذار ترین اقشار جامعه در دوره ایلخانی و اعقاب آنها، عرفا بودند. عرفا اکثرا در هنگام مرگ سعی می کردند در نزدیک استاد و مراد خود به خاک سپرده شوند. به خاطر مدفون بودن تنی چند از عرفا در گورستان سرخاب بصورت سلسله وار مریدان ایشان در این گورستان دفن شدند و گورستان سرخاب به قبله روحانی و مدفن بسیاری از سالکان طریقت تبدیل شد.

در دوره ایلخانی این گورستان تبدیل به شهری بزرگ از ساخت و سازهای معماری مانند گنبد مقبره ها، مساجد و زاویه ها بود که بر سر مزار اهل دل ساخته می شد. بسیاری از شعرای معروف ایران در دوره ایلخانی در این گورستان دفن شده اند زیرا بسیاری از آنها در زمره عرفا و در سلک ایشان بودند همانگونه که بسیاری از خوشنویسان نیز در این گورستان دفن شده اند. در لایه برداریها و مرمت های سالهای ۸۶-۱۳۸۵ ه.ش که توسط نگارندگان این مقاله در منطقه درگاه سرخاب (یکی از مناطق چندگانه گورستان سرخاب) انجام شد، یافته های جدید از تلاشهای زیر بدست آمد:

۱- استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور

۲- کارشناس ارشد مرمت بناها و بافتهای تاریخی سازمان میراث فرهنگی آذربایجان شرقی

- بازیابی و مرمت چند سرداب مقبره دوره ایلخانی
- شناخت راهرو ارتباطی مجموعه سرداب های ایلخانی درگاه سرخاب
- پی گردی و لایه برداری و مرمت مصطبه سنگی ای که گورمقبره های درگاه سرخاب بر روی آن ساخته شده بودند.
- مستندسازی و تلاش در بازخوانی سنگ قبرهای بدست آمده دوره ایلخانی این گورستان .
- بازیابی ، جمع بندی ، دسته بندی و مرمت تزیینات وابسته به معماری کاشیکاری و گچبری گنبدمقبره های ایلخانی .
- پی گردی و شناخت و مرمت سنگ فرش گذر شرقی غربی دوره ایلخانی درگاه سرخاب .

این شیوه از ساخت گورستان که در اشاره ای اولیه می توان آن را شهر گورستان نامید دارای محلات مختلف، کوچه ها و گذرهای کف سازی شده با بناهای عظیم یادمانی و مذهبی و راهروهای طولانی زیرزمینی که سرداب مقبره های زیادی را بهم پیوند می داد ، را اگرچه نمی توان گفت قبل از آن وجود نداشته است ، اما می توان گفت تاثیرات بسیار عمیقی در دوره های در مناطق مختلف حوزه نفوذ فرهنگی ایران مانند دیگر مناطق آذربایجان و بعدها در ماوراءالنهر گذاشت .

اصل این مقاله براساس نتایج حاصل از یافته های جدید اشاره شده ، در دیدی کلی موارد زیر را در بر می گیرد :

- ۱- تاثیر محل قرارگیری و نحوه توسعه این گورستان بر نحوه شکل گیری شهر تبریز و ربع رشیدی در دوره ایلخانی و آل جلائیر (این گورستان حداثی در ربع رشیدی و شهر تبریز قرار داشت و محدوده نفوذ و گسترش شهر تبریز در شمال و شمالشرق و ربع رشیدی در غرب را تعریف و محدود می نمود).
- ۲- بررسی ارتباطات معنوی و کالبدی این گورستان بیا شهر تبریز و ربع رشیدی (بخش زیادی از زندگی عرفا ، درویش و هنرمندان و شعرای تبریز در

خانقاه‌ها و مساجد و مدارس این گورستان سپری می‌شد و بسیاری از حرکت‌های اجتماعی - هنری از این شهر - گورستان شکل می‌گرفت و تکوین می‌یافت.

۳- بررسی و ارزیابی ساختار معماری و سازه‌ای دوره ایلخانی این گورستان شامل سرداب مقبره‌ها و گذر و مصطبه‌هایی که در سال‌های ۱۳۸۵ و ۸۶ ه.ش توسط نگارندگان این مقاله بازشناخت و مرمت شده است و بررسی تطبیقی آنها به نمونه‌های مشابه هم‌دوره.

۴- بررسی تزیینات وابسته به معماری بدست آمده و مرمت شده در جریان مطالعات یاد شده و سنگ قبرهای دوره ایلخانی این گورستان و مطالعات تطبیقی با تزیینات وابسته به معماری و سنگ قبرهای هم‌دوره.

۵- در نهایت به تاثیر این گورستان بر نمونه‌های ایجاد شده در آذربایجان و دیگر مناطق ایران مانند مجموعه عزیزکندی در آذربایجان از دوره ایلخانی تا صفوی و مجموعه شاه زنده در ماوراءالنهر در زمان تیموریان.

لایه نگاری تاریخی خانه ایلخانی آقا یزد

با تکیه بر نو یافته های باستان شناختی

محسن میر جانی ارجنان^۱

منطقه یزد در دوره تسلط حکام محلی آل مظفریکی از کانون های رشد معماری دوره ایلخانی در ایران محسوب می شود. ارزش و اهمیت معماری آن در این منطقه تا بدان حد است که محققان معماری اسلامی سبکی خاص، به نام سبک یزد در معماری دوره ایلخانی برای آن قائل شده اند.

حکام محلی آل مظفر بواسطه داشتن روابط حسنه و مورد تایید قرار گرفتن از سوی سلاطین ایلخانی، فرصت این را داشتند که در قرن هشتم دست به یکسری ساخت و سازهای مفصلی در اسلوب معماری ایلخانی بزنند. بقاع متبرکه، مدارس، مساجد، خانقاه ها و خانه های مسکونی از جمله یادگارهای این دوران در یزد است که ذکر آن در متون نیز آمده است. از میان خیل عظیم آثار منسوب به دوره ایلخانی در بافت تاریخی یزد، یک بنا البته از جهات گوناگون منحصر به فرد می باشد.

بنای خانه آقا سید گل سرخ با رون و نظم معماری متفاوت (رون اصفهانی) با سایر بناهای ایلخانی منطقه از جایگاه ویژه ای برخوردار است. این بنا در خارج از حصار و باروی یزد به صورت یک بنای منفرد و بدون هیچگونه ارتباط کالبدی با سایر ابنیه ایلخانی واقع شده است.

جبهه شمالی این محوطه تقریباً نابود شده است ولی آثار جبهه جنوبی، غربی و شرقی آن نشانگر یک پلان چهار صفا ای با رعایت اصل تقارن، در اجرای سازه های آن است. موقعیت مکانی این محوطه تاریخی و همچنین توالی سکونت های صورت گرفته در آن در ادوار متاخر نشان از اهمیت کارکردی این ساختار معماری است.

۱- کارشناس ارشد باستان شناسی، بخش باستان شناسی پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد

پژوهش حاضر بر مبنای نقش و موقعیت مکانی محوطه ایست که بنای خانه آقا سید گل سرخ در آن شکل گرفته و پیگردی های باستان شناسانه در طول دو فصل فعالیت علمی و روشمند در این بنا نشان از وجود استقراری قبل از دوره ایلخانی در این محوطه است.

در این مقال بر آنیم تا با ارائه شواهد لایه نگاری بدست آمده از این محوطه و تغییرات معماری که در هر دوره در این بنا ایجاد شده است، پاسخی منطقی به ابهامات کارکردی و ساختاری محوطه خانه آقا داده شود.

پدیدارشناسی وقف در شکل‌گیری مکتب هنری تبریز دوره ایلخانی

محمدتقی پیربابایی^۱

هر جامعه در هر برهه تاریخی که در آن قرار دارد، مناسبات زمان و مکان را در نهادها، اعمال و عادات به صورت رمز و کد در می‌آورد. در جوامع اسلامی وقف بعنوان یک نهاد قانونی، اجتماعی و اقتصادی نقش مهمی در تأثیر گذاری و شکل دهی این مناسبات داشته است. در دوره ایلخانی نیز این الگو نقش بسزایی در شکل‌گیری و توسعه فضاها و بناهای شهری در تبریز ایفا نموده است. در این مقاله، پدیده وقف بعنوان یک تجربه انسانی خیلی مهم در جوامع اسلامی مورد شناسایی و توصیف قرار داده شده و از طریق نظریه فرهنگ اشیاء و یافته‌های عملی مطالعات شهر تبریز روشن می‌سازد که وقف بعنوان یک سنت اجتماعی در ایجاد و بازسازی مکانها و روح آنها مشارکت دارد. این مطالعه نشان می‌دهد که سنت دینی وقف در دوره ایلخانی به یک نهاد شهری تبدیل شده و به عنوان یک نهاد مردمی با کاربرد اجتماعی به عرصه مدیریت شهری وارد می‌شود. این نهاد هم در ایجاد فضاهای شهری و هم در تداوم و مدیریت آنها نقش مهمی در این دوره ایفا نمود.

واژگان کلیدی: نهاد وقف، فرهنگ اشیاء، شهرسازی ایلخانی، مکتب هنری تبریز.

مسجد علیشاه از نگاهی دیگر

حسین اسمعیلی سنگری^۱

بهر روز عمرانی^۲

این بنا در اوایل قرن هشتم هجری قمری توسط تاج الدین علیشاه وزیر باهوش و زیرک الجایتو ساخته شد. تاج الدین علیشاه علی رغم برخوردار نبودن از سواد خواندن و نوشتن بسیار شخص قابل و زرنگی بود بطوریکه قبل از وزارت نیز همواره مورد لطف و عنایت الجایتو قرار داشت. مسجد علیشاه که امروزه به ارک علیشاه شهرت دارد در طی بررسیهای بسیاری که توسط محققان و صاحب نظران معماری و باستان شناسی انجام پذیرفته است دارای ایوانی بزرگتر از ایوان مدائن بود. و بعلت تسریع در امر ساخت این مسجد که به دستور علیشاه به دلیل بیماری سختش انجام می گرفت طاقش در آخرین لحظات اتمام فرو می ریزد و در واقع این مسجد از همان ابتدا بدون طاق بوده است.

در این مقاله سعی خواهد گردید به شرح این بنای تاریخی و عظیم همراه با ناگفته‌هایی از آن و ارائه راهکارهای مناسب حفاظتی از این بنا ارائه گردد. و ازگان کلیدی: تبریز ایلخانی، تاج الدین علیشاه، مسجد علیشاه، حفاظت از بنا

۱- عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور

۲- استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور

مطالعه و بررسی مواد و مصالح گچی معماری ایلخانی در محوطه تاریخی تخت سلیمان و بازسازی روش تهیه ملات در کوره های سنتی

بهنود سیاپوش^۱

ملات گچ از جمله موادی است که از دیرباز توسط انسان شناخته شده است و از این ملات در ساخت بناهای بسیاری استفاده شده است. همانگونه که می دانیم محوطه تاریخی تخت سلیمان تنها کاخ شکار ایلخانی باقی مانده از این دوران است. مجموعه سازه های آن تماما با ملات گچ و مصالح سنگ و آجر ساخته شده است. ملات گچی که در این دوران شناخته شده است خواص متفاوتی نسبت به ملاتهای گچی امروزی دارد. از جمله این خواص مقاومت بالا در برابر رطوبت، سرمازدگی و یخبندان است که توانسته در مدت ۷۰۰ سال مقاومت و خاصیت خود را به عنوان ملات در بسیاری از بخش ها حفظ کند. این نوع ملات در کوره های سنتی چاهی و با سوخت هیزمی تهیه می شده اند. در این مقاله ابتدا انواع ملاتهای گچی موجود ریخت شناسی شده و به لحاظ ظاهری دسته بندی شدند. در مرحله بعد بر اساس دسته بندیهای انجام شده مطالعات آزمایشگاهی بر روی ملاتها صورت گرفت. و با نمونه برداری از انواع ملاتهای موجود روی نمونه ها آزمایشهای دستگاهی مانند XRF، XRD و شیمی تر انجام شد تا ماهیت ملاتهای تاریخی به طور کامل شناخته شود. از سویی دیگر با بررسی های میدانی و تحقیقات انجام شده استاد کار سنتی در آذربایجان غربی شناخته شد که با پخت ملات گچ به صورت سنتی آشنا بود. بر این اساس با تشخیص ماهیت ملاتهای تاریخی و نیز شناخت روش سنتی تهیه ملات برای حفاظت و مرمت سازه های محوطه، کوره سنتی پخت گچ در کنار

۱- دانشجوی کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی



مجموعه راه اندازی شد تا از آن پس برای مرمت سازه های تاریخی مجموعه تخت سلیمان از این نوع ملات استفاده شود.

شایان ذکر است که این نوع ملات به علت روش خاص تهیه و پخت به گچ نیمپخت نیمکوب معروف است و در این مقاله روش کامل تهیه آن مانند استخراج سنگ معدن گچ، چیدمان سنگ در کوره، پخت و آسیاب آن همراه با مستندات تصویری ذکر شده است.

معرفی کاخ‌های ایلخانی در تخت سلیمان

مهندس مظفر عباس زاده^۱

ابراهیم حیدری^۲

این پژوهش با هدف معرفی گونه خاصی از معماری دوره ایلخانی (کاخ) که در نوع خود کم نظیر است و کمتر مورد توجه بوده انجام گرفته و قصد دارد بخشی از خلغ موجود در این عرصه را پر نماید.

مجموعه تخت سلیمان در استان آذربایجان غربی از هزاره اول (ق.م تا چند صد اخیر با کیفیت و وسعت‌های متفاوت مسکون بوده است. بی شک اوج شکوفایی آن دوره ساسانی بوده است اما این مجموعه در نیمه دوم قرن هفتم (هخامنشیان با حکومت آباخان شاهد استقرار ساخت و سازهای معماری با عملکردی متفاوت به لحاظ مذهبی آن اما بسیار نزدیک به عملکرد سابق مجموعه می باشد. ایلخانان در این دوره با احیای دوباره ایوان‌های چهار گانه (بخصوص ایوان غربی) و رواق‌هایی که پیرامون دریاچه شکل گرفته و با مرکزیت آن به صحنی با ابعاد ۱۴۸*۱۲۰ دست یافته اند که در نوع خود بی نظیر است. احداث دروازه ای در نقطه مقابل دروازه شمالی مجموعه با بهره گیری دوباره از محور اصلی طرح ساسانی، احداث کاخ عظیمی بر روی آثار باقیمانده از چهار طاقی ساسانی و همچنین بازسازی و گسترش کاخ ساسانی) ایوان غربی)، الحاق فضاهای جدید به این بخش و احداث فضاهای مختلف با کاربری‌های متفاوت از جمله مذهبی، خدماتی و ... در پیرامون دریاچه پشت رواقهای صحن، بهره گیری از سیستم ساختمانی متناسب با اقلیم منطقه و مصالح بومی و استفاده هوشیارانه از وضعیت موجود بناهای ساسانی و همچنین بکارگیری نوع خاصی از کاشی بنام زرین فام و طلاچسبان با نقوش و رنگ‌های بسیار متنوع و زیبا به عنوان آمود که ماحصل آن مجموعه بناهای است که بدون اغراق شکوفایی دیگری را در تخت سلیمان رقم زده است که تحت عنوان کاخ‌های تابستانی ایلخانان می شناسیم

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد
۲- کارشناس باستان‌شناسی مدیر پروژه میراث جهانی تخت سلیمان

معماری و تزئینات ستاوندهای چوبی صفوی شهرهای مراغه، بناب و عجبشیر، نماد و پیامد نوآوری های مکتب هنری تبریز

سیروس خیری^۱

با حمله مغولان به ایران و انتخاب شهر مراغه و سپس تبریز به عنوان پایتخت ایران زمین، معماران و هنرمندان و دانشمندان زیادی در این خطه جمع شدند و «سبک آذری» پدیدار شد و پدیده های معماری ارزشمندی از آن به منصفه ظهور رسید. در دوره صفویه نیز بار دیگر این تأثیر و تأثرات استمرار پیدا کرده و چهلستون های چوبی جنوب غربی آذربایجان - به ویژه شهرهای مراغه، بناب و عجب شیر - بعد از سپری شدن حدود یک قرن از ظهور، سرمشق «ستاوند»ها^۲ و عمارت هایی چون: «چهلستون قزوین» و نیز عمارت باشکوه «عالی قاپو» و کاخ «چهلستون» و «هشت بهشت» اصفهان قرار گرفت و مقدمه آغاز و شکل گیری سبک معماری و «شیوه اصفهانی» گردید.

بر اساس نظریات صاحب نظران، هنگامی که آریائیان به ویژه شاخه پارسیان در سر راه خود «ستاوند»های چوبی آذربایجان را پسندیده و در سرزمین جدید خود در کنار ثروت و اقتدار سیاسی - اجتماعی قوم پارس بازسازی کردند و سبک و شیوه معماری جدید «پارسی» را پدید آوردند، شاهان سلسله صفوی نیز یک قرن بعد طرح ستاوندهای چوبی آذربایجان، به خصوص نمونه های موجود در شهرهای مراغه، بناب و عجب شیر را عیناً به تخته گاه های خود (شهرهای قزوین و اصفهان) و کرانه های دریای خزر برده و در رواق کاخ های تازه ساز خود (نظیر: چهلستون های قزوین و اصفهان، عالی قاپو و هشت بهشت اصفهان) تجلی

۱- باستان شناس در گرایش هنر و معماری اسلامی و مدرس گروه مردم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
۲- ستاوند (Sotavand) - به ضم اول - ستاوند (Satavand) - به فتح اول، بر وزن دماوند - ستن آوند = جایی که پوشش روی ستون دارد. صُفُ بلند که سقف آنرا به ستون ها افراشته باشند، رواق و بالاخانه ای که پیش آن مانند ایوان گشاده باشد. (فرهنگ فارسی دکتر محمد معین).

یافته و به بناهای مزبور جلوه و شکوه زایدالوصفی بخشیدند و سبک و شیوه معماری جدید « اصفهانی » را عالم گیر کردند .

توجه به ظرافت سازه ها ، تنوع تزئینات مبتنی بر روح و باورهای اسلامی و رنگهای طبیعی، استفاده از ستون های چوبی و ایجاد «ستاوند»های حجمی چوبی ، محور بندی ساختمان و محاسبه فواصل ستون ها از همدیگر و از جرزها، توان تحمل پذیری شاه تیرهای حمال سقف و ستون های افراشته و عایق بندی سقف های مسطح وسیع که بی گمان مُلهم از تجارب هنرمندان آذربایجان و بناهای متقدم موجود در آن (مانند مسجد ملارستم مراغه و مهرآباد بناب) است، از ویژگیهای مثبت این شیوه معماری بوده است.

در عصر فرهنگ و تمدن طلایی صفوی و همزمان با دوره حکومت شاه طهماسب اول صفوی (۹۱۹-۹۸۴ ه.ق) تعداد قابل توجهی مسجد با شبستانهای ستوندار و تزئینات ویژه در شهرها و روستاهای جنوب شرقی استان آذربایجان شرقی، به ویژه شهرستان های مراغه، بناب، عجبشیر، ممقان، گوگان و ... تحت تأثیر تجارب و دست آوردهای مکاتب هنری و سبک های معماری قبل از خود ولی با ابتکار عمل و نوآوری هایی ساخته و پرداخته شده و در ادوار بعدی به ویژه در دوره های زندگی و قاجاریه نیز مرمت ، باززنده داری و مشابه سازی شده است که بی گمان در ظرافت و زیبایی و شیوه ساخت و پرداخت ، قرینه مسلم همدیگر می باشند.

عنصر چوب، به عنوان مصالح و سازه اصلی در شکل گیری کالبد معماری (ستون بندی و سقف مسطح و مرکب چوبی) و نیز تزئینات مساجد ستوندار چوبی آذربایجان مطرح است. پدیده باشکوه و سازه های بسیار زیبا و جالب توجه مختص این مساجد که بی گمان در کنار نقش و نگارهای بدیع اجراء شده در جای جای آن ها از مهم ترین ویژگی شاخص و از نوآوری ها و امتیازات برجسته این سبک معماری در استمرار سبک های هنری پیشین است ، همانا پدیده چشمگیر سرستون های حجمی - تزئینی موزون چوبی با آرایه « مُقرَنَس کاری » ، خراطی ، تخته و لنبه کوبی شده منقوش و تزئینی برجسته و فرورفته به آشکال هندسی آویزان ، پله - پله و کنگره دار با جلوه و چشم نوازی خیره کننده خود است که

همانند فواره های خیال انگیز از کف شبستان مسجد خیز برداشته و در برخورد با سطح مسطح سقف شبستان بر حجم آن ها افزوده شده و عاقبت به آسمانه رنگارنگ سقف متصل می گردند و در این خط سیر هنرمندانه و عارفانه، در واقع، از کف خاکی زمین خیز برداشته و با جلوه و شکوه خاصی در آسمانه افلاکی سقف شبستان که با آسمان لایتناهی همجوار است، پیوند می خورد. به این ترتیب دیگر بار یکی دیگر از خلاقیت های رمزآلود عرفانی هنرمندان ایرانی- اسلامی در شکل و سازه ای دیگر به منصه ظهور رسیده و مفاهیم متعالی فلسفی- عرفانی و جهان بینی اسلامی در قالب چوب و طرح و رنگ و کالبد مادی نیایشگاه اسلامی به منصه ظهور می رسد.

شبستان های ستوندار این مساجد شامل شبستان های بزرگ (اصلی) و شبستان های کوچک زمستانی یا زنانه است. تزئینات سقف شبستان های این مساجد، بستر زیرین و زمینه صندوقه ها در فواصل سرستون ها، با رنگ قهوه ای روشن، رنگ آمیزی شده و سپس در متن آن طرح ها و نقوش بزرگ ترنج و سرترنج های متقارن و موزون طراحی و ترسیم گردیده است. زمینه داخلی ترنج ها نیز به رنگ فیروزه ای بوده و متن دوم آن ها به رنگ قرمز است. در متن ترنج ها نیز طرح های گل و گیاهان مُسبک و گل های معروف به « شاه عباسی چهار اسلیمی » یا « ختایی » طراحی و اجراء شده است. در این طرح ها هر شاخه گل شاه عباسی در چهار جهت نقطه مرکزی ترنج بزرگ تکرار شده و با رنگ زرد ترسیم شده است. بدین ترتیب، هنرمند نقاش با به کارگیری طرح هایی با خطوط زرد در زمینه قرمز و آن نیز در زمینه و متن لاجوردی و همچنین تفکیک این دو رنگ از همدیگر سعی داشته است که به نقوش چهار اسلیمی گل های شاه عباسی تأکید مضاعف نموده و نوعی برجستگی موضوعی و منظره ای برتر و چشم گیرتر را به نمایش بگذارد. سرترنج های متقارن متصل به دو سوی ترنج بزرگ نیز دارای طرح گل های ختایی و نقوش اسلیمی با رنگ های متنوع و طرح گل های شاه عباسی و رنگ های روشن و شاد می باشند. حاشیه های طولی ترنج های چسبیده به هم طراحی شده در جوانب صندوقه های تیرگم کُن ها هم با طرح ها و نقوش گل

و بوته های اسلیمی که در میان دو خط ممتد تکثیر گشته و تمام سطوح طول ماهای سه گانه صندوقه ها را در نور دیده ، کاربندی شده است .

علاوه بر طرح های ترنج و سرترنج بزرگ در قسمت زیرین، جوانب دوگانه صندوقه های چوبی پوشاننده شاه تیرها، اغلب با رنگ های آبی یا سبز رنگ آمیزی شده و با گل و بوته های شاه عباسی که بوسیله ساقه های برگ دار به همدیگر متصل شده اند ، تزئین یافته است . داخل هر یک از این گل ها و طرح ها نیز طرحها و نقوش رنگارنگ گیاهانی در مقیاس کوچکتر طراحی و اجراء شده است .

فواصل شاه تیرهای حمال موازی را هم با تنه متوسط درختان چنار ، سپیدار یا تبریزی تیرریزی کرده و سپس روی آنها را نیز با باریکه تخته های کوچک به نام «توفال/پردو» به ابعاد 35×5 سانتیمتر لمبه کاری کرده و پوشانده اند. بر روی تمامی این سطوح و سطح صندوقه شاه تیرهای حمال و سرستون ها ، تزئینات غنی: اسلیمی، شاه عباسی، ترنج و سرترنج، خوشنویسی غنی، رنگارنگ و پُرکار نقاشی روی چوب صورت گرفته است. این نقوش ، به گونه های مختلف و در عین حال متناسب و هماهنگ با همدیگر و با بستر نقوش با دقت تمام اجراء شده اند.

نمای زیرین بدنه تیرک های مدور مربوط به تیرریزی سقف نیز با طرح های ترنج و سرترنج های کوچک متقارن و متصل به دو سر ترنج اصلی ، تزئین شده و متن ترنج ها را نیز با طرح های گل و گیاهان مُسبک کوچک پُر نموده اند.

توفال های باریک پوشاننده قسمت فوقانی تیرک های سقف نیز ساده و بدون طرح و رنگ رها نشده ، بلکه زمینه و نمای زیرین این باریکه تخته ها را نیز اغلب به رنگ سفید و گاهی صورتی ، رنگ آمیزی کرده و بر روی آنها نقوش متنوع و رنگارنگ گل های پنج برگ و گل و بوته های مُسبک و کلمات و عبارات هایی نوشته شده است.

علاوه بر نقاشی های روی چوب با موضوعات گل و گیاهی ، تزئینات دیگری نیز در آشکال و موضوعات خوشنویسی روی چوب با رنگ مشکی و در قالب: اسماء جلاله ، کلمات ، عبارات ها و جملات کوتاه پدید آورده شده است .

آن چه در خصوص مساجد ساخته و پرداخته شده به این سبک قابل ذکر است، این که ، هیچ وقت حق مطلب را نمی توان « کما هو حَقُّه » اداء نمود ، چرا که جای - جای سقف ، پردوها ، صندوقچه ها ، ستون ها و سرستون ها ، نقش ها ، نوشته های سقف شبستان های این مساجد که بی شباهت به نقوش مینیاتوری و هنر ظریف مُنبت و خاتم کاری روی چوب نیست ، در واقع دریای بیکرانی از نموده های هنری فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی این خطه است که همواره نظاره گر تاریخ بوده و در گذر زمان صیقل خورده و امروزه منبع الهام هنرمندان با ذوق ایرانی قرار گرفته است .

پدیده نقاشی در این مساجد ، دارای تنوع و زیبایی خاصی بوده که این نقاشی ها صرفاً بر روی چوب و اجزای تشکیل دهنده پوشش مسطح سقف و سرستون های تزئینی حجمی اجراء شده است. طرح ها و نقش های موجود برگرفته از گل بُته و گیاهان طبیعی و خودروی موجود در منطقه ، مانند : گل سرخ ، گل داوودی ، گل آفتاب گردان ، گل ختمی قرمز ، گل اطلسی ، گل اکبرخان ، گل درختان بادام و آلبالو و درخت کاج الهام گرفته و به صورت انتزاعی و مُسَبَّک به کار رفته است.

گل مظهری از زیبایی طبیعت و توصیفی محسوس از جمال خداوندی است. واقعیتی که در ماورای نموده های هنری به چشم می خورد و ارزش های حیات را در سایه گلبُرج های زیبای خود نمایان می سازد.

نظام معماری و شهرسازی مراغه و تبریز و سلطانیه به عنوان پایتخت های امپراطوری ایلخانی مغول

فرزانه سلیمانی جای^۱

با به مسند نشستن ایلخوانان مغول و استیلای آنها بر پهنه ی وسیعی از سرزمینهایی که هر یک منشأ تمدتی بزرگ بوده اند و نیز انتخاب شهرهایی مانند تبریز، مراغه و سلطانیه به عنوان کانون حکومت ایلخوانان بستر مناسبی جهت بالندگی هنر و معماری فراهم آمد.

رونق فرهنگی ناشی از حمایت وزراء فرهیخته ایرانی در این دوره و نیز رفاه ناشی از ثروتی که مغولان به یغما برده بودند زمینه ی مناسبی را فراهم آورد تا هنر و فننی متعالی شکل گیرد و نمود عینی آن در معماری و شهرسازی این دوره متجلی گردد. در شهرسازی پایتختهای بزرگ این دوره یعنی تبریز و سلطانیه دو روش طراحی پایدار (ارگانیک، اندامگونه) و خردگرا (راسیونال) در هم آمیخته است و مفهومی جدید را پایه ریزی نموده است.

مکتب شهرسازی شهرهای تبریز و یا سلطانیه به تبع جهان بینی حاکم، وحدت در عین کثرت است. هر جزء در نوع خود کامل و مستقل است و در عین حال همانند یک حلقه ارتباط و انسجام کل مجموعه را فراهم می آورد نمود عینی این مورد طراحی بافت بازار همراه با میداين و عناصر مذهبی - اجتماعی پیرامون آن است. مکتب شهرسازی شهرهای ایلخوانی نمایانگر حالت تعادل و توازن بین فضا و کالبد میباشد و این بیان ملموس اعتقاد ایرانیان به لزوم وجود اعتدال بین نیروهای متضاد می باشد. از این رو در معماری و شهرسازی این دوره عواملی مانند تداوم و انقطاع، پر و خالی، تاریکی و روشنی، ریتم و تضاد در کنار هم دیده می شوند.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بستان آباد



نکته قابل توجه دیگر، در هم شکستن مقیاس انسانی و شکل گیری مفهوم فضای انسانی در ارتباط با طراحی است .

ازواژگان متن شهرسازی این دوره میتوان به نکات زیر اشاره نمود:

* طراحی میدین بزرگ در نقاط ثقل شهری

* جا نمایی بناهای سلطه گر در بدنه شهر

* طراحی باغ شهرها

* شکل هندسی فضا و کالبد اجزا

* ترکیب هندسی و کلی ابنیه

* شکل هندسی فضای داخلی

* ابعاد و مقیاس شکوهمند

* همسویی با نظم مقدس، اقلیم و محیط

* استفاده از نور

* رعایت سلسله مراتب شهری

* تجانس و بیان نمادین بدنه های شهری

واژگان کلیدی : طراحی پایدار، طراحی خردگرا، وحدت، کثرت، باغ شهر

نقش تبریز در تمدن ایرانی دوره ایلخانی و آل جلائی

الناز شکوئی زاده^۱

تبریز در بین شهر های ایران فرهنگ دیرین و پیشرفته‌ای دارد و به علت موقعیت خاص جغرافیایی خود از پر جذبه ترین ، پر رفت و آمد ترین مکانهای ایران بوده و همواره از سوی فرمانروایان و اشغالگران مورد غارت و تهاجم قرار گرفته است. در سال ۶۱۷ هـ. قمری مغولان به باروی تبریز حمله کردند ولی بادر یافت غرامت منصرف شدند. در زمان ایلخانان مغول تبریز مرکز حکومت در آذربایجان شد . پس از به قدرت رسیدن غازان خان به سال ۶۹۴ هـ. ق و به علت مسلمان شدن وی دستور داد کلیسا ها را ویران کنند. در زمان وی این شهر (تبریز) ترقی و شکوه فوق العاده ای یافت و اقدامات متعددی در زمینه ها و امور اجتماعی و عمرانی شهر ها و بنا ها صورت گرفت فعالیتهای معماری و شهری به پیدایش تحولاتی در گسترش برخی از انواع بنا ها و شیوه های طراحی و معماری منجر شد . بزرگترین دستاورد وی ساختن شهرک شنب غازان در نیم فرسنگی جنوب تبریز بود که از زمان بنای تخت جمشید به بعد در تنوع ، سازمان و عظمت همتایی نداشت . مقبره او زمانی مجموعه ای از دوازده بنا بود که خانقاه و مدرسه و سایر فضا های شنب غازان مشرف به آن بود . یکی از بناهای عظیم و با شکوه دوره غازان خان ربع رشیدی است که توسط خواجه رشید الدین فضل اله که به الهام از غازان خان در تبریز همزمان با شنب غازان در دامنه کوه سرخاب در شمال کوی باغمیشه احداث شد . که این شهرک همانند شنب غازان دارای عمارات و ساختمانهای گوناگون مانند مدرسه، دارالشفاء و مسجد و غیره بود. رونق روز افزون تبریز به سبب اهمیت آن به عنوان یک شهر مرکزی حکومتی و تجارتي موجب گسترش آن در دوره غازانی شد . پس از درگذشت غازان خان به سال ۷۰۳ هـ. ق حکومت پسر وی الجایتو باعث تغییر پایتخت از تبریز به سلطانیه شد

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز



ولی با این وجود در سال ۷۱۱ هـ. ق تاج الدین علیشاه وزیر مسجد بزرگی به نام مسجد علیشاه در تبریز بنا کرد. پس از مرگ الجایتو و انتقال حکومت به سلطان ابوسعید ارکان حکومت ایلخانان به تدریج به انحطاط گرائید. پس از ایلخانان جانشینیان حکومتی بر سر حفظ سلطه خویش بر ایران با یکدیگر به جنگ پرداختند و در این فاصله در شمال غربی ایران جلایریان جانشین ایلخانان شدند. در دوره جلایریان (یعنی بین سالهای ۷۴۴ و ۸۵۶ هـ. ق) تبریز دارالسلطنه شد، عمارت مشهور دولت خانه که از ابنیه جلایریان بوده است، دارای ۲۰ هزار اتاق بود.

نقش تصوف و جایگاه فضاهای خانقاهی در شهرسازی عصر ایلخانی

رحیم ایرانی‌شاهی^۱

طاهره کاظمی رحیم‌آبادی^۲

دوره ای از تاریخ معماری و شهرسازی این مرز و بوم، دوران مغول است. در این دوران صوفیه و عرفا نقش مهمی در عرصه اجتماعی می‌یابند. در قرن هفتم با هجوم مغولان و جنگ و کشتار آنان و سقوط خلافت بغداد و دولت عباسی و از بین رفتن مرکز دینی و سیاسی اسلام، جامعه مسلمانان بیش از پیش تسلیم آسان‌گیری مذهبی و عواطف انسانی مسلک تصوف گردید و کار صوفیان از رونق و رواج بیشتری برخوردار شد. علاوه بر آن حکومت وقت و رجال سیاسی مهم، آئین تصوف را تأیید کردند و در رواج کار صوفیان کوشیدند. از این پس در طول قرنهای هفتم تا نهم هجری قمری، آئین طریقت در قسمت زیادی از سرزمین‌های اسلامی به ویژه ایران به اوج پیشرفت رسید. تأسیس کانون‌های خانقاهی تقریباً از قرن ششم به بعد افزایش می‌یابد و در دوران حکومت ایلخانان و پس از آن به متناهی رشد خود می‌رسد. هدف از این پژوهش بررسی نحوه تأثیر دیدگاه‌های امرای ایلخانی در شکل‌گیری فضاهای خانقاهی و جایگاه آن در شهرسازی دوره ایلخانی می‌باشد. واژگان کلیدی: ایلخانان، خانقاه، محله، فضاهای شهری، تصوف.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم سبزوار

۲- کاردان حفاظت و مرمت بناهای تاریخی

نقش ربع رشیدی در توسعه پایدار شهر تبریز

آزیتا بلالی اسکوئی^۱

سلوی کی نژاد^۲



تصویری از بقایای امروزی ربع رشیدی

دوره ایلخانان مغول یکی از ادوار تاریخ ایران می‌باشد که در آن شخصیت بزرگی چون خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی توانسته است با دوراندیشی و تیزبینی خاص خود دست به اقدامات بسیار ارزشمندی در جهت اعتلای فرهنگ

و تمدن این کشور که با حمله چنگیز به ایران رو به افول نهاده بود، بزند. بطوریکه مجتمع بزرگ علمی و فرهنگی ربع رشیدی او توانست وظیفه انتقال فرهنگ ایرانی، اسلامی قبل از حمله مغول را به بعد از آن به خوبی انجام دهد و الگویی را در اختیار ما قرار دهد که مایه مباهات و غرور هر ایرانی به فرهنگ غنی این مرز و بوم پرگهر می‌باشد.

ربع رشیدی، شهری که با اقدام به اصول پایداری و مدیریتی هوشمند به صورت واقعی، مضامین یک شهر پایدار را نیز در بر می‌گرفته است. شهری که در زمان خود نمونه منحصر به فردی از راهبری جامعه و مدیریت شهری بوده است و براساس برنامه و طراحی که توسط خود خواجه انجام گردیده، ساخته شده و از طریق نظام کاملاً روشن، مدیریت می‌شده است. برنامه و طرح ربع رشیدی تمام ساخت‌های مادی و غیر مادی شهر را مد نظر داشته است. یعنی هم مکان‌گزینی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- دانشجوی کارشناسی معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

فضایی فعالیت‌ها و عملکردها به دقت مشخص شده بود و هم نحوه کاربرد و استفاده از فضاها.

چنان که هم اکنون می‌توان بر اساس وقف نامه، شمای کلی سازمان فضایی مجموعه را ترسیم کرده این سازمان فضایی، فضاها، عملکردها و نظام‌ها را به طور خلاقانه توزیع کرده است. لذا می‌توان این شهر را به عنوان نمونه منحصر به فرد یک شهر ایرانی - اسلامی با آمیزه‌های یک شهر پایدار دانست که در آن عقل، عرف و شرع به مثابه‌ی ارکان اصلی مبنای اقدام به شمار آمده و برنامه‌ریزی آینده-نگر به منظور تحقق خیریه تولیدی، نه خیریه توزیعی صورت گرفته است.

آمایش منطقه ای دره تبریز با احداث شب‌غازان در غرب و ربع رشیدی در شرق، هدایت توسعه شهری به سمت مناطق خوش آب و هوای شرق شهر، آبرسانی به اراضی بایر شرق شهر و توسعه کشاورزی در آنها، بالا بردن توان دفاعی شهر، ایجاد شهرکهای جدید همیار نه رقیب برای شهر تبریز و تاکید بر ایجاد شهرک دانشگاهی برای تقویت بنیانهای علمی تبریز صورت گرفته است.

با توجه به اینکه یکی از محورهای اصلی توسعه پایدار شهری اتصال و ارتباط با گذشته می باشد، لذا در طول تاریخ، تبریز خاستگاه و نقطه اتکای ربع رشیدی بوده است. ربع رشیدی تبریز در عین حال که از شهر تبریز تغذیه می‌کرده و امکانات موجود در آن را به خدمت می‌گرفته به نوبه خود موجبات تحول آن را فراهم ساخته است. در واقع ربع رشیدی در کنار فعالیت‌های موجود که هویت شهر تبریز را به لحاظ صنعتی و کشاورزی تعیین می‌کرده است، هویت و شخصیت بارزسی را برای شهر تبریز در ابعاد مختلف علمی و فرهنگی تعریف نموده است.

در این مقاله به بررسی توسعه پایدار تبریز با احداث شهرک دانشگاهی ربع رشیدی با نکات مکان یابی ارزشمند آن پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: ربع رشیدی، توسعه پایدار، مکان یابی و آمایش منطقه‌ای

نقش ربع رشیدی در شهرسازی بعد از آن

حسین اسمعیلی سنگری^۱

بهرروز عمرانی^۲

پس از پایتخت شدن شهر تبریز تحولات زیادی در زمینه معماری و شهرسازی در این شهر شکل گرفت که مهمترین دلیل آنرا می توان ثبات و اقتدار حکومت ایلخانان، عبور جاده ابریشم از شهر تبریز و به تبع آن رونق اقتصادی شهر و همچنین ظهور نخبگانی در دربار ایلخانان بعنوان وزیر دانست. یکی از وزرای دانشمند و صاحب سبک حکومت ایلخانان خواجه فضل الله رشیدالدین همدانی بنیانگذار ربع رشیدی تبریز بود که بنابه دلایل بسیاری که در این مقاله به شرح آن پرداخته خواهد شد این شهر را در جوار تبریز بنیان می نهد که بعدها به شهرکی دانشگاهی شهرت می یابد. مختصری از دلایل ایجاد این شهرک را میتوان چنین بیان کرد:

- ایجاد شهری که بتواند به موازات بازار تبریز بار مروده های بازرگانی شهر را به دوش کشد.

- زمان گیر شدن برپائی دوباره شهر تبریز بعد از زلزله ویرانگر سال ۶۷۱ هـ. ق

- ایجاد شهرکی دانشگاهی برای جمع آوری دانشمندان جهان به این شهر.

- ایجاد شهر سرریز جمعیتی در کنار تبریز.

و دلایل بسیار دیگر که در اصل مقاله به آنها اشاره خواهد گردید.

واژگان کلیدی: ایلخانان، خواجه فضل الله، شهرسازی، ربع رشیدی

۱- عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور

۲- استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور

نقش سیاست و اقتصاد بر شکل‌گیری معماری و شهرسازی ایلخانیان

لیلا مدقالچی^۱

نادر نقی زاده^۲

ایلخانیان و به ویژه غازان خان و خواجه رشیدالدین فضل‌ا. بعد از ویرانه‌هایی که از حمله مغول بر جای مانده بود، اصلاحات زیادی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی نمودند.

سیاست تمرکز غازان خان و سیاست‌های گسترش صرفه‌های اقتصادی وی و... که با حمایت رشیدالدین فضل‌ا. صورت گرفت یکی از سیاست‌های موفق بود که در طی دوران ایلخانیان شکل گرفت که منجر به شکوفایی اقتصادی در این زمینه گردید.

در پی اصلاحات اقتصادی و سیاسی مملکتی توسط غازان خان معماری و هنر نیز از این قاعده مستثنی نگردید و معماری بناهای معروف و باشکوهی چون کاروانسراها، مدرسه‌ها و... شکل گرفت. در زمینه شهرسازی نیز در جهت شکوفایی اقتصادی و فرهنگی و متناسب با وضع موجود آن دوران، حرکت‌های مهم و تاثیرگذاری صورت گرفت که به پیدایش شهرهایی چون ربع رشیدی و... انجامید.

بی‌تردید نوع سیاست و نحوه نگرش اقتصادی و مذهبی ایلخانیان، این دوره تاریخی را به عنوان عصر باشکوه و موثر در ایجاد و به کارگیری اصولی از معماری و شهرسازی کرده است که از آن به عنوان یکی از دوره‌های مهم تاریخی نام می‌برند. در این مقاله سعی بر این است تا با آشنایی از دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی ایلخانیان، تاثیر اقتصاد و سیاست را بر نحوه شکل‌گیری معماری و شهرسازی مورد بررسی قرار گیرد.

۱- فوق لیسانس معماری و عضو هیات علمی دانشگاه نبی اکرم(ص)

۲- فوق لیسانس معماری

نقش معماری تبریز در روند شهرسازی شهرهای ایران از دو دیدگاه

نگار حسن زهتاب^۱

تبریز پس از حمله مغول برخلاف بسیاری از شهرها چه از نظر اقتصادی و چه از نظر فرهنگی پیشرفت چشمگیری کرد و آن هم به خاطر وجور راههای ترانزیتی و بازرگانی در این شهر و دادن خراج به حکمرانان مغول بود. و البته توجه ویژه غازان خان به این شهر را هم نباید از قلم انداخت. که در این میان مورخانی چون رشید الدین فضل الله و حمدالله مستوفی و کتب تاریخی آن‌ها شواهد محکمی است برای ستودن تبریز در این عرصه.

مکتب شهرسازی و معماری آذری در دوره ایلخانی در غرب، جنوب و مرکز ایران شروع می‌شود. چون اولین بناها در تبریز احداث گردید به سبک آذری معروف است. دوره‌ی حکومت غازان خان را آغاز سبک آذری می‌دانند. با ظهور تیموریان به ماوراءالنهر منتقل می‌شود. فعالیت در زمینه معماری پس از زوال سیاسی تیموریان در میانه قرن نهم/ پانزدهم، تحت حمایت سلسله‌های ترکمان به غرب ایران منتقل شد. این رشته فعالیت با شاه اسماعیل و جانشینان او ادامه یافت و سبک هماهنگ و همگونی را پدید آورد که به مکتب اصفهان شهرت یافت و در سرتاسر قلمرو صفوی پراکنده شد و در دوران حکومت افشاریه، زندیه و قاجاریه ادامه یافت.

شیوه‌ای که در آفرینش آثار بزرگی چون ارگ علیشاه، مسجد کبود و یا اولین دانشگاه دنیا یعنی ربع رشیدی اثر به سزایی داشته است.

۱- دانشجوی کاردانی معماری دانشگاه شبستر

نگاهی گذرا بر نحوه نفوذ عنصر ایرانی در دستگاه حکومتی ایلخانی

با تاکید بر شخصیت برجسته خواجه رشید الدین فضل ا ... همدانی و تاثیر وی در معماری و شهرسازی عصر ایلخانی

شکیبا صفدریان^۱
حمیدرضا نوربخش

سرزمین ایران مرکز ارتباطات جهان شرق و غرب توسط رشته کوه مکران در جنوب و دو رشته کوه نسبتاً بلند البرز در شمال و زاگرس در غرب محصور گشته است و تنها در نواحی محدودی _ خراسان در شمال شرق، آذربایجان در شمال غرب، خوزستان در جنوب غرب، بندر عباس در جنوب و بلوچستان در جنوب شرق _ از بلندای این ارتفاعات کاسته می‌شود و عبور و مرور امکان پذیر می‌گردد. به همین جهت معابر موجود در گذر زمان همواره مدخل قبایل مختلف و محل سکونت تمدنهای کهن به ایران محسوب شده و پذیرای سیل مهاجران و مهاجمان بوده‌اند.

زندگی این اقوام گر چه به قلم مورخان نگارش یافته است، اما تنها مشتقی از خروار حوادث گذشته را به تصویر می‌کشند و هنوز برای کارهای تازه جایی هست. به قول استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب: «تاریخ مردم ایران نامه‌ای طولانی و پایان ناپذیر است که گذشته دور آن را انشا می‌کند و آینده‌ای دور آن را خواهد خواند و شک نیست که عمر تاریخ _ برین نامه بر سالها بگذرد. . .»

تمدنهای گذشته در نجد ایران با ویژگیهای قومی متفاوت، فرهنگ و هنر گوناگونی را عرضه نموده‌اند، و در این بین اندیشه‌ها، باورها و عملکردهای آنان نقش بسزایی در شکل گیری تمدن ایرانی ایفا کرده است.

حمله ویرانگر مغول حوادث تلخ و ناگواری را برای مردم ایران رغم زد، به طوری که از برگ برگ صفحات تاریخ صدای مردمان و سر گذشتهای غم

۱- فوق لیسانس گرافیک، آموزش و پرورش شهرستان همدان

انگیزشان را می‌توان شنید. بازماندگان چنگیز که با ورود هولاکوخان به ایران نام ایلخانان را بر خود نشانده‌اند، گرچه به اصلاحات و اقداماتی بر خلاف جد خود دست یازیدند، اما همه آنچه را که درویده بودند به دست بزرگ مردان ایرانی کشته بودند. آنان اگر چه پای بند سنتهای بومی و بدوی خویش بودند و متعصبانه بر حفاظت از آنها پای می‌فشرده‌اند؛ اما ناخواسته چنان دلبسته فرهنگ ایرانی شدند که به نشر و ترویج آن همت گماردند. آنان نیز چون دیگر مهاجمان به نیکی دریافتند که تسلط بر جماعت هوشمند ایرانی کاری بس دشوار است و تنها به مدد و یاری فضیلت دانشمند ایرانی می‌توان به این مهم دست یافت. و بی‌گمان همین اندیشه آنان را واداشته است تا در میان خانواده‌های با نفوذ و فرزانه ایرانی به دنبال کارگزارانی شایسته باشند. . . . و به این ترتیب بزرگ مردان ایرانی به درون تشکیلات دولتی و سیاسی آنها راه یافتند و طولی نکشید که ساختار اصلی دولت بیگانه را در دست گرفتند. هر چند اکثر این افراد قربانی توطئه‌های مختلف شدند اما تاثیر شگفتی بر فاتحان وحشی گذاشتند که ماحصل آن را در تمدن ایلخانی به وضوح می‌توان دید.

در این مقاله که بیشتر به شیوه کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی نگارش یافته است، تلاش گردیده تا نگاهی کلی به نفوذ عنصر ایرانی در دستگاه حاکمه ایلخانی نموده و اقدامات ارزشمند ایشان را با تاکید بر شخصیت برجسته خواجه رشید الدین فضل . . . همدانی مورد نظر قرار دهیم و سپس به خدمات ارزنده وی در زمینه معماری و شهرسازی بپردازیم.

واژگان کلیدی: ایلخانی، عناصر ایرانی، دستگاه حاکمه، خواجه رشید الدین فضل . . . همدانی، معماری و شهرسازی، ربع رشیدی.

نگاهی نو به محلات باغ صندل و شیخداد شهر یزد

ابراهیم کاظم نژداصل^۱

محسن میر جانی^۲

زهرا مزحجی^۳

صفورا میر خلیلی^۴

سید فضل الله میر دهقان^۵

یزد پاره ای از تاریخ و تمدن ایران اسلامی است که تاکنون ورق نخورده است. بناهای خشتی آن، کوچه‌ها، محلات آن هر روز که از آن گذر می‌کنی حرف تازه‌ای برای گفتن دارد. با آنکه اکنون در حدود ۷۰۰ هکتار آن باقی است ولی اوج عظمت خود را مدیون دوران آل مظفر است که در جای جای آن بناهای رفیع و بی‌همتای این دوره بعد از گذشت سالها خود نمایی می‌کنند. در بررسی میدانی صورت گرفته در بافت تاریخی شهر یزد توسط پایگاه میراث فرهنگی در محلات باغ صندل و شیخداد نزدیک به هشت خانه مربوط به این دوران شناسایی گردید.

این امر بهانه‌ای گردید تا این محلات را به عنوان بخشی از بافت تاریخی که شاخصه‌های مهمی از این دوران در خود جای داده اند را برای اولین بار معرفی نماییم. این خانه‌ها دارای فضا‌های زیادی هستند که ساخت آن از توان افراد عادی خارج است و این محلات خارج از برج و باروی یزد قرار دارد. با مراجعه به متون می‌توان دریافت که در قرن هشتم تعداد باغات یزد افزون بر منازل افراد بوده است و امروزه بسیاری از آنها از بین رفته و تنها نام بعضی از آنها بر روی همان محله باقی مانده است که از جمله می‌توان به باغ گندم، باغ

-
- ۱- کارشناس ارشد باستان شناسی، مسئول بخش باستان شناسی پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد
 - ۲- کارشناس ارشد باستان شناسی، بخش باستان شناسی پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد
 - ۳- کارشناس باستان شناسی، بخش باستان شناسی پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد
 - ۴- کارشناس باستان شناسی، بخش باستان شناسی پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد
 - ۵- کارشناس ارشد باستان شناسی، بخش باستان شناسی پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد



عزآباد و باغ صندل اشاره نمود. در این منابع ذکر شده که خواجه رشید الدین فضل الله و سید رکن الدین و سید شمس الدین املاک زیادی را در محله باغ صندل وقف نموده‌اند.

باغ صندل در کتاب جامع الخیرات به صورت «باغ هندل» ذکر شده، ممکن است که «صندل خانه» مذکور در منشآت شرف الدین علی یزدی نیز با باغ صندل مرتبط باشد. محله شیخداد تا قرن هفتم به محله «سرآب نو» معروف بوده است اما به دلیل دفن شیخ تقی الدین دادا محمد به «محله شیخداد» تغییر یافته است. در این پژوهش سعی گردیده با معرفی این دو محله خانه های شناسایی شده باب جدیدی را در زمینه معرفی هر چه بهتر یزد دوران آل مظفر فراهم نماییم تا زمینه هایی برای پژوهش در این خصوص فراهم گردد.

نور در فضاهای شهری ربع رشیدی، نخستین شهرک دانشگاهی بین‌المللی کشور

علی اصغر آدینه وند^۱

در معماری و شهرسازی ایرانی، همواره توجه خاصی به تامین نور داخل بناها با استفاده از عناصر نورگیر، رواقها، در و پنجره ها، روزنه ها، ارسی و ... شده است. اما در کنار این عوامل استفاده از وسایلی که بتواند نور مصنوعی را ایجاد کند، قابل توجه می‌باشد.

از میان این شهرها، ربع رشیدی دارای نکات و آموزه های ارزنده‌ای است که نیاز به پژوهش و مطالعات بیشتری دارد. از آنجا که وقف نامه ربع رشیدی که توسط بانی آن نگاشته شده، یکی از اصلی ترین منابع می باشد در این تحقیق مبنای کار قرار گرفته است.

با توجه به توصیفات ذکر شده در وقف نامه متوجه می شویم که در این شهر ایوانها باریک تر و مرتفع تر شده اند و در فاصله بین دیوارها پنجره هایی پدید آمده است که از این طریق نور داخل ساختمان بهتر تامین شود. در راس گنبدها، طاقها و سقف ها روزنهایی وجود داشت که نور را در طول روز به داخل هدایت می کرد و مواردی نظیر این که با تیزبینی خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی بانی این مجموعه در وقف نامه به تصویر کشیده شده است. برای نمونه در باب سوم، قسم دوم، فصل چهاردهم که به بحث مسکن مجاوران و ملازمان می پردازد در صفحه ۱۷۸ وقف نامه ذکر می شود:

«... قدری زمین دراز که اسم باغچه دارد در پس آن تابخانه^۲، و روشنایی آن از آنست و روشنایی صفه سراچه همچنین. گفتیم تا آن قدر زمین که در محاذاه آن تابخانه است از آن باغچه باز برند و داخل آن تابخانه کنند و لکن سقف آن بلندتر

۱- پژوهشگر و محقق مجتهد علمی، فرهنگی و تاریخی ربع رشیدی

۲- اتاق گرم زمستانی

بپوشند و سوراخی بزرگ باز گذارند ... و باید که دیوار آن به یک دنده^۱ بر آورند چه زیر آن زیر زمین است چنانک حایل {نور} صفه سراچه نباشد...»

در ربع رشیدی از ابزارها و وسایل دیگری چون شمع، قندیل، مشعل و چراغ نیز استفاده شده که در فصل سیزدهم وقف نامه با جزئیات دقیق به نحوه بکارگیری این ابزارها و محل های آنها اشاره شده است.

اما نکته قابل توجه در نوشته های خواجه این است که در طراحی نخستین شهرک دانشگاهی ایرانی - اسلامی خود، بحث نور و نورپردازی را یکی از مهمترین جنبه های شهرسازی می داند و علاوه بر تامین نور تک تک بناها به نحوه تامین نور عناصر و معابر شهری نیز می پردازد.

در این مقاله سعی بر آن خواهد بود که به ویژگیهای برخاسته از وقف نامه در زمینه نور و نورپردازی در شهر ابواب البر ربع رشیدی پرداخته شود.

واژگان کلیدی: نور، نورپردازی، شمع، قندیل، مشعله، چراغ، وقفنامه، ربع رشیدی

نور و تأثیرات آن بر تزئینات در معماری ایلخانی

لیلا براتپور^۱

در ادوار تاریخ مردم سرزمین ما چون دست بر خاک نهادند، با ذوق و هنر خود آن را به افلاک رساندند و چنان نور را با حجم درآمیختند که گویی این دو هرگز از هم جدا نبوده‌اند و تزئین جزئی از ذات ایرانی است. پس از ورود بیروق اسلام به سرزمینمان چون پیامبر برای جلوگیری از آینه‌های کفر و بت پرستی، صورتگری جانوران و مجسمه‌سازی از شمایل انسانی را منع می‌کند، هنرهایی چون کنیه نویسی، خطاطی، کتاب‌آرایی و از این دست که وسیله‌ای برای ترویج دین به شمار می‌روند مورد تشویق قرار می‌گیرند و این دستاویزی می‌شود برای مردم هنر دوست ایران که عرصه را برای بسط هنرهای اسلیمی و نقوش هندسی گشوده می‌بینند. نقوش گیاهی که اشارتی است به بهشت برین و نقوش هندسی که بیننده را به تفکر در نظم حاکم بر هستی وا می‌دارد، وارد هنرهای مختلف می‌شود. تا آنجا که هنرهایی چون قالی بافی، معرق، فلزکاری و معماری جلایی نو می‌یابند. ذوق و هنر ایرانی با اندیشه‌های اسلامی تلفیق می‌شود و ترفندهای اندیشمندانه همه هنرها از جمله معماری را به تعالی می‌رساند.

دوره ایلخانی نیز از این قاعده مستثنی نیست، گر چه حمله مغول به ایران بسیاری را داغدار عزیزان از دست رفته می‌کند، اما هم آنان که شمشیر به خون مردم این سرزمین آغشتند در کوتاه زمانی با آن عجین می‌شوند. و در کنار بزرگ مردانی از این حطه ویرانه‌ها را آباد می‌کنند و غم از چهره این سرزمین به کنار می‌زنند. در این دوره معماری چون دیگر هنرها از شکوفایی و پیشرفت بی‌نصیب نیست. نظیر ساخت بناهای مختلف و افزودن تزئینات که از خصوصیات هنر ایرانی است، در اینجا هنرمند برای جلوگیری از تکرار، تزئینات را برجسته می‌کند و با

۱- لیسانس معماری، آموزش و پرورش شهرستان همدان



حرکات بنا سازگار. حجیم شدن تزیینات جز با بازی نور در فضا جلوه نمی‌یابد و بدین گونه است که هنرمند نیاز به نور را در فضای داخلی بنا بیش از پیش احساس می‌کند.

نور در معماری نقشی دوگانه دارد که هم امکان مشاهده و روئیت می‌دهد و هم خود فرم و رنگ را به کمال می‌رساند و زیبایی بازی نور با هنر هنرمند ایرانی روح را جلا می‌دهد و ذهن را شکوفا می‌کند. در این مقاله تلاش بر این است که نور پردازی در بناهای دوره ایلخانی و تاثیر آن در جلوه تزیینات مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: روزن، سیلپوش، شباک، ارسی، نکیز.

ویژگی‌های معماری دوره ایلخانی

(مورد مطالعه آذربایجان)

مهندس هادی باقری سبزواری^۱

در اوایل قرن هفتم هجری مغولان ایران را اشغال کردند و بعد خود تحت تأثیر هنر و فرهنگ ایرانی واقع شدند. آنان پس از پذیرش اسلام احداث بناهای عمومی مخصوصاً بناهای مذهبی مثل مساجد، مدارس، زیارتگاه‌ها و مقابر را که بیشتر مورد توجه بودند، آغاز کردند. در این دوره نقشه ساختمان‌ها و فرم گنبد به سبک سلجوقی با تغییراتی مختصر ادامه یافت، اما از نظر زیبایی شناسی، سبک جدیدی را در تاریخ معماری بوجود نیاورد. اما از آنجایی که فرمانروایان مغرور و بلندپرواز مغول برای حفظ برتری و غرور خویش می‌خواستند بناها هر چه باشکوه‌تر باشند تا قدرت و سلطه خود را نشان دهند، مقیاس‌های ساختمانی را فراتر از گذشته بردند. گنبدها و کتیبه‌ها بزرگتر و برج‌ها بلندتر شدند. نمای ساختمان‌ها را با قاب‌های باریک و بلند هلالی و نوک نیز پرهیبت‌تر ساختند، به تزئینات در رنگ‌های مختلف توجه بیشتری شد، بناهای عظیم با اشکال رنگارنگ ساخته شدند و سردرهای کهن و بلند دوباره زنده شده و مورد توجه قرار گرفتند.

معماران و استادکاران دوره ایلخانی، نقشه چهار ایوانی را برای ایجاد بناهایی چون مدرسه و مسجد بکار بردند. در این دوره ایوان‌ها مرتفع و کم‌عرض و دیوارهای بنا باریک‌تر شدند. حیاط‌ها باریک‌تر و نقشه چهار ایوانی کامل‌تر شد. تزئینات همچون گچ‌بری، کاشی‌کاری و آجرکاری با مهارت خاصی زینت‌بخش این بناها شد، بطوری که گچ‌بری این دوره بر دوره‌های بعدی و قبلی خود برتری کامل داشت.

در این مقاله نگارنده در ابتدا به بررسی ویژگی‌های معماری دوره ایلخانی در بناهای منطقه آذربایجان پرداخته و سپس با بناهای معماری دوره‌های قبلی و بعدی در این منطقه مقایسه می‌کند.

واژگان کلیدی: ایلخانی، مغول، معماری، تزئینات، آذربایجان

۱- عضو هیات علمی گروه معماری دانشگاه تربیت معلم سبزوار



نگارگری



آزاده و بهرام در شاهنامه بزرگ

رعنا قهرمانی^۱

شاهنامه، حماسه بزرگ ملی ایرانی می‌باشد که فردوسی شاعر حماسه‌سرای ایرانی حدود قرن ۴ و ۵ هجری مجموعه‌ای از اسطوره‌های ملی و ایرانی را به نظم در آورده است. این کتاب ارزشمند بارها توسط هنرمندان ادوار مختلف مصور و نگاشته شده است و حکام دربارهای مختلف در طول تاریخ ایران تلاش کرده‌اند که در زمان سلطنت خویش حداقل یک جلد از این کتاب نفیس توسط بهترین خطاطان و نقاشان آن عصر نگاشته و مصور گردد.

شاهنامه بزرگ که گاه به اشتباه به آن شاهنامه دموت گفته می‌شود، یکی از نادرترین این نسخه هاست که در دوران ایلخانان و در ربیع رشیدی تبریز کار شده است. متأسفانه این کتاب به صورت ورقه‌هایی جدا افتاده از همدیگر در موزه‌های دنیا پراکنده شده است.

آزاده و بهرام نام یکی از صدها افسانه شاهنامه است که در ادبیات ایران جایگاه ویژه‌ای دارد تا جائیکه توسط شعرای دیگری همچون نظامی بار دیگر به نظم کشیده شده است.

تصویر این افسانه در برگی از شاهنامه بزرگ دیده می‌شود و این امر، می‌تواند یکی از دیگر دلایل جذابیت‌های این افسانه در میان هنرمندان و ایرانیان باشد. در این مقاله نویسنده با معرفی این افسانه به بررسی نگاره مصور شده در شاهنامه بزرگ خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی: شاهنامه، آزاده، بهرام، فردوسی، ایلخانان

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

از چینیه‌های آبی سفید تا نگارگری‌های تبریز

نگار کفیلی^۱

تأثیر هنر و فرهنگ چین در دوره ی ایلخانی که هم زمان با سلسله‌ی یوان در چین بوده بر هنر و فرهنگ ایرانی امری بسیار قابل توجه بوده است. در این دوره که آشنایی با فرهنگ چینی بیشتر از طریق هنرهای صناعی و وارداتی بخصوص، سرامیکهای چینی بوده عناصر تزئینی چینی در آثار ایرانی حضوری پررنگ پیدا کرده اندواز میان آثار هنری ایرانی نگارگریهای موجود تأیید بسیار محکمی بر این ادعاست. حضور آرایه‌ها و مایه‌های تزئینی چینی در نگارگری ایرانی چون مناظر طبیعی، ابرها و آبهای موج، آرایه‌های جانوری افسانه‌ای و نیمه افسانه‌ای چون اژدها و عنقا، تزیینات نباتی مثل درخت سرو و گل صدتومانی، اشکال هندسی چند ضلعی و شیوه چهره نگاری در نگاره های ایرانی امری قابل تعمق و بررسی است. در پژوهشی که در این حیطه صورت گرفته ضمن تطبیق سفالینه‌های چینی با نگارگریهای تبریز، مضامین مشترک تصویری به صورت مبسوط ارائه خواهد شد و جهت درک بیشتر از دیدگاه مفهومی و معنایی نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پیوند میان ایلخانان ایران و امپراتوری سلسله یوان در آثار هنری ایندو تمدن بزرگ، تأثیرات منحصر به فردی را گذاشته است. نفوذ فرهنگی چین در ایران، از طریق مصنوعات هنری این کشور رخ داده است و تقلید از تصاویر چینی در دوره ایلخانی بر هنر و فرهنگ ایرانی تأثیرات چشمگیری داشته است. سرامیکهای چینی شاید بیشترین و در دسترس‌ترین مصنوعات بوده است که نگارگران ایرانی تحت تأثیر نقوش و تصاویر روی آنها اقدام به خلق آثار نقاشی با مایه های ایرانی - چینی کرده‌اند. این نوشته به بررسی تأثیرات حاصله از سرامیکهای چینی بر روی آثار

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز



نگارگری مکتب تبریز در دوره ایلخانی پرداخته و نقاط اشتراک این دو در زمینه‌های مختلف فرمی و معنایی بررسی شده است. این تحقیق از طریق استقرایی (از جزء به کل) نوشته شده و از منابع کتابخانه‌ای، شامل کتب و نشریات ایرانی و خارجی بهره گرفته است. واژگان کلیدی: سرامیک چینی، چین، نگارگری، تبریز

ایدالیسم صوفیانه و دنیای مثالی نگاره های ایرانی در دوره ایلخانی

فرنوش شمیلی^۱

در دوره تسلط مغولان بر سرزمین ما «تصوف» بر اثر ظلم سیاسی و برخی دلایل دیگر رونقی به خود گرفت و تفکر دینی و سنت عقلی و نقلی تجلیات خود را در معرفت باطنی و عرفان و هنر نگارگری بروز داد. همانطوریکه هر گاه آدمی بخواهد از زشتی دنیا و اهل دنیا بگریزد و خود را در ورطه بیخودی حقیقی بیفکند به عالم هنر و درون خود باز می‌گردد هنرمند نیز در این دوره قوه روحانی خود را در کار هنری با سیر و سلوک عرفانی ظاهر کرد.

با مطالعه و بررسی تاریخ نگارگری ایران از سده های نخستین دوره اسلامی تا زمان حکومت ایلخانان مغول بر می‌آید که شیوع تصوف و عرفان در قرن هفتم در تکوین هنر مثالی و همچنین بر آگاهی و احساس نقاشان نسبت به فضای عالم مثال، تاثیر اساسی نهاده است و نقاشان را به سیر و نظر در عالم ملکوت و صور مثالی سوق داده است، در حالی که در آغاز اصول نقاشی یونانی بر فکر نقاشان اسلام چیره بوده و سنتهای این نوع تفکر هنری در هنر نقاشی اولیه عصر اسلامی موثر بوده است.

سعی راقم این سطور آن است که ضمن اشاره به جایگاه عرفان و تصوف در قرن هفتم هجری، به میزان ارتباط احوالات معنوی عارفان و هنرمندان نگارگر و تاثیرپذیری نگارگران از ایشان در توصیف معانی و عوالم هست نیست نمای بپردازد.

واژگان کلیدی: دوره ایلخانی، عرفان، ایدالیسم (کمال‌گرایی)، تصوف، شعر،

نگاره، دنیای آرمانی، عالم مثال

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

بررسی تصویر پیامبر اکرم (ص) در نگارگری دوره ایلخانی

فاطمه حسن پور^۱

در زمان فرمانروایی آخرین ایلخانان مغول (نیمه نخست سده چهاردهم / هشتم هجری) شهر تبریز به یک مرکز مهم فرهنگی و هنری بدل شد که نهایتاً منجر به شکل‌گیری مکتب نگارگری تبریز اول گردید. از خصوصیات مکتب تبریز اول می‌توان به مواردی از قبیل تاثیرپذیری نگارگران ایرانی از نگارگران چینی (بعدها این تاثیر کم رنگ تر شد) و نفوذ طبیعت‌گرایی چینی اشاره کرد. تاثیر هنر نگارگری در این دوره سبب تالیف کتبی از قبیل جامع التواریخ و آثار الباقیه گردید. در کتب مذکور چند تصویر از چهره پیامبر نیز وجود دارد که آنها نشانه‌های بارزی از اعتقادات آیینی مردم مسلمان، جدای از سیاست با حرمت و منزلت کلام الهی و ارادت هنرمندان در پرداخت چهره نگاری حضرت محمد(ص)، مشاهده می‌شود.

واژگان کلیدی: مکتب تبریز، نگارگری، مکتب تبریز، جامع التواریخ، آثار الباقیه

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد صنایع دستی دانشگاه الزهرا

بررسی آثار منسوب به مکتب آل جلایر در مرقع فاتح

(موزه توپقاپی سرای استانبول)

مهدی افضلی^۱

سلاطین آل جلایر که بیشتر آنها هنردوست و هنرپرور بودند به پشتیبانی از هنرمندان و تأسیس کتابخانه‌های سلطنتی پرداختند و هنرمندان را در نقاشخانه کتابخانه‌ها گرد آوردند و به حمایت از هنرهای کتاب‌آرایی مشغول شدند. آثاری که توسط هنرمندان این عصر تهیه شده است اکنون در کتابخانه‌ها و موزه‌های گوناگون نگهداری می‌شود. تعدادی از این آثار بصورت نسخه‌های کامل باقی مانده است ولی تعداد قابل توجهی از آنها که بیشترشان نسخه‌های مصور مربوط به شاهنامه فردوسی می‌باشد به علل گوناگون بصورت اوراق پراکنده در آمده است.

کتابخانه موزه کاخ توپقاپی استانبول مرقعات فراوانی را در خود جای داده است که در طول زمان به مناسبت‌های مختلف و براساس سفارش پادشاهان تهیه و آماده شده است و یا اینکه برای سلاطین عثمانی به عنوان هدیه ارسال شده است. یکی از این مرقعات که توسط بسیاری از پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته است مرقعی است که «مرقع فاتح» نام گرفته است و با شماره خزینه ۲۱۵۳ در این موزه نگهداری می‌شود. این مرقع دارای ۱۹۹ برگ می‌باشد که اوراق مصور فراوانی مربوط به مکتبهای مختلف هنری از چین تا اروپا را در برگرفته است. در میان این اوراق آثار ارزشمندی مربوط به مکاتب هنری ایرانی - اسلامی وجود دارد که در این مقاله سعی بر آن است تا به بررسی ۲۷ برگ مینیاتوردار این مرقع که نشانه‌هایی از مکتب آل جلایر را دارند پرداخته شود. بیشتر این اوراق مربوط به شاهنامه‌ای است که با خط خواجه میرعلی تبریزی بوده و شمس‌الدین مجالسی بر آن نقش زده است.

واژگان کلیدی: مکتب آل جلایر، مینیاتورهای اسلامی، موزه کاخ توپقاپی،

مرقعات

۱- گروه مدیریت اطلاعات، دانشگاه حاجت تپه - آنکارا و مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه - زنجان

بررسی آثار نگارگری مکتب تبریز قدیم در موزهی رضا عباسی؛ تفاوتها و تشابهات با مکاتب پیش و تأثیرات آن در مکاتب بعد

زینب مرادی^۱

علی صالحی^۲

از آثار نگارگری مکتب تبریز قدیم (مکتب تبریز ۱) در تالار نگارگری موزهی رضا عباسی، برگی از شاهنامه بزرگ معروف به دموت می‌باشد. این برگ که صحنه به دار آویختن مانی است از نمونه‌های بارز و ناب نگارگری مکتب تبریز دورهی ایلخانی است. دو مکتب شیراز و تبریز قدیم تقریباً همزمان و هم دوره‌اند و در آنها می‌توان تأثیر ایلخانیان و حامیان نگارگری در این دوره و در این هنر را چه در ابعاد و چه سبک طراحی به وضوح مشاهده نمود.

تلاش ما بر این است که با بررسی اجمالی و گذرا بر مکاتب پیشین و پسین مکتب تبریز قدیم دستکم شاخصه‌های آنها را معرفی و بررسی نمائیم، تا گامی هر چند کوچک در معرفی این مکتب تأثیرگذار در نگارگری برداشته باشیم. واژگان کلیدی: نگارگری، مکتب تبریز، موزه رضا عباسی، شاهنامه دموت

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم سبزوار

۲- کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافتهای تاریخی کارشناس موزه‌داری، مدرس دانشگاه

بررسی تاثیر متقابل هنرهای تصویری ایران و چین در قرون هفتم و هشتم هجری قمری

منصور حسامی^۱

پس از نخستین و دومین یورش مغولها در قرن هفتم و استقرار حکومت ایلخانی در سرزمین ایران از تاثیر پذیرفتن هنر نگارگری ایرانی از هنر نام چین اش سخن گفته می شود. در این واقعیت که مغولان هیچ پیشینه ی فرهنگی - هنری قابل توجهی نداشته و همواره وام دار هنر چین بوده اند تردیدی نیست. حتی درباره ی همراه آوردن هنرمندان چینی بامغولان به ایران زیاد شنیده ایم. لیکن در این باره که نگارگران چینی چگونه و تا چه حد بر نقاشان ایرانی تاثیر گذاشته اند صحبت زیادی نشده است. از سوی دیگر سلیقه ی حاکمان پیروزمغول باشکل گیری حکومت ایشان و استقرار دولت مرکزی به مرور اصلاح گردید و به کلام درست، دچار تغییر و استحاله گردید. اما در منابع موجود و اظهار نظرهای پژوهشگران در این باره به قدر کفایت دقت صورت نگرفته است. پس در برخی موارد مربوط به این بحث کاستی هایی به چشم می خورد که تلاش برای پاسخگویی به پرسش هایی چند را ضروری می نماید. نخست از این منظر که نقاشی چینی همزمان با دوره مغولان دارای چه ویژگیهای بوده و دیگر آنکه عناصر مورد بحث چینی ظاهر شده در نقاشی های ایرانی خود از کجا آمده است. از این رهگذر، تاثیرات هنر چینی در نگارگری دوران ایلخانی را بهتر می توان مورد تحلیل قرار داد. لذا در مقاله ی پیشنهادی سعی خواهد شد ضمن برشمردن خصوصیات آثار نقاشی چینی همعصر، و کمی پیشتر از ایلخانان برنوع و میزان تاثیر گذاری و تاثیر پذیری نگارگری چینی و ایرانی با ذکر نمونه هایی از نسخ منسوب به مکتب تبریز دقت، تحلیل و ارزیابی لازم و البته در حد توان، انجام خواهد پذیرفت. نمونه های مورد نظر عبارت است از

۱- استادیار گروه نقاشی دانشکده هنر دانشگاه الزهراء تهران



نسخ خطی همچون شاهنامه ی بهادری، جامع التواریخ خواجه رشیدالدین، منافع الحیوان ابن بختیشوع، وکلیله ودمنه و تعدادی نسخه دیگر که همگی در این دوران مصور شده است و از سوی دیگر بر نمونه آثار هنرمندان چینی دوره ی سونگ و یوان که در طی قرون یازدهم و دوازدهم میلادی در چین حکمفرمایی داشتند همچون کائوکومینگ، لی تانگ، چاو پو چو و دیگران گذری خواهد شد.

واژگان کلیدی: نگارگری ایرانی، مکتب تبریز، نقاشی چینی، قرن هفتم و هشتم هجری قمری .

بررسی تطبیقی نگارگری دوره ایلخانی با نقش مایه های چینی و بیزانسی

صمد نجارپورجباری^۱

سرزمین ایران از نظر جغرافیایی در تلاقی دو تفکر و دو تمدن بزرگ یعنی تمدن شرقی و غرب قرار گرفته است. در منتهی الیه تمدن شرق سرزمین چین قرار گرفته است. هنر چین از سه تفکر اصلی تائوئیسم، کنفیوس، و بودائیسیم نشأت می‌گیرد. تفکر و هنر جامعه غرب بیشتر از دین مسیحیت و عصر خردورزی آن دوره ناشی می‌شود. سرزمین ایران ما بین این دو تمدن، دارای تمدن خاص خود یعنی تمدن اسلامی است.

در دوره ایلخانی به سبب فتح ایران و چین بوسیله ایلخانان مغول دو تمدن ایران و چین از لحاظ مراوده فرهنگی تا حد زیادی به هم نزدیک شدند. نگارگری ایران در این دوره تحت تأثیر هنرمندان و نقاشی چینی قرار می‌گیرد و نقش مایه‌هایی از نقاشی چینی را به خود جذب می‌کند و از عناصر نقاشی چینی در ساخت و ساز نگارگری استفاده می‌کند. ولی هیچ‌گاه در نقاشی چینی ذوب نمی‌شود بلکه هویت مستقل به خود می‌گیرد. از طرفی با بررسی معدود نگاره‌های به جا مانده از این دوره ردپای نقاشی بیزانس هم در اینجا دیده می‌شود. این مقاله بر آن است با بررسی تفکرات حاکم بر سه تمدن چینی، بیزانسی و اسلامی به بررسی تطبیقی مستقل نگارگری دوره ایلخانی بپردازد.

واژگان کلیدی: نگارگری، بیزانس، نقاشی چینی، ابر، ازدها

بررسی زیبایی‌شناسی معراجنامه ایلخانی با رویکردی بصری و نماد شناسانه^۱

لاله شمسی^۲

معراجنامه کتابی است که به روایت داستان معراج جسمانی و روحانی پیامبر اکرم(ص) می‌پردازد؛ که هنرمندان مسلمان ایرانی به نسخه برداری و نگارگری مضامین تصویری آن پرداختند. هنر نقاشی ایران در حدود سده های هفتم هجری قمری تا سده‌ی یازدهم از اوج و فراز خاصی در رنگ و فرم برخوردار بوده است. رقع‌های معراجنامه‌ی ایلخانی که در این مقاله مورد بحث و بررسی زیباشناسانه قرار گرفته، در این دوران تصویر شده است.

معراجنامه ایلخانی در دوران حکومت ابوسعید ایلخان در تبریز تصویرسازی شده است. در دوران بعد، معراجنامه های دیگری همچون معراجنامه‌ی میرحیدر در دوره‌ی اول مکتب هرات تصویر شده است. ساختار نقاشیهای این معراجنامه دارای استحکام فرم، رنگ و ترکیب بندی است و تفاوت اساسی با سایر نگارگری های آن دوران دارد. در این معراجنامه ما با شیوه ای خاص در نگرش به فرم و رنگ مواجهیم که مایه های طبیعت پردازانه آن چشمگیر بوده و شیوه درشت پیکره از خصوصیات بارز آن می‌باشد. تأثیرات هنر نقاشی چین و بیزانس در ترسیم پیکره ها به وضوح قابل مشاهده است. این تأثیرات به شکل ظریفی در بطن رقع‌های معراجنامه حل شده است، فراز های دقیقی که هنرمند این رقع‌ها، از این روایت استخراج کرده و به مصور سازی آن پرداخته، منحصر به فرد است که نشانه هوشیاری بصری این هنر مندان در مواجهه با این روایت است. به هر شکل این رقع‌ها زمینه ساز پیدایش آلبوم های معراجنامه پس از خود بودند. در ضمن باید گفت که زیبایی بصری نگاره های این معراجنامه چنان است که نگارنده را بر آن

۱- این مقاله از رساله‌ای در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان (بررسی زیباشناسانه نسخ مصور معراجنامه) استخراج گردیده است

۲- کارشناسی ارشد نقاشی از دانشگاه تربیت مدرس

داشته که درخشش زیبایی بصری آنها را مورد بررسی قرار بدهد. همچنین ویژگی‌های نمادین نیز بطور خلاصه زینت بخش بحث خواهد بود.

مقدمه

سفر معراج دعوتی الهی است که بر پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد(ص) فرستاده شده است. این سفر به عنوان اقدامی رفیع برای یقین پیامبر و امت اسلام قرار داده شده، زیرا که پیامبر به کلام خداوند ایمان داشته است ولی به عینه حضور در جهنم و بهشت را حس نکرده بود. هدیه سفر معراج پیامبر اکرم(ص) برای امت اسلام روایات و احادیثی است که موجب حیرت و یقین بیشتر مسلمانان گردید و باعث شد که آنها حقیقت اعمال خوب و بد خود را حس کنند.

معراج، در لغت به معنی بالارفتن و صعود کردن است و در اصطلاح به واقعه عروج پیامبر اکرم(ص) اشاره دارد. خداوند در قرآن (سوره اسرا) می فرماید «سبحان الذی أسرى بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی مسجدالاقصى». این است معراج ظاهر. حضرت آدم را «أهبط» یعنی فرود آمده گویند و رسول اکرم را «أصعد» به معنای صعود کننده.

حال پس از تعریفی کوتاه در مورد پدیده معراج، باید گفت که معراجنامه شرحی است که به صورت نثر و یا نظم درباره‌ی پدیده معراج پیامبر نوشته شده است. لازم به ذکر است که بعضی از نسخ به تنهایی روایت کاملی از معراجنامه هستند و بعضی نیز در درون متون ادبی، روایت و تصویر سازی شده اند مانند خمسه ی نظامی.

تعداد معراجنامه های منثور و منظوم زیاد است؛ به عنوان مثال نظامی گنجوی حدوداً ۱۰ قطعه شعر درباره‌ی معراج پیامبر اکرم سروده است اما تعداد معراجنامه‌های مصور شده محدود است. دو نسخه معراجنامه وجود دارد که به صورت آلبوم مجزا تفکیک شده است، یکی معراجنامه ای است که در دوره ی ایلخانان در تبریز به سال (۷۱۸ - ۷۳۵ ه.ق) مصور شده است. معراجنامه مذکور در کارگاهی که هنرمند جلیل القدر ایرانی «استاد احمد موسی»، سرپرستی آن را

برعهده داشته، مصور شده است و دیگری، معراجنامه ای است که در زمان حکومت اسکندر سلطان در هرات به سال (۸۴۳ ه.ق) نگاشته و مصورسازی شده است. در مورد این معراجنامه اطلاعات مکتوب و مستند زیادی وجود ندارد و آنچه دستمایه تحقیق نگارنده قرار می گیرد رقعہ های نگارگری شده می باشند

این پژوهش بر مبنای فرضیات ذیل شکل گرفته است

الف) زیبایی شناسی معراجنامه احمد موسی تفاوت‌های شگرف را برای اولین بار در فضای تصویر سازی مذهبی مطرح می‌سازد. این فضا از لحاظ ویژگی های بصری و نمادین از نسخ ماقبل خود مثل جامع التواریخ برجسته تر و پخته تر است.

ب) کارگاه نگارگری استاد احمد موسی در دوره ایلخانان مسیر نقاشی ایران را تغییر داد و آنچه امروز به عنوان سبک نگارگری ایران مطرح است، حاصل تلاشها و نوآوریهای این استاد عالیقدر می باشد.

ج) نگاه به فرم در بیشتر تصاویر از منظر واقع گرایی است.

د) تلفیق منظر واقع گرایی و ساده سازی سبک نگارگری ایران را غنا بخشیده است، و بررسی آثار این معراجنامه باعث شده که قدمهای این نگارگران، بطور دقیق و موشکافانه‌ای بررسی شود.

ه) نمادهای مورد استفاده در این معراجنامه سهم بزرگی در انتقال بار عرفانی معراجنامه دارند. این نمادها در معراجنامه های بعدی نیز دیده می شوند.

پرسشهای پژوهش

الف) دیدگاه نگارگران کهن در مورد کشف ویژگی های فرم در رابطه با فضای واقع گرایانه چگونه بوده است؟

ب) چه معیارهایی برای تعیین زیبایی شناسی این معراجنامه وجود دارد؟

ج) معیارهای زیبایی شناسی معراجنامه تا چه حد برای تعیین زیبایی شناسی مکتب تبریز راهگشاست؟

د) درخشش نماد های مذهبی در معراجنامه تا چه حدی است؟

اهداف پژوهش

از اهداف زیربنایی این پژوهش، شفاف سازی و رفع ابهام در مورد زیبایی شناسی حاکم بر معراجنامه مذکور است که به علت کمبود پژوهشهای عمیق و مستقل راجع به رقعہ های معراجنامه به وجود آمده است؛ زیرا که آنچه به عنوان متن موجود در ارتباط با معراجنامه وجود دارد، اشاراتی مختصر در تاریخ هنر به نام و موجودیت این رقعہ هاست، که توسط مستشرقین در مورد نگارگری ایران نوشته شده است. این مقاله تلاش دارد که جلوه های درخشان رقعہ های معراجنامه را از لحاظ بصری مورد مطالعه قرار داده و از طریق طبقه بندی رقعہ ها و تحلیل کیفیات بصری آنها به کشف دیدگاههای نگارگران کهن بپردازد و بازتاب تفکر الهی و خلوص باورهای آنها را در آثار مصورشان جستجو کند.

در این مقاله همچنین سعی شده است ابتدا به پدیده معراج رسول اکرم (ص) و خصوصیات آن و سپس به استخراج معیارهایی از زیبایی شناسی مکتب تبریز و معراجنامه احمد موسی پرداخته شود.

پیشینه پژوهش

در حال حاضر در مورد معراجنامه پژوهش های زیادی انجام گرفته و در آستانه همایشها بحثهای گوناگون توانسته بسیاری از ابهامات در مورد آن را روشن کند اما در مورد ارتباط آن با مکتب پر بار تبریز اول در «ربع رشیدی» پژوهش های عمیقی در دست نیست، پس تمرکز نگارنده بر معراجنامه باعث شد تا از طریق پیشینه شناسی فرم شناسانه و نمادگرایانه به بازگشایی افقهای جدید در مورد این اثر ارزنده پرداخته شود

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق در این نوشتار بر اساس مطالعه رقعہ های نگارگری شکل گرفته و از طریق پیشینه شناسی نقوش و فرمها و روشهای طراحی فیگور ها به مستندات ارزنده ای دست یافته شد.

واژگان کلیدی: زیبایی شناسی، نگارگری، معراجنامه، نسخه، رقعہ، مصور، نماد

بررسی نگاره‌های نسخه خطی مقامات حریری مکتب تبریز دوران ایلخانی

مهناز شایسته‌فر^۱

نگارگری ایرانی - اسلامی تجلی‌گاه جمال خداوندی است. اصول این هنر ملی در طی سده‌های متمادی به صورت زنجیروار به تکامل و پالایش رسیده است. جلوه‌گاه این هنر کتبی است که امروزه تعداد معدودی از آنها به دست ما رسیده است. در حقیقت زادگاه نگارگری ایرانی - اسلامی همانا «کتاب» است و این امر نشانه‌ای از تقدس و احترام نسبت به کتاب و کتابت در دین اسلام است. نخستین سبک منسجم نگارگری ایرانی مکتب نگارگری تبریز ایلخانی یا مکتب مغول است. گروهی از نگاره‌های این مکتب ارتباطی مستقیم با دین دارند و جالب آنکه با توجه به تنوع و آزادی دینی در آن دوره از تاریخ ایران، نگاره‌ها نیز تجلی‌گاه قصص و داستان‌های مذهبی ادیانی چون بودای، یهودی، مسیحی و اسلام است. از جمله آثار قابل توجه در این دوران، نسخه‌های متعدد مقامات حریری است که یکی از نمونه‌های بارزش آن نسخه محفوظ در کتابخانه بودلیان آکسفورد به تاریخ ۷۳۸/۱۳۳۷ است. در این مقاله سعی بر آن است تا با مطالعه مکتب ایلخانی، نگاره‌های بدست آمده از مقامات حریری در دوران ایلخانی، از لحاظ محتوا و ویژگی‌های سبکی بررسی شود و نیم‌نگاهی هم به صورت مقایسه‌ی سبک و موضوع با نگاره‌های مشابه مقامات حریری مکتب بغداد صورت پذیرد. جهت رسیدن به اهداف فوق سئوالاتی مطرح شده است.

۱- چه تعداد از نسخ مقامات حریری در دوران ایلخانی مصور شده است؟

۲- نگاره‌های بدست آمده از لحاظ فرم، محتوا و ویژگی‌های سبکی دارای چه

خصوصیاتی است؟

واژگان کلیدی: نگارگری، ایلخانی، مقامات حریری، مکتب تبریز

پیوند میان منظره سازی دوره یوآن چین و منظره سازی در دوره ایلخانی

مریم یادگاری^۱

در این مقاله هدف، بررسی و تطبیق نقاشی نقاشان چین در دوره یوآن و نگارگریهای نقاشان ایرانی در دوره ایلخانی مغول است. سپس پیدا کردن اشتراکهایی بین نقاشی ایرانی و المانهای چینی و نشان دادن تفاوت‌های بین تابلوهای ماهرانه نقاشان چین و تصویرسازیهای ناب نگارگران ایرانی. بطور کلی در یک نگاه اجمالی تفاوت بسیاری را بین این دو شاهدیم ولی با مطالعه روی آنها دریافت خواهیم کرد که نگارگر ایرانی هم به روش خود از نقشمایه های چینی استفاده کرده (بخصوص که در دوره ایلخانی هم تعدادی نقاشان چینی در دربار ایلخانی به نقاشی می پرداختند). و برآنم که نشان دهم کار نقاشان چین کاملاً متفاوت از کار نقاشان ایرانی است تنها نقاشان ایرانی عناصر ریز نقش هنرهای مختلف چینی را به وام گرفتند و آنرا با خصوصیات زیبایی شناسی فرهنگ خود دمساز کردند.

مقدمه:

موقعیت نامساعد اقتصادی، ازدیاد نفوس ویدی آب و هوا، اقوام آسیای مرکزی راهمواره به مهاجرت و امی داشته است. و این حرکتها در دو جهت صورت میگرفته است:

اول مهاجرت به جنوب که باعث تشکیل دولتهای مختلف در چین گردید، دوم مهاجرت به غرب که در دو سوی شمال و جنوب دریای خزر انجام می شد. (سازمان نقشه برداری ایران - اطلس ایران)

سلسله یوآن توسط مهاجمان مغول تاسیس گردید و تا سال ۱۳۶۸ میلادی بر چین مسلط بود اما با اینحال تاثیری عمیق بر فرهنگ این سرزمین و مخصوصاً بر هنر نقاشی گذاشت. (هلن گاردنر - تاریخ هنر)

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

و سلسله ایلخانی توسط مغولان در ایران تاسیس شد، ابتدا مراغه سپس تبریز را پایتخت خود قرار دادند و در این دوره نیز هنرمندان از طرف دربار حمایت می‌شدند.

روح حاکم و فلسفه و تفکر نقاشان چینی و نگارگر ایرانی کاملاً متفاوت بوده است. نقاش چینی دغدغه کشیدن منظره را دارد. و نیز چون در دوره یوآن چین مغلوب حاکم مغول شده بود و یک حاکمیت غیر چینی بر آن مسلط بود، دانشمندان نقاشان به دو دسته تقسیم شده بودند، عده‌ای کناره‌گیری کرده و عده‌ای نیز شرایط جدید را پذیرفتند، بنابراین منظره‌سازی در این دوره متأثر از شرایط تحت سلطه آن زمان بود. که نقاش منظره‌ها را محوتر رنگها را خاموش‌تر و زمینه‌ها را بسیار خالی و فضاهای خالی بسیار در کارشان دیده میشود.

و اما در تصاویر نسخه‌های جامع التواریخ، منافع الحیوان و سپس شاهنامه دموت که مربوط به دوره ایلخانی می‌باشد، شاهد نقشمایه‌ها و عناصر چینی متاثر از آثار هنری چینی هستیم.

بخشهای مقاله:

موضوع‌های نگارگری اسلامی، موضوع نقاشیهای چینی، ایلخانیان، دودمان یوآن، تفاوتها و شباهتها

روش تحقیق:

موضوعهای نگارگری اسلامی از آغاز مسائل علمی و پزشکی و ستاره‌شناسی بوده است.

تأثیر پذیربها از چین و بین‌النهرین و موضوعهای مسیحی بوده است. هرچند که نقاشیهای ایرانی در بستر مینیاتور محدود نمیشود و ما نقاشیهای دیواری هم در تاریخ نگارگری ایران داریم ولی تعداد آنها بسیار اندک است و در این مقول نمی‌گنجد.

بطور کلی نگارگران ایرانی متصف به تاءثیرات تزئینی هستند و آگاهانه قصد بازگوئی یک داستان را دارند. (آرتور پوپ، آشنائی با مینیاتورهای ایران، ترجمه حسین نیر)

نتیجه گیری:

اینکه نگارگرهای ایران متأثر از عناصر چینی است بی هیچ تردیدی درست است. او (نگارگر) موضوع داستان را پیش روی خود داشته و با شهامت کار کرده است. تمام صفحه را پر میکند، خطها اکثراً ضخیم و رنگها مات و چند لایه هستند. کوه نقاش چینی را برداشته ولی بسیار خامدستانه کار کرده است. در صورتیکه می خوانیم نقاش چینی دوره یوآن برای کشیدن منظره شاید سه سال برای آن زمان گذاشته است.

این ساده انگاریها در نگارگریها برای من یک تصویر سازی (illustration) غنی می باشد که خلوص ایرانی بودن خود را حفظ کرده است. و نقاش چینی هم بسیار ماورائی به موضوعات کار خود می نگرد.

نقاش ایرانی در مقابل نقاش چینی مادی تر و دنیوی تر میباشد. مانند هنر غرب در مقابل هنر شرق. یعنی هرچه به سمت غرب میرویم وجود انسان برای هنرمند ملموستر و مهمتر شده و در آثار خود بیشتر به آن می پردازد.

واژگان کلیدی: نقاشی، یوآن، منظره سازی، ایلخانی، نگارگری

تأثیرپذیری نگارگری مکتب تبریز از نقاشی چینی و تفاوت آنها

ملکه گل‌مغانی زاده اصل^۱

نقاشی ایرانی دارای ویژگی منحصر بفردی بوده و دارای حد اعلا‌ی بیان هنری است. موضوع نقاشی ایرانی در ارتباط تنگاتنگ با داستانهای حماسی و مملو از اندیشه‌های عرفانی است. هنرمند ایرانی به استفاده از خط بیشتر علاقمند بوده و تمام زمینه کار را با رنگ می‌پوشانده، آن هم رنگهایی پرتضاد و درخشان که هماهنگی شگفت‌آوری داشته است. هنرمند ایرانی اگرچه در طول تاریخ سعی کرده بیشترین عناصر ایرانی را در آثار خود حفظ کند اما تأثیراتی را نیز از هنرهای دیگر پذیرفته است. عبارتی هنرمند ایرانی در وهله نخست عناصر قوی ایرانی را در نقاشی‌های خود حفظ کرده ولی در مرحله بعدی سعی نموده خصوصیات و عناصری را از فرهنگهای دیگر در ترکیب بندیهای خود بکار برد. این تأثیرپذیری در مکتب تبریز نیز نمود پیدا کرده و خودنمایی میکند.

در این مقاله سعی خواهد شد عناصر برگرفته از هنر چینی در نگارگری مکتب تبریز بررسی و تفاوت‌های موجود بین این دو سبک هنری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ایران، نقاشی، تبریز، چین.

۱- کارشناس ارشد پژوهش هنر- سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اردبیل

تجلی هویت ایلخانیان در مضامین تصویری شاهنامه دموت

فتانه محمودی^۱

رابطه هنر و هویت از مسائلی است که در نظام های هنری مختلف کمتر مورد توجه قرار گرفته علی رغم اینکه با تعمق و مطالعه در آثار هنری می توان به شناخت هویت فرهنگی اقوام و ملل مختلف دست یافت. سنتها، عقاید و اعتقادات هر ملت در این آثار تجسم یافته و و از طریق هنرمند به مخاطب و دیگر اقوام انتقال می یابد. از ملاحظه تصاویر کتابهای مصور دوره ایلخانی می توان به این امر پی برد که مغولان باعث پیوندهای فرهنگی ایران با شرق و غرب شدند. استیلای مغول بر ایران نقطه عطفی در تاریخ نقاشی این سرزمین بود و نقاشان عمدتاً به کار تصویر کردن کتب گماشته شدند. نگارگری این دوران پیوندی محکم با شعر فارسی داشت و کتاب نگاری در زمینه های علمی و تاریخی رونق گرفت. متن دربردارنده واژه گان یا نشانه های بصری است که ذهن خواننده را به رمزگشایی، ترکیب و ساخت معانی هدایت میکند. با مطالعه این متون تصویری و مضامین آنها می توان به موقعیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران در زمان تسلط ایلخانیان دست یافت. نظر به اینکه شاهنامه «دموت» به لحاظ بیان حالت، گلچین شیوه ها، اجرای استادانه و انتخاب مضامین یکی از منابع غنی و قابل توجه این دوره است لذا تعدادی از نگاره های این کتاب جهت بررسی موردی در نظر گرفته شده اند. در نگاره های این شاهنامه سنتهای ایرانی و بین النهرینی با سنتهای خاور دور در آمیخته شده اند. تصویرگران شاهنامه دموت در بیان مضامین قهرمانی و سوگ به نتایج قابل توجه دست یافتند. هدف این تحقیق شناخت هویت هنر دوره ایلخانی با نگرشی بر مضامین تصویری و روابط بینامتنی در واژگان و فرمهای تصویری تعدادی از نگاره های شاهنامه دموت است، لذا تحقیق در مورد باورهای دینی و

۱- عضو هیات علمی دانشگاه مازندران و دانشجوی دکتری پژوهش دانشگاه تربیت مدرس

فرهنگی تبریز در دوره ایلخانی و تأثیر پذیری از دیگر فرهنگ‌ها به ویژه چین، که از جمله متغیرهای علی می‌باشند، امری ضروری بنظر می‌رسد. از دیگر اهداف این تحقیق، بررسی متغیرهای توصیفی مانند: نقشمایه‌های متعدد در نگاره‌ها، روایت داستانهای دینی، حماسی و ادبی و روابط بینامتنی آنها می‌باشند. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است. ابتدا موقعیت اجتماعی، فرهنگی، دینی و سیاسی دوره ایلخانی بررسی و سپس رد پای سنتهای دوره در آثار نگارگری آنان در چند تصویر از شاهنامه دموت بررسی می‌شوند و از طریق تحلیل محتوای این نگاره‌ها و مضامین آنها به شناخت هویت هنری دوره پرداخته می‌شود. گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای، منابع مکتوب، شفاهی، تصویری و الکترونیکی صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: هنر و هویت، نگارگری ایلخانی، مضامین شاهنامه دموت،

روابط بینامتنی

تعامل هنرها و نگارگری در دوره ایلخانی

آمنه رحیمی
علی نعمتی بابایلو^۱

بی شک انسجام حکومت در هر دوره‌ای باعث بروز خلاقیت‌های هنری شده و رنگی یکسان بر همگی آنها خواهد زد. پس از سر و سامان گرفتن اوضاع نسبی مملکت بعد از حمله مغول و اسلام آوردن فرمانروایان ایلخانی، هنر ایران دیگر بار اوج گرفت. هنرمندان این دوره در در یک همکاری متقابل آثار خود را از حیطه شخصی بیرون آورده و یک حرکت هنری مشخص را در اجتماع آن روز شکل دادند. این تعامل در نمونه‌های فراوانی دیده می‌شود.

بررسی نسخ خطی مصور این دوره تصاویر بسیاری از ابنیه را مطابق با واقعیت می‌نمایاند، در خوشنویسی، شاگردان یاقوت نه تنها بر روی کاغذ خطاطی می‌کردند بلکه کتیبه‌های آثار معماری را هم نقش زده‌اند. هنرمندان کاشی‌کار به صورت مشترک با نقاشان به ساخت کاشی می‌پرداختند. تلفیق هنر گچ‌بری و تذهیب در اکثر آثار دیده می‌شود. در همه نمونه‌ها فرم کلی و طراحی نقوش و روح حاکم بر آنها همواره یکی است.

واژگان کلیدی: ایلخانی، تزئین، نقوش، نگارگری، معماری

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

حرکت و بیان در نگارگری دوره ایلخانان

محمد اعظم زاده^۱

تحرك و پویایی همراه با نوع بیان، از جمله مواردی است که در اغلب آثار تصویری هنرمندان سرزمین ما منعکس شده است، اما شیوه بیان و تأثیر حالات درونی آثار، همواره مخاطب را به یک اندازه متأثر نمی سازند. تلاش برخی از تصاویر در دوره های متعدد نگارگری ایران برای انتقال این بیان درونی، بیشتر و عمیقتر بوده است شاید در این باره از نگاره های مکتب هرات و صفوی یاد نمایم اما واقعیت آنست که شالوده این «تحرك، پویایی و شیوه انعکاس بیان» مدیون کتب تصویری دوره ایلخانی است نظیر نگاره های منافع الحيوان این بختیشوع، کتاب تصویری چهار جلدی جامع التواریخ (که به همت رشید الدین فراهم گردید)، شاهنامه دموت و معرا جنامه مصور این دوره که همگی به شایستگی به انواع بیان و حالات تصویری پرداخته اند و نگارگران این دوران سعی نموده با اقتباس از هنر بیزانس، چین و آسیای مرکزی به هویت خاص خود دست یابند.

در مقاله حاضر، نگارنده تلاش دارد عنصر بصری حرکت، پویایی و انواع بیان درونی را در تصاویر این دوره همراه با اسناد تصویری بررسی نماید. واژگان کلیدی: بیان تصویری، هویت، سنت نگارگری، هنرمند

۱- عضو هیات علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه ملازندان

زیبایی شناسی ساختار و رنگ در دیوان خواجهی کرمانی. اثر جنید

میترا پیشوازاده^۱

در پی استیلای جلایریان بر قلمرو ایلخانان، و انتخاب بغداد و تبریز بعنوان پایتخت، بغداد (مجدداً) به یک مرکز هنری فعال بدل شد و نگارگران بغداد، راه نقاشان تبریز را ادامه دادند. بدینگونه، روند تجربیاتی که از اوایل سده هشتم آغاز شده بود، در بغداد و تحت حمایت سلطان احمد جلایر، به انجام رسید و نقاشی ایران در میانه‌ی سده هشتم، بسیار شکوفا گردید. در این زمان هنرمندان به گونه‌ای متمایز، و به شیوه‌ی نو، به مصور کردن متون علمی، تاریخی و ادبی پرداختند؛ از آن میان، بررسی دیوان خواجهی کرمانی - شاهکار نگارگری مکتب جلایری - اثر جنید، گزینش این مقاله است. نگاه ویژه‌ی مقاله، به مثنوی عاشقانه‌ی همای و همایون خواهد بود. در تصویرگری این داستان تغزلی، برای نخستین بار بین متن و نقاشیها، هماهنگی و توازن کاملی ایجاد شده است. زیبایی شناسی ساختار بصری و رنگ، در نگاره‌های این اثر، موضوع نوشتار حاضر را شکل می‌دهد.

پدیده رنگ، یکی از جلوه‌های بصری است که در فرهنگ و هنر ایرانی دارای تفسیرهای عرفانی و ابعاد زیبایی شناسانه گسترده‌ای می‌باشد، و هر رنگی به زبان و بیانی خاص در می‌آید. مبحث رنگ و ماهیت و کیفیت آن، همواره مورد توجه نقاشان بوده و تجلی ویژه‌ای در هنر نگارگری ایران داشته است. در نگاره‌های همای و همایون که از زیباترین نگاره‌های تاریخ نقاشی ایرانی است، هنرمند، باگزینه رنگی وسیع و ترکیب بندی سنجیده، جهانی خیالی و مسحورکننده، همپای دنیای افسانه‌ای شاعر آفریده است.

در روند پژوهش، هدف مقاله در دو مرحله صورت خواهد گرفت. ابتدا به روش نقد بینامتنی، با رویکرد توصیفی، به خوانش نسخه نگاره‌ی جنید و مطالعه

۱- دانشجوی دکتری زبان شناسی و مدرس دانشکده هنر دانشگاه الزهرا و دانشگاه علم و فرهنگ



تطبیقی آن با متن اشعار دیوان خواجوی کرمانی می‌پردازد تا آشکار سازد، متن دیداری، نسبت به متن ادبی تا چه اندازه وفادار بوده و چه میزان نوآوری داشته است. سپس ویژگیهای نگاره‌ها، به لحاظ زیبایی شناسی فرم و رنگ، مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: شعر، نگارگری، زیبایی شناسی، ساختار بصری، بیان تصویری، رنگ و فرم

سمبولیسم رنگی در نگاره های مکتب تبریز با نگاهی به نگاره های شاهنامه دموت

فریبا کنگاور نظری^۱

مکتب هنری ایلخانی (تبریز) از آنرو حائز اهمیت است که محل تلاقی فرهنگها و هنرهای غربی و شرقی با هم و از سوی دیگر سرآغاز عصر هنر ایرانی است. ماهیت هنری که در این مکتب در ابعاد مختلف مجال بروز و ظهور یافته، متأثر از شرایط، سرعتی مضاعف به پیشرفت هنر به معنای عام و نگارگری به معنای خاص داده است. نگاره ها در این دوره به حس و حالات عاطفی بیشتری تمایل دارند و در همین راستا رنگها روایتگر این حس هستند و فعلیت یافتن استعدادهای بالقوه و گشودن روزنه های جدید ابداعات فنون ترکیبی و بهره گیری کامل از تمام پتانسیلهای هنری از جمله کارکرد «رنگ» شکلی نوین به خود گرفته است. این سؤال همواره در ذهن متبادرمی شود که آیا رنگها صرفا پوششی برای نگاره ها هستند یا آنکه کارکردی مجزا و مفهومی برای خویش دارند؟ بدون شک رنگها صرفا یک پدیده فیزیکی طبیعی نبوده و دارای ساختار فرهنگی و بلاغی پیچیده ای می باشند. مکتب هنری تبریز در دوره ایلخانی و در ادامه آن در عهد صفوی توانسته است با حضور نگارگران خلاق آثار به یاد ماندنی و بی نظیری را در این عرصه ارائه نماید که رنگها در آن از زبان و بیان شیوایی برخوردار باشند. شاید بیراه نگفته ایم اگر بیان کنیم که مکتب ایلخانی (تبریز) توانست در دوران پس از قرون وسطای مسیحی در کاربرد نمادین رنگ به طرح ایده های خلاقانه ای بپردازد که دنیای هنر غرب تا آن عصر با آن بیگانه بود. بهره گیری کامل از دنیای پر رمز و راز رنگ و زبان سمبلیک آن در هنر نگارگری توانست بر خاموشی رنگ خط بطلان کشیده و چنان انقیادی میان هنر، ادبیات و عرفان ایجاد کند که تأثیری دو سویه بر هم داشته باشند. نوشتار حاضر به دنبال بررسی دنیای سمبولیک رنگ در نگاره های مکتب تبریز است تا بتواند روزنه‌ای در این بحث بگشاید.

واژگان کلیدی: سمبولیسم، رنگ، نگاره

۱- دانشجوی دکتری هنر در فرانسه و عضو هیات علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز



شاهنامه فردوسی یکی از منابع تاریخ ایران باستان در جامع

التواریخ رشید الدین فضل الله

مؤگان خیرالهی از ناوله^۱

جامع التواریخ اثر جاودان خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر دربار ایلخانان مغول، یکی از بزرگترین منابع مطالعه مغولان و ایلخانان و همچنین ایران در عصر ایلخانان در زمینه های مختلف از جمله هنر آن دوره می باشد. بخش اول این اثر بزرگ که به فرمان غازان خان توسط خواجه رشید آغاز شده بود چندی پس از مرگ او در سال ۷۰۴ ه.ق. با عنوان تاریخ مبارک غازانی به اتمام رسید و جانشین او اولجایتو در فرمانی دیگر به خواجه مأموریت تألیف اثر دیگری را داد: «تاریخی که مشتمل باشد بر احوال و حکایات عموم اقالیم عالم»^۲. این کتاب در تاریخ ۷۱۰ ه.ق. به اتمام رسید. محققینی که در باره جامع التواریخ و یا ایلخانان مغول در ایران مطالعه و تحقیق نموده اند از منابع زیادی که خواجه در تألیف این اثر عظیم بهره برده است نام برده اند از جمله: اسناد محرمانه مغول، کتابهای در تاریخ چین، مها بهاراتا، تحقیق مالالهند، گفته های شفاهی دانشمندی با ملیت های مختلف که در ربیع رشیدی و رصد خانه مراغه گرد هم آمده بودند، تاریخ طبری، تاریخ عتبی، راحه الصدور، تاریخ جهانگشای جوینی و منابع شفاهی. اما هیچ کدام به حماسه بزرگ حکیم ابوالقاسم فردوسی که بی شک از مهمترین منابع باقی مانده از تاریخ اساطیری و باستانی ایران_ و بازمانده کتب از میان رفته ای مانند خدای نامه است و خواجه رشید الدین نیز با آن بیگانه نبوده نام نبرده اند. در این مقاله با بررسی یازده نگاره مربوط به ایران پیش از اسلام از جامع التواریخ موجود در کتابخانه دانشگاه ادینبورگ به این سوال پاسخ داده خواهد شد که آیا شاهنامه فردوسی به عنوان یکی از منابع تاریخ ایران باستان برای جامع التواریخ رشید الدین فضل الله همدانی می تواند مطرح باشد یا نه؟

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- رجب زاده، هاشم (۱۳۷۷). خواجه رشید الدین فضل الله. تهران: طرح نو، صفحه ۳۲۸.

طبیعت در نگارگریهای مکتب تبریز (مغول) و نگاره‌های چینی در دوره یوان و پیوند میان آنها

رعنا قهرمانی^۱

طبیعت از دوران پیش از تاریخ تا دوران معاصر، جزو یکی از مهمترین موضوعات هنرمندان و شاعران و متفکران و ... در سراسر دنیا بوده است، چرا که این پدیده یکی از مهمترین و اولین فضاها و عناصری است که بشر در زندگی خود با آن مواجه گردیده است.

در تمام ادوار تاریخ، بشر به عناوین مختلف تمام ترسها، نیازها و احساسات درونی و ... خود، در ارتباط با این پدیده را به ثبت رسانیده است که با مطالعه ی این آثار می توان به راحتی به نحوه نگرش آنها به طبیعت و زندگی پی برده، تا جائیکه حال می توان مفاهیم تک تک عناصر طبیعت در ادوار مختلف زندگی بشر را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد.

طبیعت از جمله موضوعاتی است که در آثار هنرمندان و شاعران خلاق ایرانی به کرات به آن اشاره شده است و متفکران ایرانی و اسلامی در این مورد به نظریه پردازی پرداخته اند.

طبیعت در تفکرات چینی نیز جزو یکی از اساسی ترین عناصر محسوب می گردد به طوریکه در نقاشیهای هنرمندان چینی، به راحتی غلبه ی این پدیده بر سایر موضوعات دیده می شود.

حمله مغول به ایران و کشور چین تأثیراتی در پیش و روش کار هنرمندان این مناطق گذارده است، همچنین وجود حکومت واحد در این کشورها موجب بعضی تعاملات فرهنگی، اجتماعی و ... گردیده است که مسلماً نمود این تأثیرات و

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

ویرانگریهای حمله مغول را در هنر و ادبیات و ... این مناطق به راحتی می‌توان مشاهده کرد.

بنابراین هنرمند نقاش و نگارگر در این دوره بی‌تأثیر از دستگاه حکومتی و مراودات فرهنگی با سایر کشورهای تحت سلطه مغول نخواهد بود.

به همین دلیل است که در این دوره شاهد تغییرات جالب توجهی در نگارگریهای ایرانی به ویژه در بخش منظره‌نگاری و طبیعت‌پردازی می‌باشیم، چرا که هنرمند ایرانی علاوه بر ویرانگریهای مغول تحت تأثیر هنر زیبای منظره‌پردازی چینی قرار می‌گیرد. البته لازم به ذکر است که عکس این موضوع نیز صادق بوده و هنرمند منظره‌پرداز چینی نیز مسلماً تحت تأثیر افکار و آثار هنرمندان ایرانی بوده است این مسأله به قدری تنگاتنگ گشته که حتی علاوه بر برخی اشتراکات ظاهری در نگاره‌ها می‌توان به پیوندهایی در مورد مفاهیم عناصر مناظر در نظر متفکران این دو کشور نیز اشاره کرد.

طبیعت‌پردازیها و مفاهیم آنها در این دو فرهنگ، با توجه به تأثیرات حمله مغولها مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

در این مقاله سعی شده است که به عناصر طبیعت‌پردازی در نگارگریهای ایران و چین و آراء متفکران و مفاهیم نمادین عناصر طبیعت در هر دو کشور بیان گردیده و پیوندهای موجود در کلمات کلیدی: مغول، ایلخانی، طبیعت، ایران، چین، یوان.

عصر ایلخانی ، آغاز فصلی نو در نگارگری ایرانی

سید محمد مهرنیا^۱

تسخیر ایران توسط ایل خانمان برانداز مغول با ویرانی و قتل و غارت‌های فراوانی همراه بود که در نتیجه آن مهاجمان در زمان کوتاهی تمام سرزمین ایران، بجز خطه فارسی را به ویرانه ای تبدیل نمودند و در این میان فقط هنرمندان و صاحبان حرفه از این قاعده مستثنی گردیدند: چرا که حکمرانان مغولی بر طبق رسوم سنتی خود از همان ابتدا نخبگان و هنرمندان کشورهای متصرف شده را به خدمت گرفته و از آنان حمایت می نمودند. در همین زمان در خاور دور قوبلای خان برادر هلاکو خان، چین بزرگ را متصرف و سلسله یوآن را آنجا بنا نهاد، که از این پس مراودات تجاری و هنری بین ایران و چین فزونی یافته و هنرمندان ایرانی با عناصر تازه ای در نگارگری آشنا گردیدند. هر چند که نگارگری ایرانی وارث نقشمایدهای دوره ساسانی و سلجوقی بود، اما با مشاهده نقاشی های چینی که با تحرک و پویایی فراوانی همراه بوده دست به تغییر و دگرگونی زده و با حرکت‌هایی وافر که عمدتاً بیانگر صحنه های نبرد بودند، به نگرشی نوین در حیطه نگارگری دست یافتند. از عناصری که برای نخستین بار در این دوره به نگارگری ایرانی راه یافته بودند می توان به کوههای اسفنجی، ابرها، تنه درختان پیچیده گره‌ار، خره‌ای تیز و دشتهای بریده اشاره نمود که البته برخی عناصر مانند نقش اثرها و سنت منظره‌سازی چینی همواره برای نگارگری ایرانی نامانوس بوده و یا اینکه در معنایی کاملاً متضاد بکار برده می شدند.

واژگان کلیدی: نگارگری دوره سلجوقی، ایلخانیان، نقاشی چینی، نگارگری

ایرانی



قصص قرآنی به روایت نگارگران مکتب ایلخانی تبریز در جامع التواریخ

مهدی محمد زاده^۱

بیست و پنج صحنه از هفتاد تصویر جامع التواریخ - نسخه ادینبورگ - قصص قرآنی و حوادث صدر اسلام را در یک ترتیب تاریخی که از معجزه حضرت صالح (دومین تصویر نسخه ادینبورگ) آغاز و به صحنه‌ای از هجرت پیامبر اسلام (ص) (سی هفتمین تصویر همان نسخه) خاتمه می‌یابد، به تصویر می‌کشند. هر چند ساختار تصویری و طراحی این صحنه‌ها به وضوح بیانگر تاثیرات هنر چینی و بیزانسی است اما مطالعه محتوایی این آثار نشانگر این مطلب است که مصورسازان مکتب تبریز در عصر ایلخانیان بیش از همه از روایت قرآنی این صحنه‌ها متأثر شده‌اند. از طرف دیگر به نظر می‌رسد نقاشان چند ملیتی تبریز بیش از آنکه برداشتهای شخصی خود را از حوادث ارائه دهند به روایت جامع التواریخ که خود متأثر از منابع مختلف اسلامی و غیر اسلامی است وفادار مانده‌اند. در مقاله حاضر با مقایسه برخی صحنه‌های جامع التواریخ ادینبورگ با «آیات قرآنی» به میزان شباهت روایی آنها با نگرش قرآنی پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: جامع التواریخ، قرآن، نگارگری، ایلخانی

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، دانشجوی دکتری اکول پرتیک سوربن و دانشگاه ژنو

مکتب تبریز (مغول)

محمد معمارزاده^۱

این مقاله به شناسایی مکتب تبریز و تأثیرات هنر چینی در آن می‌پردازد و هنرمندان برگزیده این دوره را با آثارشان معرفی می‌کند: مغولان از سال (۶۵۶ تا ۷۵۶ هـ.ق) بر ایران و عراق حاکم بودند و هنرمندان نیز با شکل‌گیری و قوام حکومت‌شان بویژه در عصر ایلخانیان روی به دربار آوردند. در مورد هنر نگارگری مکتب تبریز لازم است به نقاشی‌های دیواری و کاشی‌های لعابدار عصر سلجوقی اشاره شود که در حقیقت پیش درآمدی است بر عصر مغول و تیموری.

زیرا که اشکال و تزئینات آن کاملاً ایرانی است و با رنگهای متفاوتی که دارد بخوبی از رنگهای مکتب بغداد متمایز می‌شود.

با متولی شدن ایلخانان بر ایران، مرکزیت هنری به ترتیب به سلطانیه، مراغه و تبریز منتقل شد. علی‌رغم خوی سخت و جنگ طلبی این قوم، زمانی که با فرهنگ و هنر ایرانی آشنا شدند، علاقه و شیفتگی خود را در عمل با تغییر نگرش خویش در هنر نشان دادند و گروهی از حاکمان مغول نیز به اسلام و مذهب شیعه گرویدند.

ترویج هنر نگارگری توسط مغولان در ایران با تأثیرات هنر خاور دور همراه بوده است. از کتابهای معروف که در زمان سلطه ایلخانان مغول در ایران مصور شده‌اند می‌توان:

۱- منافع الحيوانات اثر (ابن بختیشوع) اشاره داشت که به امر غازان خان در حدود سالهای (۹۶۰ - ۶۹۹ هجری) در مراغه تحریر و تصویر شده است. این کتاب در کتابخانه مورگان و دارای ۹۴ تصویر می‌باشد.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء



در بعضی از این تصاویر مکتب قدیم بغداد و در برخی دیگر تأثیر و نفوذ هنر چینی آشکار است. که درختها، پیچکها، بوته‌های تزئینی، پرندگان به عنوان وسایل تزئینی، فواصل خالی میان تصاویر و حیوانات را پر کرده‌اند و سبک مخصوص ایرانیان را در فن تصویرسازی می‌رساند.

۲- نسخه‌های متعدد و مصور (جامع التواریخ رشیدی) خواجه رشیدالدین فضل‌الله مورخ و وزیر ایلخان مغول (غازان خان و الجاتیو) رکع رشیدی در حومه تبریز بنا نهاد که در واقع محل هنرمندان و علماء و دانشجویان بود. خواجه مشوق هنر کتاب‌نویسی و فنون مربوط به آن (کاغذسازی، صحافی، تجلید) تذهیب و نگارگری بود.

مهمترین و معروفترین نسخ جامع التواریخ در اختیار انجمن آسیایی سلطنتی در لندن است.

روی هم رفته سبک نقاشی ایرانی در زمان سلطه مغول متأثر از سبک عراق و تلفیق از هنر چینی و هنر نگارگری در ایران است. و نفوذ طبیعت‌گرایی چینی در این آثار زیاد دیده می‌شود. از جمله در ابرهای پیچ و تابدار (تشی) کوه‌های مخروطی شکل و درختان کهنسال گره‌دار حیوانات و جانوران افسانه‌ای، نیلوفرهای آبی از نوع چینی و انسانهای ترسیم شده که به نژاد حاکم تعلق دارند.

یکی از مشخصه‌های بارز میان نگارگر ایرانی و چینی تأکیدی است که هنرمند ایرانی در رنگ‌آمیزی و آرایش منظم بوته‌ها و دسته‌های علف در پس زمینه داشته. از نگارگران این دوره:

محمد علی توسی، استاد احمد موسی، امیر دولتیار، مولانا ولی الله را می‌توان نام برد.

واژگان کلیدی: مکتب تبریز، ایلخانان مغول، جامع التواریخ رشیدی، رشید الدین فضل الله، استاد احمد موسی، امیر دولتیار، مولانا ولی الله، نگارگری چینی

منظره پردازی در نگارگری دوره ایلخانیان

پریسا شاد قزوینی^۱

اگرچه در نقاشی ایرانی عالم خیال و باور هنرمند در ساختار آن نقش دارد ولی نگارگری‌های دوره ایلخانیان از طبیعت پردازی خاصی برخوردار است. از بارزترین نمونه‌های منظره پردازی طبیعت‌گرای این دوره را در آلبوم نقاشیهای پراکنده قرن هشتم هجری می‌توان مشاهده کرد. هنرمند یا هنرمندان این دوره با قدرت و توانمندی به خلق آثاری طبیعت‌گرا پرداخته‌اند که بروز متعالی این منظره‌ها را در مرقع نگارگری آلبوم کتابخانه موزه توپقاپی استانبول می‌توان مشاهده کرد. این مرقع تکه شده شامل مناظر فصلهای مختلف است که با ظرافت و دقت منظره پردازی شده. قدرت طبیعت‌گرای هنرمند در این آثار تا بدان حد است که حتی اصول عمق‌نمایی نیز تا حد چشمگیری به کار گرفته شده است. نکته قابل توجه دیگر آن است که در این زمان حتی در اروپا نیز عمق‌نمایی به صورت علمی، کاربردی فراگیر نیافته بود و پرسپکتیو در منظره پردازی رعایت نمی‌شد. اصولاً منظره پردازی طبیعت‌گرا با مفهومی که در سده‌های بعد در هنر نقاشی غرب مطرح می‌شود در این دوران شناخته نشده بود و جایگاهی نداشت. واژگان کلیدی: نگارگری ایران، صورت‌نگری، طبیعت پردازی، طبیعت‌گرایی، منظره پردازی، عالم خیال، دوره ایلخانیان، موزه توپقاپی سرا، نقاشی چینی

یکی از ویژگیهای قابل‌تامل در نقاشی ایران، تزئین‌گرایی و به‌کارگیری ذهن در خلق اثر است. این ویژگی در طول تاریخ هنر ایران (پیش و پس از اسلام) قابل‌تامل و بررسی است. پر واضح است که پس از اسلام، عنصر خیال پردازی و تزئین‌گرایی در نقاشی ایران قدرتی بیش از پیش یافت و امری قابل توجه به حساب می‌آید.

۱- دکترای فلسفه و علوم هنری، عضو هیئت علمی دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)

وقتی خلاقیت ذهنی هنرمند با عالم خیال و رویای او از یک طرف، و از طرف دیگر با فلسفه وجود و باور دینی او در هم می آمیزد، آثاری به جای می گذارد که جاودانه و ماندگار می شوند. در باور هنرمند ایرانی طبیعت محل تجلی قدرت ربوبی بوده، خصوصاً پس از حاکمیت باور اسلامی بر قلوب هنرمندان این امر معنا و مفهومی متعالی تر یافت و با نگاهی قدسی و ملکوتی به آن نظر شد.

هنرمند مسلمان، خداوند باری تعالی را «خالق من یشاء» دانسته و تنها او را مظهر آفرینش و شکل دادن عالم و موجودات می داند. از این باب هر گونه شبیه سازی و یا تصویرگری واقعگرایانه را که در آفرینش صورت با خداوند یکتا شریک شوند را مظهر شرک می داند و به همین جهت از واقع گرایی طبیعت پرهیز می کند.

اصولاً بر اساس این باور و این عقیده هنرمند نگارگر در صدد آن نبود که منظره را در شکل طبیعت گرایش به نمایش در آورد. اگرچه درخت، گل، برگ، کوه، صخره، دشت، آسمان، ابر و رودخانه از موضوعات مورد علاقه او بود اما در اکثر موارد به صورتی ساده شده و تزئینی با رنگهای درخشان که با خطوط کناره نما دورگیری شده بودند تصویرگری می شدند. این مطلب در آثار صورتگری صدر اسلام و ادوار ما بعد آن قابل تعقیب است.

با این وصف در میان مکاتب هنری ایران می توان به دوره های محدودی اشاره داشت که هنرمند در آن با قدرت و توانمندی به خلق آثار طبیعت گرا پرداخته است. در مکتب بغداد نگارگر طبیعت و حیوانات را تا حدی واقع گرایانه اجرا می کرد ولی اوج این حرکت را در دوره ایلخانیان و مکتب تبریز اول داریم که در آن هنر چینی در نگارگری تأثیری به سزا داشت.

در این مقاله به دو پرسش اساسی پرداخته می شود: ۱ چرا در ادوار مختلف تاریخ اسلام نگارگر و صورتگر مسلمان در آثار خود از طبیعت گرایی پرهیز می کرد؟ ولی در دوره ایلخانیان علاقه به طبیعت پردازی در نگارگری بروز پیدا کرده و با قدرت تمام خود را نشان می دهد؟

در فراز مقاله با استدلات و ارائه مستندات به این سوالات پاسخ داده می شود تا این فرض اثبات شود که اگرچه طبیعت گرایی در نگارگری ایران جایگاه مشخص و معینی ندارد، ولی در مکتب ایلخانیان علاقه و توجه هنرمندان به این امر به گونه ای است که توجه و تأمل بیشتری را می طلبد.

روش پژوهشی این مقاله «توصیفی» است، یعنی آنچه را که هست توصیف و تفسیر می کند و به فرایندهای موجود و روابط بین آنها توجه دارد. در بدنه پژوهش تلاش شده است تا این روش لحاظ شود و تنها در انتهای مقاله برای بیان مصادیق و اثبات فرضیه به تحلیل و توصیف بصری آثاری از دوره ایلخانی پرداخته می شود که منظره پردازی طبیعت گرا دارد.

طبقه بندی مطالب :

- ۱- مقدمه
- ۲- سابقه طبیعت پردازی در نقاشی ایران
- ۳- شیوه تصویرگری کتب در مکتب ایلخانی
- ۴- تحلیلی بر نقاشی های مناظر طبیعت پردازی شده دوره ایلخانی
- ۵- نتیجه گیری

نگارگری مکتب تبریز، انقلاب نقاشی ایران

(تأثیرپذیری نگارگری مکتب تبریز، دوره ایلخانی از نقاشی چینی، مانوی و سایر فرهنگ‌ها)

سلیمان سعیدآبادی^۱

مهران هوشیار^۲

بدون شک دوره ایلخانان مغول از ادوار مهم و سرنوشت ساز در تاریخ ایران است که به ویژه بسیاری از ابداعات و زمینه‌های شکل‌گیری سبک‌های برجسته نگارگری پس از خود را سیراب نموده و دستاوردهای ارزشمندی را نیز به تاریخ بشری اهدا کرده است. مضامین به کار رفته در نگاره‌های دوره ایلخانی که شمار بسیاری عناصر سنتی و هویت ایرانی را در دل خود جای داده است، اگرچه مبین این باور است که نگارگری مکتب تبریز به ویژه در عهد ایلخانان، شاخه هنری جدیدی نیست و تشابهات بسیاری از سبک نگارگری آن دوره در هنرهای اسلامی و نگاره‌های ادوار پیشین نیز وجود داشته، اما از آنجایی که نمونه‌های بارز و مشخص از چنگال بی‌رحم تاریخ (مربوط به ادوار) به دست نرسیده‌اند، اسناد و نسخ به جای مانده از عهد ایلخانی، ارزش و اعتبار ویژه‌ای نزد مورخین و اندیشمندان فرهنگ و هنر ایران زمین دارد.

از سوی دیگر «علاقه به هنر حماسی، مصور کردن کتبی که موضوع آنها گذشته اساطیری ایران باشد و همچنین تحول آن، آفرینش عهد ایلخانان بوده یا دست کم در سده هشتم هجری (چهاردهم میلادی) گسترش بسیار یافته است.» (تاریخ ایران، کمبریج، ۱۳۸۱) که با توجه به مطالعات به عمل آمده، ادله مختلفی را نیز می‌توان برای آن در نظر گرفت که در متن به آن پرداخته خواهد شد و از دیگر ویژگی‌های برجسته نگاره‌های این دوره تاریخی می‌باشد.

اما نکته قابل ذکر و تأمل در این میان که مورد توجه نگارندگان این مقاله است، تصویر مجالس و صحنه‌های خاصی است که در میان آثار برجای مانده، آشکارا

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه سوره

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه سوره

برگرفته از نمونه هایی از فرهنگ هایی هستند که برای مثال یادآور شخصیت ها و شیوه معماری مرسوم در خاور دور و یا حتی سرمشق های مسیحی بوده است و اصول ترکیبی جدیدی را در سبک نگارگری تبریز وارد نموده و مسیر نگارگری ایران را در مرحله جدید و متفاوتی قرار داده است که بدون شناخت ویژگیهای ساختاری، مفهومی و هویتی این تأثیرات، بازخوانی نگارگری و نقاشی ایران حتی در دوره های متأخر آن نیز به کمال قابل درک و فهم نیست.

مسلماً حمله مغول و تأثیر هنر چینی را می توان یکی از عمده خاستگاه های این تأثیرپذیری دانست، ضمن آن که تأثیرات فلسفه و هنر غرب به ویژه هنر یونانی - هلنی و دوران بیزانس را نیز نباید نادیده گرفت. نهایت آن که شاید بتوان نگارگری تبریز را در این برهه از زمان، بنا بر تأثیرات متفاوت جغرافیایی که در فضا و ترکیب بندی، رنگ آمیزی و تزئینات، شخصیت پردازی و شیوه روایت متن و موضوع که در آن مشهود است را دارای خصلت و ویژگی های جهانی دانست.

در این مقاله همچنین میزان تأثیر هنر مانوی بر نگارگری مکتب تبریز از نظر دور نبوده و از الهاماتی همچون تزئینات و «شاخ و برگ های گیاهی هنر مانوی که به گونه ای پایه ای برای تخیلات حیوانی در تصاویر معروف جانوران، نسخه منافع الحیوان ظاهر شده و از این نسخه نمونه ای باشکوه در دست است» (سیر و صور نقاشی ایران، پوپ، ۱۳۷۸) نیز یاد شده است. به هر صورت این ادعا در تاریخ به اثبات رسیده است که نقاشی ایران در سده هشتم هجری تحولی عظیم و انقلابی بنیادی را پشت سر نهاده و سرآمدانی همچون احمد موسی و شمس الدین را به تاریخ فرهنگ و هنر نگارگری جهان معرفی نموده است و همچنین یکی از برجسته ترین شاهکارهای ادبی، تصویرگری تاریخ ایران در آن دوره یعنی شاهنامه دموت (۱۳۴۱ م.) و بیدپای (۴-۱۳۴۳ م.) مؤید این مدعاست. ولذا در این مقاله تلاش شده است تا با مطالعه سوابق، اسناد و تحقیقات به عمل آمده بر روی نمونه های برجای مانده و ارزشمند نگارگری مکتب تبریز در دوره ایلخانی و هنرمندان نامی آن این تأثیر و تأثرات در حد امکان و به نحوی تحلیلی مورد بررسی واقع گردد.

واژگان کلیدی: نگارگری، ایلخانان، مکتب تبریز، شاهنامه دموت، هنر مانوی

ویژگی‌ها و تحولات بصری در نگارگری مکتب تبریز (ایلخانی)

امید عودباشی^۱

عاطفه شکفته^۲

هجوم مغول به ایران و تاخت و تاز آنها بر خاک این مرز و بوم، در ابتدا فاجعه‌ای دردناک را رقم زد، اما با آشنایی آنها با فرهنگ اسلامی و ایرانی و بازگشت آرامش، تحولات بسیاری رخ داد و باعث ایجاد حکومتی در ایران شد که به دلیل ایجاد تحول در فرهنگ و هنر این مرز و بوم و دارا بودن شخصیت و ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد، هنر این دوره به مکتبی شاخص در هنر ایران تبدیل گشت. مرکزیت تبریز به عنوان نقطه آغاز حکومت ایلخانی در ایران باعث شد تا این مکتب به مکتب هنری تبریز معروف گردد.

از هنرهایی که در دوره ایلخانی در ایران بسیار مورد توجه بوده، هنر کتاب‌آرایی یا نگارگری است. این هنر که پس از اسلام و پیش از هجوم مغولان جایگاه ویژه‌ای در کنار ادبیات و خوشنویسی به خود اختصاص داده و دارای ویژگی‌های مشخص و مکتب خاصی شده بود، پس از استقرار حکومت ایلخانی در ایران دستخوش تغییرات بسیاری شد. با نگاهی دقیق به نگاره‌های برج مانده از مکتب تبریز در دوره ایلخانی و مقایسه آنها با نگاره‌های دوران قبل از آن می‌توان به تحولات عمیق و پایه‌ای رخداده در این مکتب پی برد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نگارگری ایرانی در مکتب تبریز از لحاظ ساختار و عناصر بصری دستخوش تغییرات و تحولات بسیاری گردیده که بسیاری از آنها در نتیجه تاثیر فرهنگ قوم غالب و کشورهای نظیر چین و بیزانس، و یا به دلیل تحولات و تغییرات رخداده پس از هجوم، ویرانی و بازسازی است. در این مقاله سعی شده است تا با توجه به بعضی از نسخ و نگاره‌های برج مانده، تحولات و ویژگی‌های بصری نگارگری مکتب تبریز دوره ایلخانی و دلایل رخدادن آنها و نیز عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری این تحولات و ویژگی‌ها معرفی و بررسی گردد.

واژگان کلیدی: هنر ایلخانی، نگارگری، مکتب تبریز(۱).

۱- کارشناس ارشد مرمت اشیاء تاریخی و فرهنگی

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت اشیاء تاریخی و فرهنگی، دانشگاه هنر

ویژگی‌های ساختار بصری قصص انبیاء در نگارگری دوره ایلخانی (کتاب آثارالباقیه)

نغمه بهبودی^۱

مکتب هنری تبریز در دوره ایلخانی، یکی از مهمترین مکاتب نگارگری ایران است. در این دوره، فرمانروایان ایلخانی، با توجه به علاقه‌ای که به هنر نگارگری نشان می‌دادند، برای تفهیم بهتر متون، با مضامین مذهبی، تاریخی و سایر موارد، هنرمندان را مکلف می‌ساختند تا طبق دستور آنان به مصور نمودن کتب بپردازند. از طرفی دیگر با تشویق، تعیین مستمری، خرید کتب و حتی با آوردن هنرمندان نگارگر چینی به ایران و شهر تبریز، باعث گسترش هر چه بیشتر این هنر گردیدند. از مهمترین کتب مصور شده با مضامین مذهبی از جمله قصص انبیاء، کتاب آثارالباقیه، تألیف ابوریحان بیرونی (۷۰۷ هجری قمری) است که در شهر تبریز تحریر و مصور شد. در این کتاب صحنه‌های مختلفی از لحظات زندگی پیامبران راستین، از آن جمله: وقایع مهم تاریخی، صحنه‌های مختلف مذهبی، ملاقات‌های سیاسی، معراج و سایر موضوعات به تصویر در آمده است. با توجه به موارد بیان شده بالا، سؤال اصلی تحقیق اینگونه بیان می‌شود: ویژگی ساختار بصری در کتاب آثارالباقیه، در ارتباط با قصص انبیاء و با توجه به نفوذ عناصر چینی در این هنر چگونه است؟

جهت پاسخ به سؤال تحقیق به روش کتابخانه‌ای، متون مرتبط با موضوع مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان داد که سبک نگارگری در کتابهای مصور شده، از جمله کتاب آثارالباقیه، همان شیوه و اسلوب نگارگری اصیل ایرانی است که فقط جزئی از عناصر چینی به عاریت گرفته شده‌اند، بطوری که نگاره‌های این دوران، با نقاشی‌های چینی همزمان خود به کلی تفاوت داشته است. هنرمندان نگارگر این دوران با ترکیب‌بندی مناسب، نوع پوشش، حالات چهره، بزرگ‌نمایی و سایر موارد مرتبط تا حدودی تلاش نموده‌اند، شیوه نگارگری ایرانی را در تصویرنمایی انبیاء و اولیاء دین بکار گیرند.

واژگان کلیدی: نگارگری، ایلخانیان، انبیاء، کتاب آثارالباقیه، تبریز

۱- عضو هیأت علمی گروه باستانشناسی دانشکده هنر، دانشگاه زابل



هنرهای صناعی



بازشناخت و بررسی خصوصیات هنر گچبری گنبد مقبره ها و مساجد جامع آذربایجان در دوره ایلخانی

بهرز عمرانی^۱

محمد امینیان^۲

رضا شاهپلنگی^۳

هنر گچبری که در سرزمین ایران قبل از اسلام پیشینه‌ای طولانی دارد، در دوره اسلامی در تزیین بناهای مذهبی جایگاه ویژه‌ای خصوصاً در قرون اولیه تا قرون میانی اسلامی پیدا کرد. حدوداً از قرن پنجم هجری قمری علاوه بر حرکت تکوینی این هنر در تزیین گنبدخانه‌های مساجد گسترش کمیته نیز یافت و در اکثر مساجد جامع گستره سرزمین ایران مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در مساجد خصوصاً مساجد جامع واحد سرزمینی آذربایجان نیز زیباترین کارهای هنری گچبری مورد استفاده قرار گرفت.

حمله مغول اگرچه بسیاری از آثار معماری و شهرسازی و هنرهای وابسته به آن را در سرزمینهای شرقی ایران تا مدتی دچار رکود کرد ولی در آذربایجان که تبدیل به مرکز حکومت ایلخانان مغول شد در بسیاری از بخش‌ها خصوصاً در هنر گچبری پیشرفت‌های مورد توجهی را حاصل آورد.

نگارندگان در این مقاله ابتدا روند حرکت تکوینی گچبری محرابهای آذربایجان قرن پنجم و ششم تا انتقال آن به اواخر قرن هفتم و قرن هشتم را بررسی می‌کنند و سپس در بررسی خود علاوه بر بقایای تزیینات گچبری در بناهای دوره ایلخانی مانند گنبد مقبره های گورستان سرخاب تبریز، نحوه هماهنگ شدن تزیینات گچبری دوره سلجوقی و ایلخانی گنبدخانه‌های مساجد جامع تبریز، ارومیه، مرند

۱- استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور

۲- کارشناس ارشد مرمت بناها و بافتهای تاریخی سازمان میراث فرهنگی آذربایجان شرقی

۳- مرمت کار تزیینات وابسته به معماری سازمان میراث فرهنگی آذربایجان شرقی

را ارائه می دهند. در آخر و اصلی ترین بحث ، تکوین کالبد نهایی و تفاوت تزئینات گچبری دوره ایلخانی این بناها را مورد بررسی قرار می دهند.

نگارندگان این مقاله نتیجه مطالعات در بناهای تاریخی دوره ایلخانی استانهای شمالغرب ایران را در زمینه تزئینات گچبری وابسته به معماری که علاوه بر مطالعات کتابخانه ای بصورت میدانی از مستند سازی آغاز کرده و مرمت نموده اند را بصورت مجموعه ای مشترک جمع آوری و تنظیم کرده و اصل مقاله حاصل نتایج این مطالعات می باشد .

بررسی تاثیر هنر چین بر سفالهای دوره ایلخانی

فاطمه حسن پور^۱

هنر سفالگری در دورانهای مختلف تاریخی بیانگر فرهنگ، آداب و رسوم ملل مختلف در هر دوره میباشد. از این روست که به جهت شناسایی فرهنگ گذشته یک ملت هنر سفالگری آنها و نوع نقوش مورد استفاده مورد توجه قرار میگیرد. موضوعی که در این میان بسیار حائز اهمیت میباشد تاثیری است که فرهنگهای مختلف در مقوله هنر در گذشته بر یکدیگر داشته اند. در این مقاله ابتدا به بیان اهمیت و نقش سفال پرداخته شده است، در ادامه دلایل تاثیر هنر چین بر هنر ایلخانیان مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت این تاثیر در زمینه هنر سفالگری ایلخانیان مورد توجه قرار گرفته است.

مقدمه :

سفال و سفالگری درسیر تاریخی و تکامل فرهنگی تمدنها جایگاهی ویژه و بس طولانی دارد. سفال در واقع نخستین محصول هنری و صنعتی مردمان اولیه و حاصل نیاز و شعور آدمی و بکارگیری عوامل طبیعت است و از آنجا که مواد اولیه آن: خاک، آب و آتش (حرارت) در سرزمینهای محل سکونت بشر یافت می شده است. نشانه‌های تولید آن را در تمامی نقاط مسکونی انسان مشاهده می کنیم (رفیعی، ۱۳۷۷، ۱۷)

به اعتقاد محققان در میان تمامی آثار دست ساخته بشری تقریباً سفال تنها اثری است که بعد از گذشت هزاران سال به همان شکل زمان ساخت باقی می ماند و مانند دیگر آثار هنری، همانند فلز، چوب و دست بافته ها نمی پوسد، زنگ نمی زند و اکسید نمی شود و به همین دلیل یکی از مهمترین مستندات باستان شناسی محسوب می شود (کیانی، ۱۳۷۹، ۲)

در این مقاله سعی بر آن شده تا نمونه‌های سفالهای دوره ایلخانی را از لحاظ تاثیرپذیری از هنر چین، روابط ایران و چین در دوره ایلخانی، تکنیکهای مورد استفاده در هنر سفال دوره ایلخانی و ... مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سفال، هنر چین، هنر ایلخانیان

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد صنایع دستی دانشگاه الزهراء

بررسی آثار فلزی دوره ایلخانی و آل جلایری

آزاده مرادی^۱

پیش از دوره ایلخانی صنعتی شکوفا و ماهرانه از مفرغ کاری، نقره کاری مورق با شکلهای دلپذیر گوژکاری شده و رنگارنگ سازی نقره زمینه با مطلا کاری و قلمزنی مینای سیاه در خراسان معمول بود.... در این دوران ناحیه شمال شرق ایران مهد فلزکاری و قلمزنی محسوب می‌شد.

لیکن در دوران ایلخانی کارگاه‌های فلزکاری و قلمزنی به مرکز این دولت یعنی تبریز منتقل گشت. و ویژگیهایی متأثر از تحولات این دوران را به خود گرفت.

سبک هنر فلزکاری ایلخانی از تلفیق هنر ایران، عراق شمالی و سوریه حاصل آمده است. با دیدن تنها آثاری مانند طارمی مشبک با مفصل بندی گویهای برنجی مشبک که نام الحایتو بر حاشیه افقی آن قلمزنی شده است به اعتلای هنر فلزکاری آن دوران پی می‌بریم. «جانسون» معتقد است که «هنرمندان ایرانی اسلوب کار و نقش و نگارهای معمول در صنعت خویش را همراه خود به موصل و عراق و سوریه و مصر منتقل ساخته‌اند». اما با دیدن ابریهایی که در سده هفتم در ایران متداول بوده و لوله آبریز آن به بدنه نصب شده، نه به گردن یا دهانه که در صنعت ایران مرسوم بوده است، می‌توان به تاثیرپذیری هنر ایرانی از مکتب موصل و کارهای مملوکی سوریه و مصر پی برد.

البته این تاثیرپذیرها برغنا و زیبایی آثار فلزی ایلخانی افزوده و روند تکاملی خود را تا دوران تیموری و بعد از آن به خوبی پیموده است.

در این تحقیق روند تکاملی فلزکاری عصر ایلخانی به روش کتابخانه‌ای و به کمک کتب و تصاویر به دست آمده از اینترنت و مقایسه آثار این دوره (از لحاظ تکنیک و نحوه اجرای کار و نیز طرحها و نقوش روی مصنوعات) با دوران قبل و آثار به دست آمده از عراق و سوریه بررسی می‌گردد.

واژگان کلیدی: ایلخانی، فلزکاری، هنر ایرانی، تبریز، عراق و سوریه.

بررسی تطبیقی نقوش انسانی در آثار فلزی و نگارگری عصر ایلخانی

اکرم محمدی زاده^۱

فلزکاری یکی از جلوه های زیبا و اعجاز هنر ایرانی است، این هنر اصیل و ریشه دار در فرهنگ ایرانی با توجه به شرایط زمانی و مکانی، دارای مشخصات خاص و ویژگی های خود بوده است. پس از پذیرفتن اسلام از سوی ایرانیان و تأثیر آن بر تمام شئون فرهنگی، هنری و اجتماعی ایرانیان، هنرمندان فلزکار با توجه به شرایط موجود و نهی تصاویر سعی کردند از کپی کردن مظاهر طبیعت روی برگردانده و آن را به سمت هنر انتزاعی سوق دهند.

اما با توجه به اهمیت تصویر تقلیدی و تأثیر بسیار آن در بیان افکار و عقاید ایرانیان و نیز ایلخانیان، هنرمندان مسلمان سعی در ایجاد آشتی و ارتباط بین هنر انتزاعی و تصویر تقلیدی نمودند.

لازمه ی شناخت نقوش و علائمی که بر روی اشیاء فلزی دوره ایلخانی حک شده است داشتن آگاهی و شناخت از نقوش اسلامی است. فلزکار علاوه بر استفاده از نقوش تزئینی که هرکدام از آنها سمبل و اشاره به رموز خاص دارد، حوادث و وقایع مهم تاریخی انسانها را به صورت نقوش مختصر در قالب کادرهای کوچک به نمایش درآورده است و فضاهای خالی را با نقوش اسلیمی و گیاهی پر کرده است.

در بررسی و مقایسه نقوش انسان در آثار فلزی با آثار نگارگری موجود در کتب مرجعی نظیر جامع التواریخ و شاهنامه و سایر آثار می توان به این نتیجه رسید که هنرمند از موضوعات مشترک بین دو رشته استفاده کرده است، همانند صحنه های تشریفات، بزم و جنگ و سلاطین که در آثار نگارگری آن عصر به وفور یافت می شود.

بررسی سفالینه‌های مینایی در دوران ایلخانی؛ تکنولوژی ساخت و نقوش نمونه‌ی موردی؛ آثار موزه‌ی رضاعباسی

زینب مرادی^۱

علی صالحی^۲

فن و هنر سفالگری در ایران از قدمتی بسیار طولانی و حدود ده هزار ساله برخوردار است. این هنر در دوره‌ی اسلامی به اوج خود رسید. شاید اوج این زمان را بتوان دوران ایلخانی نامید. رواج فراوان ظروف و کاشی‌های زرین‌فام در این دوره بارزترین نماد این امر است. از نمونه‌های نفیس و زیبای این دوره سفالینه‌های مینایی است که با شفافیت و زیبایی خاص و خیره‌کننده‌ی خود و نقوش زیبا و منحصر به فرد جایگاه ویژه‌ای در هنر این دوره دارد.

در این مقاله برآنیم که با بررسی نمونه‌های سفالینه‌های مینایی در موزه رضا عباسی تهران به معرفی این نوع از سفالینه‌ها پرداخته و با مطالعه‌ی سابقه، تکنیک ساخت و نوع نقوش مقایسه‌ای با انواع دیگر سفالهای این دوره انجام دهیم. امیدواریم تا این بررسی‌ها به علل پیدایش و افول زود هنگام این سفالینه‌ها منجر شود.

واژگان کلیدی: سفال، سفالینه‌های مینایی، دوره ایلخانی، موزه رضاعباسی

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم سبزوار

۲- کارشناس ارشد مرمت و احیای، بناها و بافت‌های تاریخی، کارشناس موزه‌داری، مدرس دانشگاه

بررسی علمی و هنری دیوارنگاره‌های موجود در بنای تاریخی گنبد آزادان

سامان ترابی^۱

دکتر بهنام پدram^۲

بنای تاریخی گنبد آزادان در غرب اصفهان و در محله آزادان و همجوار با بقعه شیخ شهاب الدین واقع شده است. این بنا که در منابع از آن به عنوان مسجد آزادان یاد می‌شود شامل یک فضای گنبددار در جبهه جنوبی و یک صحن مستطیل شکل در جبهه شمالی و نیز رواق‌هایی در دو سمت غربی و شرقی می‌باشد که به غیر از فضای گنبددار، بقیه فضاها متأخر و الحاقی می‌باشد. در بدنه داخلی فضای زیر گنبد کتیبه‌ای با تاریخ ۷۶۷ ه.ق وجود دارد که تاریخ بنا را به دوره ایلخانی نسبت می‌دهد (البته این کتیبه اکنون کاملاً تخریب شده ولی تصویر آن در عکس قدیمی که از آن گرفته شده موجود می‌باشد). این فضا از لحاظ فرم معماری و طاق‌ها و گوشه‌سازی بسیار شبیه به بناهای گنبد دار ایلخانی می‌باشد. تزئین شاخص و ارزشمند این بنا که بدنه‌های داخلی فضای گنبد دار را منقوش کرده، دیوار نگاره‌هایی است که به نظر می‌رسد هم دوره با کتیبه تاریخ دار اجرا شده باشد. موضوع این دیوار نگاره‌ها بر خلاف اکثر دیوار نگاره‌های ایلخانی که شامل نقوش تزئینی و انتزاعی می‌باشند، شامل تصاویر مکه مکرمه و مدینه منوره در جبهه شرقی و غربی، تصویر دو بیرق در دو سمت محراب و نیز نقش شمسه‌ای بر بالای محراب می‌باشد که در دو طرف نقش شمسه، تصویری از شمشیر ذوالفقار حضرت علی (ع) قرار گرفته است. در این پژوهش ابتدا بنای مسجد و ارتباط آن با بافت پیرامون مورد بررسی قرار گرفته و سپس در مورد نقوش اجرا شده در این دیوار نگاره‌ها، پس از انجام آزمایشات گوناگون جهت فن شناسی دقیق این آثار از لحاظ نوع تکنیک و مصالح بکار رفته، به مطالعات تطبیقی نقوش به کمک عکسهای تاریخی، میناتورها و دیوارنگاره‌های هم دوره با این اثر پرداخته شد.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت اشیاء فرهنگی و تاریخی - دانشگاه هنر اصفهان.

۲- استادیار دانشکده مرمت - دانشگاه هنر اصفهان.

بررسی فن شناسی مقرنسهای دوره ی ایلخانی در یزد و اصفهان

مسلم میش مست نهی^۱

این پژوهش پس از مقدمه‌ای بر تاریخچه‌ی تحول مقرنس بعنوان گره چینی سه بعدی، از سبک رازی تا سبک اصفهان، به بررسی خصوصیات هندسی، فن شناسی و تکنیک اجرای چند نمونه از مقرنسهای دوره ایلخانی در مناطق یزد و اصفهان می‌پردازد و در نهایت با تکیه بر مطالعات انجام شده، به مهمترین وجوه مشخصه‌ی مقرنس دوره ایلخانی پرداخته و شباهتها و تفاوتهای مقرنسهای این دوره با دوره‌های دیگر را بیان می‌کند.

واژگان کلیدی: عصر ایلخانی، تزئینات معماری، گره چینی، مقرنس، فن شناسی

بررسی فنی کاشی‌های زرین‌فام دوره‌ی ایلخانی در محوطه‌ی تاریخی تخت سلیمان^۱

عباس عابد اصفهانی^۲

پرویز هلاکویی^۳

تزیینات رورنگی زرین‌فام از جمله تزییناتی است که درجه‌ی بالایی از زیبایی و مهارت فنی ساخت لعاب را بر روی لعاب‌های دوران اسلامی ایران به نمایش می‌گذارد. استفاده از این فن برای تزیین لعاب از دوره‌ی سلاجقه آغاز و تا پایان دوره‌ی صفویه تداوم پیدا نمود. اگرچه اوج مهارت فنی در اجرای تزیینات زرین‌فام در ایران مربوط به دوره‌ی خوارزمشاهیان می‌شود، ولی سهم ایلخانان مغول در اشاعه و ترویج این فن غیرقابل انکار و حتی چشم‌گیر بوده است. آثار زرین‌فام باقی‌مانده از دوره‌ی ایلخانی شامل ظروف (کاسه‌ها و بشقاب‌ها)، پیکرک‌ها و کاشی‌ها می‌شود؛ ولی ظاهراً تولید ظروف و پیکرک‌ها در این دوره اندک بوده و بخش اعظم تزیینات زرین‌فام روی لعاب کاشی‌ها صورت می‌گرفته است. کاشی‌های زرین‌فام بناهای امامزاده جعفر دامغان، امامزاده حبیب ابن موسی کاشان، مسجد علی قهرود، امامزاده علی ابن جعفر قم و قصر آباقاخان تخت سلیمان نمونه‌هایی از هنر ساخت لعاب‌های زرین‌فام دوره‌ی ایلخانی را ارائه می‌کند.

این مقاله مواد تشکیل‌دهنده‌ی لایه‌ی زرین‌فام فلزی و ترکیبات لعاب بستر تزیینات زرین‌فام نمونه‌هایی از کاشی‌های محوطه‌ی تاریخی تخت سلیمان را با روش‌های علمی شناسایی ساختار مواد مثل SEM-EDX مورد بررسی قرار داده و سپس با توجه به نتایج بررسی‌های آزمایشگاهی، فن تشکیل زرین‌فام‌های تخت سلیمان را ارائه کرده است. در انتهای این گفتار نیز داده‌های آزمایشگاهی و فنی با ساخت نمونه‌ای از زرین‌فام فلزی در مرحله‌ی عمل مورد آزمایش قرار گرفته و نتایج این بررسی‌ها به تصویر کشیده شده است.

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی بررسی تکنیک ساخت کاشی زرین‌فام بوده که با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه هنر اصفهان به انجام رسیده است.

۲- عضو هیأت علمی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی مرمت اشیاء فرهنگی و تاریخی دانشگاه هنر تهران

بررسی نقوش تزئینی در تزئینات مسجد خسروشیر سبزوار

زینب مرادی^۱

نفیسه استیری^۲

خسروشیر دهستانی است در شمال غرب سبزوار که بنای آن را به پیش از اسلام و به خسرو دوم ساسانی نسبت می‌دهند. مسجد این روستا، بنایی است به جا مانده از دوران استیلای مغول در ایران. هر چند تنها ایوانی از این مسجد بجای مانده، اما شکوه این ایوان در ابعاد و تزئینات فوق‌العاده نفیس آن نشان از اهمیت و ارزش این مسجد دارد. تزئینات این بنا شامل آجرکاری و گچبری‌های بسیار زیبا می‌باشد که گذشت زمان و بی‌توجهی ما باعث آسیب فراوان به آن شده است.

این مقاله سعی دارد تا نقوش بکاررفته در تزئینات این مسجد را معرفی نماید، پیشینه هر نقش را بررسی نموده و با مقایسه نقوش بکار رفته در قبل و بعد از ایلخانان در ایران، ویژگی‌های خاص این دوران را معرفی نماید.

برای نیل به این منظور نقوش بکار رفته کاملاً برداشت و معرفی می‌گردد و با موارد مشابه مقایسه تطبیقی خواهد شد.

واژگان کلیدی: مسجد خسروشیر، تزئینات وابسته به معماری، نقوش تزئینی،

دوره‌ی ایلخانی.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم سبزوار

۲- کارشناس ارشد پژوهش هنر



بررسی هنر گچبری دوره ایلخانی

نمونه‌ی موردی؛ بناهای حوزه‌ی نفوذ شهر سبزوار

زینب مرادی^۱

نقیسه استیری^۲

با اشغال ایران توسط مغولان در اوایل قرن ۷ هجری دوره‌ای جدید در هنر و معماری ایران آغاز گردید دوره‌ای آمیخته از فرهنگ ایرانی اسلامی و هنر شرق دور. خراسان نخستین بخش ایران است که شاهد استقرار مغولان بود. معماری که با استقرار مغولان شکل گرفت را به عنوان سبک آذری می‌شناسیم. در خراسان من‌جمله شهر سبزوار بناهای متعددی در این دوران ساخته شدند. با توجه به آثار گچبری شاخص و نفیس در این دوران این شاخه از هنر برای این مقاله انتخاب گردید.

این مقاله سعی دارد ابتدا بناهای متعلق به این دوران را در سبزوار دسته‌بندی نماید، تزئینات وابسته به معماری آنها را معرفی و هنر گچبری آن را بررسی نماید. هنر گچبری در ایران پیشینه‌ی کهن دارد. با توجه به شیوه‌ی هنری در دوران ایلخانی سعی در بررسی انواع گچبری، انواع نقوش بکار رفته و تکنولوژی ساخت این هنر داریم.

واژگان کلیدی: تزئینات وابسته به معماری، گچبری، سبک آذری، دوره ایلخانی.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم سبزوار

۲- کارشناس ارشد پژوهش هنر

بررسی یک نمونه در چوبی متعلق به دوره ایلخانی واقع در مسجد جامع اصفهان

مهشید کاکویی^۱

نمونه مورد مطالعه در چوبی مثبت کاری متعلق به اواخر دوره ایلخانی واقع در تالار محراب الجایتو می باشد. بر اساس کتیبه موجود این اثر مربوط به دوران سلطنت سلطان محمود آل مظفر به سال ۷۶۸ ه می باشد. اثر مورد بحث از حیث تزئینات نسبت به آثار هم عصر خود بسیار منحصر به فرد بوده و جزو قدیمی ترین درهای موجود در مسجد جامع اصفهان به حساب می آید.

در این مقاله پس از دوره بندی تاریخی فضا و اثر مورد مطالعه به مطالعات تطبیقی با نمونه های هم دوره در منطقه پرداخته شده و سپس مطالعات فنی اثر که شامل مطالعات آزمایشگاهی، گونه شناسی، فن شناسی تزئینات اجرا شده و آسیب شناسی صورت پذیرفته است.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت اشیاء فرهنگی و تاریخی دانشگاه هنر اصفهان

تأثیر خاستگاه، فرهنگ و آداب و رسوم مغولان بر روی نقوش سفالینه‌های دوره ایلخانی

یعقوب طالبی^۱

«آمدن مغولان به ایران همراه با کشت و کشتار، قتل و غارت وسیع حیات اجتماعی این سرزمین بود. تامین جانی از میان رفت و امنیت مالی سکه بی رونقی شد ... یاس و نومیدی جامعه را فراگرفت ... شیوه نامردمی ریشه گرفت.»^۲ در مورد کشته شده‌ها نیز این کلام بس که «هرکجا صد هزار خلق بود بی مبالغت صد کس نماند.»^۳

پیشروی مغولان فاتح نتایج مهمی به بار آورد این هجوم گسترده مغولان با تشکیل دولتی واحد همراه بود و به دلیل اینکه برای آمدن به ایران از چین گذشته بودند استقرار روابط مستقیم بین ممالک شرقی آسیا و نواحی غربی را در پی داشت که یکی از مهمترین نتایج آن اختلاط دو تمدن قدیم چینی و ایرانی بود. جابه‌جایی عظیم هنرمندان این دو قوم در زیر سایه دولت واحد مغول باعث شد تا ایشان بسیاری از معلومات و معارف خود را به یکدیگر منتقل کنند که یکی از این معلومات، هنر تصویرگری بود.

از طرف دیگر علاقه مغولان به زنده نگهداشتن آداب مغولی با وجود قبول اسلام و اقامت در ایران و آنچه را که به مغول و آداب و مراسم اجداد آنان متعلق بود موجب گردید که هنرمندان دوره ایلخانی با در نظر گرفتن علاقه مندی مغولان با توجه به خاستگاه و آداب و سنن آنان به همراه تأثیرپذیری از هنر تصویرگری چینی سفالینه‌های این دوره را با تصاویری تزیین کنند که با برخورداری از روح

۱- موزه‌دار موزه مراغه و دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- ا، پ پتروشفسکی، تاریخ اجتماعی- اقتصادی ایران در دوره مغول، بخش اول: جریانهای اجتماعی- اقتصادی دوره ایلخانی، ترجمه دکتر یعقوب آژند، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۶، ص (د) از مقدمه مترجم.

۳- ا، پ پتروشفسکی، ص ۵، به نقل از تاریخ جهانگشا

اصیل هنر ایرانی، از نقشمایه‌هایی چینی و تصویر طبیعی که مغولان با آن آشنا بودند نیز تاثیر گرفته باشد تا با وجود زیبایی مورد اقبال و رضایت حاکمان مغولی نیز واقع گردد.

نگارنده در نظر دارد در این مقاله با پرداختن به خاستگاه و موطن اصلی مغولان و همچنین آداب و رسوم و علاقه‌مندی ایشان به همراه تاثیر پذیری از هنر و تکنیک تصویرگری چینی با دستمایه قرار دادن چند سفالینه و کاشی از دوره ایلخانی، نقوش سفالینه‌های این دوره را متأثر از خاستگاه، فرهنگ و آداب و رسوم به همراه هنر تصویرگری چینی نتیجه‌گیری نماید.

تجلی ماهیت بر فرم در شمعدانها و پیه سوزهای دوره ایلخانی

یعقوب طالبی^۱

همه ادیان به هر راه و بیانی که باشد متفقند بر اینکه انسان قائم به ذات خود نبوده و نمی‌تواند باشد و زندگی او وابسته به قوای موجود در طبیعت و اجتماع خارج از ذات اوست.

با توجه به اهمیت نور و جایگاه آن در زندگی انسان، هنرمند همواره سعی نموده تعلقات خاطر خویش و درک خود از ماهیت نور را در ساخت ابزار روشنایی دخیل نماید و امروزه با کمی تأمل می‌توان علاقه‌مندی هنرمند را بر نمایش ماهیت نور در ساختار کلی ابزار روشنایی در دوره ایلخانی مشاهده نمود، با توجه به ظاهر شمعدانها و پیه سوزهای دوره ایلخانی و نقش پرنده بر روی پیه سوزها می‌توان حرکت صعودی جزییات تشکیل دهنده آن را استنباط نمود چرا که «انسان نورانی که در اصل با نور آغاز می‌شود، سالک و عارف کاملی است که سیر صعودی خود را از پست‌ترین عالم (یعنی ماده) آغاز و به عالیترین عوالم به انجام می‌رساند» (بلخاری قهی، ۱۳۸۴، ص ۴۴۹) همچنین در خصوص پایه برخی شمعدانهای دوره ایلخانی هنرمند هر پایه را به شکل پای حیوانی عظیم‌الجثه و قوی هیکل کار کرده است که با نگاه اول قدرت و استحکام در ذهن متبادر می‌گردد و با نگاهی عمیق‌تر به پایه برخی شمعدانها، سم دار بودن پای حیوانات می‌تواند فلسفه ماهیتی این پایه‌ها را از منظری دیگر مورد تأمل قرار دهد.

نگارنده در این مقاله سعی خواهد نمود با تشریح جایگاه نور در زندگی مادی و معنوی انسان با استفاده از آرای فیلسوفان بزرگ از جمله شیخ اشراق و تفسیر علمای اسلام از آیه نور و مشکوه و همچنین بررسی ساختاری فرم چند شمعدان و پیه سوز فلزی از دوران ایلخانی و معرفی چند نمونه منحصر به فرد، فرم ساختار آنها را تابعی از ماهیت وجودیشان نتیجه‌گیری نماید.

واژگان کلیدی: نور، مشکوه، اشراق، شمعدان، پیه سوز

۱- موزه‌دار موزه مراغه و دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

تجلی هنرهای صناعی در نگاره ی زاری بر تابوت اسکندر از شاهنامه دموت

سوسن رنجبری^۱

حدود ربع اول سده ی هفتم ه.ق بود که تهاجمات ویرانگرانه ی مغولان بخش عمده ی تمدن مادّی ایران را به نابودی کشاند. لیکن در ربع سوم همان سده یک شاخه از مغولان به نام ایلخانان سازمان درباری متحرکی را در شمال غربی ایران با مراکزی چون مراغه و تبریز برپا ساختند و آنقدر فرهیختگی یافتند که زمام امور سنتی هنر و فرهنگ درباری را به قبضه ی اختیار خود در آوردند. در این محیط نیمه ایلپاتی و نیمه درباری بود که بسیاری نسخ خطی مصور به ثمر رسیدند.

نسخه مشهور دموت در عصر ایلخانان تدوین یافت که نقاشیهای آن نه اینکه از یک شیوه تبعیت نکرده است، بلکه انواعی از شیوه ها در اجرای آنها به کار رفته اند که مشتمل اند به نحوه های نگارگری ایرانی و غیرایرانی. به بیان روشتر ویژگی های مکتب سده هفتم بغداد و برخی شیوه های فردی استادانه شمال غربی ایران و باسمه چینی و نیز شیوه ی متمایز باسمه های چینی (با چاپ چوب وارد شده از چین در دوره ی استیلای مغولان، میانه سده هفتم) همه در این نسخه پهلوی یکدیگر و حتی گاهی در نقاشی های یک نسخه مشاهده می گردند. گاه نیز این تمایلات متفاوت با هم ادغام شده اند که نمونه برگزیده آن همان طور که ذکر گردید شاهنامه ی دموت نام گرفت.

از نگاره های شاهنامه دموت می توان اندکی به وضعیت هنرهای صناعی در آن عصر (ایلخانان) آگاهی یافت. از جمله این نگاره ها زاری بر مرگ یا تابوت اسکندر می باشد. مقاله موجود تجلی هنرهای صناعی عصر ایلخانان در این نگاره می باشد.

واژگان کلیدی: ایلخانان، دموت، نگارگری، هنرهای صناعی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد صنایع دستی، دانشگاه الزهرا

تولید و نو آوری در سفال ایلخانی یزد

ابراهیم کاظم نژند اصل^۱

یزد یکی از غنی‌ترین مجموعه‌های معماری می‌باشد که از سده‌های پنجم تا دوران معاصر می‌توانیم توالی هنر و معماری را در اوج شکوفایی آن در دوران حکام آل مظفر شاهد باشیم. در این مقال با تکیه بر یافته‌های باستان‌شناختی سفال دوره ایلخانی را به عنوان یکی از داده‌های اساسی این فعالیتها بررسی نماییم.

بدلیل فقر مطالعات پژوهشی و عدم دسترسی به منابع در این خصوص کمتر سخن به میان آمده ولی یافته‌های باستان‌شناسی این نوید را می‌دهد که صنعت سفال‌گری همانند معماری این دوره از رونق و شکوفایی خاصی برخوردار بوده است.

پژوهش‌های میدانی باستان‌شناسی بافت تاریخی شهر یزد علاوه بر امکان دستیابی به مواد فرهنگی ادوار مختلف شهر یزد امکان لایه نگاری فرهنگی را بر ما فراهم آورده است.

در میان یافته‌ها، سفالهای دوره ایلخانی شهر یزد از تنوع زیادی برخوردار است. سفال این دوره علاوه بر آن که از لحاظ فرم دارای تنوع می‌باشد سفالگر در تزئینات و نقوش آن از هیچ کوششی دریغ ننموده است.

سفالها در ۲ گروه اصلی: سفالهای ساده و لعابدار که سفالهای ساده استفاده روزمرگی داشته نیمی از یافته‌های ما را تشکیل می‌دهد.

سفال لعابدار مهمترین گونه سفالی می‌باشد که با توجه به تکنیک ساخت آن معرف دوره‌های مختلف است. با طبقه بندی‌های صورت گرفته بصورت تقریبی می‌توان حضور دوره‌های تاریخی را در یک منطقه مورد بررسی قرار داد.

با توجه به این که در میان یافته‌ها و مواد فرهنگی شواهد کارگاه سفالگری از جمله جوش کوره و سه پایه سفالگری و... بدست آمده، این نکته را قوت می‌بخشد که در سده هفتم و هشتم هجری کارگاه‌های سفالگری در این محل

۱- کارشناس ارشد باستان‌شناسی، مسئول بخش باستان‌شناسی پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد

حضور داشته و نوع قلم سیاه آن نسبت به نمونه های دیگر مناطق ایران از ظرافت کمتری برخوردار بوده و به نظر می رسد بدلیل کثرت نقش و فرم یک نوع سفال بومی محسوب می شود.

سفالگر، با الهام از طبیعت پیرامون خود در نقوش، بیشتر از موتیف های گیاهی استفاده کرده و بخش دیگری از تزئینات سفال خود را به نقوش هندسی اختصاص داده است.

به استناد یافته ها، که بیشتر شامل ضایعات کوره است این نتیجه را می رساند که یزد در دوره آل مظفر (ایلخانی) یکی از بزرگ ترین تولید کنندگان سفال از نوع قلم سیاه سفال شاخص این دوره بوده است.

شکل‌گیری و تکامل تزئینات گچبری در دوره ایلخانی

عاطفه شکفته^۱

امید عودباشی^۲

دوره ایلخانی یکی از دوره‌های مهم هنر ایران است که در آن بسیاری از هنرها دستخوش تحولات و پیشرفت‌های چشمگیری شده‌اند. یکی از هنرهایی که در این دوره بسیار مورد توجه بوده، هنر گچبری است که آثار بسیار زیادی از آن در قالب تزئینات معماری به جای مانده است.

می‌توان گفت که استفاده از گچ در ساخت نقوش برجسته در دوره ایلخانی به سرحد کمال رسیده و با ضخامت و برجستگی بیشتر و طرح‌های پیچیده‌تر اجراء شده است. ساخت محراب‌های بسیاری از گچ با انواع کتیبه‌ها به ویژه گونه‌های مختلف کوفی، انواع گره‌های هندسی و نقوش اسلیمی طوماری و ماری در لابه‌لای کتیبه با گل و برگ‌های پهن و نیز گودی و برجستگی نقوش، موجب تحولی بزرگ در این هنر و خلق شاهکارهایی عظیم در این دوره شده است. از زیباترین نمونه‌های این گونه تزئینات، می‌توان نقوش بکار رفته در مسجد حیدریه قزوین، مسجد جامع ورامین، محراب مسجد ارومیه و ... را نام برد. استفاده از روش‌های متنوع اجرای گچبری و عناصر تزئینی مختلف، در قرن هشتم هجری جایگاهی خاص یافت که بهترین نمونه آن، محراب اولجایتو در مسجد جامع اصفهان است.

محققین تاریخ هنر و باستان‌شناسی در نوشته‌ها و گزارشات خود به معرفی نمونه‌های مختلفی از هنر گچبری این دوره پرداخته‌اند که البته بیشتر آنها تنها به توصیف کلی این آثار و دوره تاریخی آنها پرداخته و کمتر به بررسی تاریخی سیر تحول، ارتباط بین نقوش، و تکنیک بکار رفته در اجرا توجه نموده‌اند. در این مقاله سعی شده است تا با توجه به تعدادی از نمونه‌های موجود، روند شکل‌گیری، تحول و تکامل نقوش گچبری در دوره ایلخانی مورد بررسی قرار گرفته و تغییرات و تحولات رخ داده در نقوش و شیوه اجرای آنها معرفی گردند.

واژگان کلیدی: هنر ایلخانی، تزئینات معماری، گچبری،

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت اشیاء تاریخی و فرهنگی، دانشگاه هنر

۲- کارشناس ارشد مرمت اشیاء تاریخی و فرهنگی

شکوه ایلخانی، افول مینایی تا طلوع لاجوردینه

فرهاد خسروی بیژانم^۱

ملیکا یزدانی^۲

حملات ویرانگر مغول مدت کوتاهی بر روند پیشرفت هنر - منجمله سفال - تأثیر منفی گذاشت، ولی شهر کاشان از این یورش در امان ماند و توانست قرن‌ها به اعتلای هنر سفالگری ادامه دهد. در همین دوره، ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن علی بن ابی طاهر، مورخ ایلخانی، در پایان کتاب عرایس الجواهر و نفایس الاطیاب (۷۰۰ ه.ق) به تولید کاشی با واژه دو آتشفه (زرین فام) و هفت رنگ (مینا) اشاره کرده است. تکنیک مینایی در دوره بسیار کوتاهی - اواسط قرن ۶ تا اواسط قرن ۷ ه.ق (اوایل ایلخانی) - از رواجی بسیار چشمگیر برخوردار بود و در حالی که هنوز سفال زرین فام در اوج به سر می‌برد و نقاشی زیر لعابی نیز رواج داشت، تکنیک مینایی از بین رفت و گونه دیگری از تزئین سفال با عنوان لاجوردینه، جانشین آن شد. در این روش، ظروف با رنگ‌های لاجوردی، سفید و فیروزه‌ای لعاب داده می‌شدند و دورگیری‌ها با رنگ قرمز، سیاه یا قهوه‌ای انجام می‌شد. در اوایل قرن ۸ ه.ق، آبی لاجوردی از رواج و محبوبیت بیشتری برخوردار گردید و سرانجام ظروف با نقاشی زیر لعابی رنگ‌های آبی لاجوردی و قرمز و سیاه، جایگزین زرین فام نیز شد. تزئینات سفال مینایی و لاجوردینه با خطوط کوفی و رقاع، نقوش هندسی، پرندگان، انسان، حیوان، اسفنگس و سیمرغ همراه است و می‌توان تأثیر هنر چین را علاوه بر موارد فوق، حتی در شکل ظاهری ظروف نیز جستجو کرد. عناوینی که در راستای اهداف تعیین شده پژوهش، مورد بررسی قرار گرفته، بدین شرح است:

- روش ساخت ظروف مینایی، زیر لعابی و لاجوردینه

۱ - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند

۲ - کارشناس ارشد مرمت اشیاء فرهنگی و تاریخی، سازمان میراث فرهنگی اصفهان



- بررسی خاتمه کتاب عرایس الجواهر «در صنعت کاشی گری» (مواد و روش‌ها)
 - نقوش و خطوط روی سفال‌های مینایی و لاجوردینه دوره ایلخانی بر اساس مکان تولید
 - زیبایی شناسی رنگ‌ها در سفال‌های مینایی، زیر لعابی و لاجوردینه دوره ایلخانی
 - تاثیر هنر شرق دور بر آثار مینایی، زیر لعابی و لاجوردینه دوره ایلخانی
- واژگان کلیدی: سفال، مینایی، لاجوردینه، زیر لعابی ایلخانی

شکوه و عظمت ایلخانی در مسکوکات ضرب یزد

فاطمه دانش^۱

سکه از معتبرترین منابع زنده محسوب می شود که بسیاری از عناصر تشکیل دهنده فرهنگ و تمدن از جمله مذهب، هنر، زبان، اقتصاد و سیاست یک جامعه را هویدا می کند و در جاهایی که ابهاماتی وجود دارد یک منبع سنجش به شمار می آید. عصر ایلخانی نیز با توجه به اینکه یکی از مهم ترین دوران تاریخ ایران به شمار می رود، لذا مطالعه سکه های این دوره که گویای نگرش های اعتقادی سلاطین صفوی و شرایط اقتصادی، سیاسی و هنری این دوره است، امری ضروری است اما با توجه به گستردگی ضرابخانه ها در دوره ایلخانی تنها به ضرابخانه یزد و اهمیت این شهر در دوره مورد نظر پرداخته می شود.

از مهمترین عللی که یزد در قرن هشتم به عنوان شهرهای مطرح آن دوران می رسد، تا مسکوکات حکومتی در آن ضرب گردد را شاید بتوان وصلت فامیلی رشیدالدین فضل الله همدانی (وزیر دربار ایلخانی) با یکی از سادات عریضی یزد به نام سید شمس الدین محمد دانست، زیرا وقف نامه های بسیاری از وی در یزد (وقفنامه ربع رشیدی) دیده شده است

آنچه که نگارنده را برآن داشت تا به بررسی و شناسایی مسکوکات ضرب یزد در دوره ایلخانی پردازد، تحلیل تاریخی این دوران در این خطه کویری بوده است

۱- کارشناس تاریخ پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد

شمعدان های برنزی و برنجی ایلخانی، طرحی نو یا تداوم سنتها

محمد مرتضوی^۱

مستنصر قلی نژاد^۲

آگاهی و دانسته‌های ما درباره ی فلزکاری ایران در دوره ی ایلخانی تا اندازه‌ای مبهم و معماگونه است. رویدادهایی که در نیمه دوم قرن ۱۳ میلادی به وقوع پیوسته، تا به امروز هنوز کاملاً مشخص نشده است. اما شاید بتوان اولین مراحل شروع فلزکاری این دوره را منطقه غرب ایران دانست همچنان که آثار فراوان فلزی باقی مانده از این نواحی نیز دال بر این موضوع است. یکی از مشکلات بزرگ در بررسی آثار فلزی دوره ایلخانی نیز از همین امر ناشی می شود چرا که مسأله عمده در این راه عدم تشخیص دقیق آثار برنزی و برنجی قرن ۱۲ میلادی متعلق به غرب ایران از آثار قرن ۱۳ میلادی می باشد. در این بین، آثار فلزی با عنوان شمعدان که انتساب آن به دوره ی ایلخانی مسجل تر است، یکی از بارزترین مصنوعات فلزی این زمان را تشکیل می دهد. لذا در این مقاله بحث و بررسی پیرامون ویژگی های این آثار (شمعدان) به عنوان تداوم سنت های گذشته و یا ظهور طرحی نو در فلزکاری این زمان، مورد بررسی قرار می گیرد. توجه به مراکز تولید این آثار مانند قسمت های غرب و شمال غربی ایران نیز به عنوان بخشی از کار مد نظر قرار گرفته و در نهایت نتیجه گیری بر مبنای این مشخصات صورت گرفته است. در این بین تداوم طرح، فرم و شکل این گروه از آثار مشخص بوده اگر چه ویژگی‌های مختص هر یک نیز قابل ملاحظه می باشد.

واژگان کلیدی: فلزکاری، ایلخانی، شمعدان

۱- کارشناس ارشد مرمت اشیاء فرهنگی، دانشگاه زابل

۲- کاردانی باستان‌شناسی

شناخت فنی، تاریخی و مطالعات تطبیقی تزئینات معماری در دوره ایلخانی و آل جلایر

فاطمه چیتگرها^۱

سلسله ایلخانان، دوره‌ای را در هنر ایران آغاز کرد که تأثیرات زیادی از هنر شرق دور گرفت. با پذیرش دین اسلام از جانب مغولان، احداث بناهای مذهبی و یا ترسیم خرابی‌های گذشته آغاز شد. به دلیل روابط مغولان با شرق دور، هنرهای شمایل‌نگاری، نگارگری، سفالگری و سایر هنرهای تزئینی با الهام از هنر شرق دور در هنرهای دوره ایلخانان منعکس گردید.

برج‌ها بلندتر و کتیبه‌ها بزرگ‌تر شدند. به تزئینات در رنگ‌های مختلف توجه بیشتری شد و بناهای عظیم با اشکال رنگارنگ ساخته شدند. سردرهای کهن و بلند دوباره زنده شده و مورد توجه قرار گرفتند. تنوع نقوش تزئینی و وضوح برجستگی کاشی‌های آبی فیروزه‌ای نمونه زیبایی از هنر این دوران ساخته است. حکام ایلخانی اقدام به، احیای صنعت کاشی‌سازی نمودند. در این دوران، تکنیک مینایی از بین رفت و گونه دیگری از تزئین سفال که بعدها عنوان لاجوردینه را به خود گرفت، جانشین آن شد.

با نزدیک شدن به قرن هشتم هجری، آبی لاجوردی از رواج بیشتری برخوردار شد و سرانجام تکنیک نقاشی زیر لعاب با استفاده از رنگهای آبی لاجوردی و اندک مایه‌ای از رنگهای قرمز و سیاه، جایگزین نقاشی زرین فام شد.

با زوال حاکمیت ایلخانان در اواسط قرن هشتم، عصر طلایی تولید کاشی پایان یافت. کاشیهای معرق-موزائیکی- تک رنگ و نه چندان نفیس در رنگهایی متفاوت جانشین قابهای عظیم زرین فام و کتیبه‌ها شدند.

در دوره ایلخانی، هنر گچ‌بری و آجرکاری به سر حد کمال مطلوب رسید. به وجود آمدن محرابهای گسترده با انواع خطوط به ویژه گونه‌های مختلف کوفی، به

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین



کارگیری انواع گره هندسی با نقوش اسلیمی طوماری و اسلیمی ماری در لابه‌لای کتیبه و نقوش گل و برگهای پهن موجب تحولی عظیم و خلق شاهکارهای عظیم گچ بری در این دوران شد.

واژگان کلیدی: ایلخانی، تزیینات، کاشی کاری، گچ بری، آجرکاری

عصر طلایی تولید کاشی زرین فام در ایران

راضیه کیان نژاد^۱

از ادوار گذشته تاکنون، کاشیکاری به نحو گسترده ای برای جلوه بخشیدن به بناهای ایران مورد استفاده قرار گرفته است. در بین دوره های گوناگون اسلامی، دوره ایلخانی به عنوان اولین مظاهر شگرف کاشیکاری اسلامی محسوب می گردد. حمایت های وسیع مذهبی که توسط حاکمان و شخصیت های برجسته مذهبی صورت گرفت، باعث بوجود آمدن بناهای زیادی در آن دوره شد که مهمترین این بناها با کاشیهای زرین فام تزئین گردیده اند. نکته جالب توجه اینکه شمار زیادی از کاشیهای زرین فام این دوره دارای تاریخ و امضاء صنعتگران و هنرمندان می باشد که تا امروزه باقی مانده اند و به عنوان شناسنامه آثار تلقی می شوند. تعداد بسیار زیادی از گونه های مختلف کاشی نیز از نظر فرم در قالب تکنیک زرین فام تولید می شد. اشکالی همچون ستاره های هشت گوش و چلیپا برای شکل نمودن ازاره های درون ساختمانها با یکدیگر ترکیب می شدند. قالبریزی برخی از کاشیها به صورت برجسته انجام می شد در حالی که برخی دیگر مسطح بوده و تنها با رنگ تزئین می شدند.

در این پژوهش با بررسی و معرفی کاشیهای زرین فام دارای امضاء و تاریخ، به اهمیت و جایگاه این هنر در دوران ایلخانی پرداخته شده است. از آنجائیکه این عصر به عنوان پربارترین عصر طلائی تولید کاشی زرین فام در ایران بوده، با بررسی نحوه تکامل و تکنیک آن می توان به این نکته پی برد که نقطه اوج این هنر، در ایران و دوره ایلخانی بوده است. در این راستا، اهداف اصلی پژوهش به موارد زیر تقسیم بندی شد:

۱. بررسی اهمیت و جایگاه کاشیهای زرین فام در دوره ایلخانی.
۲. معرفی سازندگان کاشیها بر اساس امضاء و تاریخ.

۱- کارشناس ارشد پژوهش هنر، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری تهران.



۳. مراحل و تکنیک ساخت.
 ۴. بررسی شکل ظاهری کاشیها.
 ۵. نقوش بکار رفته در کاشیها، و مقایسه آن با نقوش سفالینه های زرین فام دوره ایلخانی.
 ۶. احیاء و ساخت مجدد کاشی زرین فام، بر اساس مطالعات مقایسه ای با کاشیهای این دوره.
- واژگان کلیدی: کاشی، زرین فام، ایلخانی

کتیبه‌ها در محراب‌های گچبری ایلخانی؛ بررسی مفاهیم،

خطوط و ویژگیها

نوا مطمئن^۱

علی نعمتی بابای لو^۲

با تغییر در شیوه معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی، ابعاد بناها و به تبع آن سطح تزیینات گسترده‌تر شده، سطح بیشتری از بناها و تزیینات به کتیبه‌ها اختصاص یافت. در پی این تغییر ابعاد محراب‌ها نیز بزرگ‌تر از پیش شد. از دوره ایلخانی شاهد استفاده فراوان از خط ثلث در کتیبه‌های معماری هستیم. اگرچه این خط پیش از این نیز در بناها استفاده می‌شد، اما در این دوره به طور چشمگیری رواج یافت. از دلایل استفاده آن می‌تواند تغییر در ماده تزیین باشد. چنانچه خط کوفی قرابت بیشتری با آجرکاری داشت که در دوره‌های پیش از ایلخانی، تزیین مرسوم بود. زیرا خط کوفی دارای دور کمتر و زاویه بیشتر است و به عکس ثلث دارای دور بیشتری بوده و با گچ قابل اجراست. علی‌رغم آن خط کوفی نیز در این دوره منسوخ نشد، و به طرق مختلف در کتیبه‌ها پدیدار گردید. ترکیبی از این دو خط، در کنار همدیگر، پدیده‌ای را به نام «کتیبه مادر و فرزند» در این دوره به وجود آورد. همچنین شاهد ترکیب سه خط کوفی، بنایی و ثلث در برخی محراب‌ها هستیم.

علی‌رغم این تحولات، برخی سنن پیشین خوشنویسی نیز هنوز مورد استفاده بود؛ از جمله نادیده گرفتن نقطه‌ها که در برخی محراب‌ها شاهد آن هستیم و علاوه بر اینکه پایبندی هنرمندان به سنن خط کوفی ابتدایی را - که بدون نقطه نگاشته می‌شد - نشان می‌دهد، نمایانگر دیدگاه طراحان محراب‌ها به خط به عنوان عنصری بصری می‌باشد.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اصفهان

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

مفاهیم مورد استفاده در کتیبه‌ها نیز، مفاهیم خاصّ و مختلفی است. از آیات قرآن، آیه الکرسی، آیات محراب در سوره شریفه بقره، آیات نور در سوره مبارکه نور و نیز سوره حمد بیش از سایر آیات در محراب‌های دوره اسلامی مورد توجه بوده است.

کتیبه‌ی تاریخ و امضاء سازنده یا طراح نیز پیش از این دوره چندان مرسوم نبود، که در محراب‌های گچبری این دوره، شاهد شکل‌گیری آن در قسمت میانی محراب هستیم.

در این مقاله ضمن بررسی کتیبه‌ها در بیش از ده محراب گچبری ایلخانی، جایگاه کتیبه‌ها را در طراحی محراب‌ها شناخته و سپس خوشنویسی و ترکیب آن با نقوش مختلف در این کتیبه‌ها و مفاهیم مورد استفاده در آنها را تحلیل خواهیم کرد. شیوه پژوهش بررسی میدانی محراب‌ها و مطالعه تطبیقی و کتابخانه‌ای آن‌ها ضمن انجام کار بوده است.

واژگان کلیدی: کتیبه، آیه، محراب، گچبری، ایلخانی، خط، ثلث، کوفی

کارگاه هنری کتابخانه در مکتب نگارگری (تبریز دوره ایلخانی و آل جلایر)

یعقوب آژند^۱

کتابخانه سلطنتی اصولاً از نهادهای مهم تشکیلات دربار هیاتهای حاکمه محسوب می‌شد و وظیفه آن در ابتدا گردآوری کتب از مناطق مختلف و تولید کتابهای جدید برای بهره‌مندی اعضای دربار بوده در دوره ایلخانان تولید کتابهای نفیس از برای آشنایی مغولان با تاریخ و فرهنگ ایران فزونی گرفت و افزایش کتب نفیس، رشد کارگاه هنری کتابخانه و بالا رفتن شمار هنرمندان این کارگاه و تقسیم کار را در پی داشت. در این مقاله تلاش شده کارگاه هنری کتابخانه ایلخان و آل جلایر در تبریز بازسازی شود. دو بخش مهم این کارگاه یعنی کتابت خانه و صورت خانه مورد توجه بیشتر قرار گرفت و در حد امکان اطلاعات منابع و وظایف هر یک با هنرمندان مشغول در آنها بازسازی شد. گفتنی است که این تشکیلات بعدها الگویی برای نظامهای سیاسی دیگر از جمله تیموریان در مکتب هرات گردید و کارگاه هنری کتابخانه سلطنتی به گونه تنها نهاد مهم هنری مملکت جلوه پیدا کرد و مهمترین دستاوردهای هنری ایران را در قلمرو کتاب آرایی و نگارگری بار آورد.

واژگان کلیدی: کارگاه هنری کتابخانه، کتابت خانه، صورت خانه، ربع رشیدی،

دارالکتب غازانیه

کاشی زرین فام تجلی ذوق، ادب و اندیشه ایرانی

نگار کفیلی^۱

ظهور کاشیهای زرین فام در دوره ایلخانی، نمایانگر اوج پیشرفت فرهنگ و هنر و علم ایرانی است، که بادربر داشتن مضامین ادبی و عرفانی اهمیت بسیاری را در گستره ی زمان برای خود بوجود آورده‌اند. پیچیدگی شیوه ی سفال زرین فام و مفاهیم نگاره ها و کتیبه های روی کاشی از این جهت که برای اولین بار این نوع نوشته ها و نگاره ها در بافت اجتماعی مطرح شده اند، توجه خاصتری را به خود جلب می کند. بررسی این نوع سفالینه ها و ارتباط آن با شعر و ادبیات، مسائل جالب توجهی را مطرح میسازد و بررسی و تعمق بیشتری را می طلبد. حضور اشعار شاعرانی چون، افضل الدنی کاشانی، ظهیر الدین فاریابی، ابوالقاسم فردوسی و... سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر و احادیث پیامبر اکرم(ص) به خط ثلث و وصایای حضرت علی(ع) به حضرت حسین(ع) و غیره... و بکارگیری آنها در فضاهای معماری و حضور چشمگیر آنها اعتبار و اهمیت بی پایانی به این کاشیها بخشیده است.

در پژوهشی که در این حیطه صورت گرفته، علاوه بر بررسی کاشیهای زرین فام واجد مضامین معنایی، این آثار معرفی و از دیدگاه ادبی و عرفانی بررسی شده‌اند.

حملات مغول در دوره ایلخانی زمانی فعالیت‌های هنری را دچار وقفه ساخت ولی بتدریج از اواسط قرن هفتم هجری، با پذیرش دین اسلام توسط حکمرانان ایلخانی، احداث بناهای مذهبی و غیر مذهبی، کاشی کاری دوباره رواج یافت. از جمله این کاشیها، کاشیهای زرین فام میباشند که تولید این نوع کاشیها نشان از اوج ترقی و پیشرفت ایرانیان در زمینه لعاب بوده و تحول چشمگیری در سفالگری پدید آورده است. علاوه بر اهمیت تکنیک ساخت این آثار، تصاویر روی آنها

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

اهمیت بسیار بالایی داشته و بررسی و مطالعه بیشتر را می طلبد. تصاویر نقش گرفته بر این نوع کاشیها بیشتر اشکال انسانی، حیوان، گیاهی و هندسی را در بر می گیرد و همچنین نگارش شیوه های متفاوت و موزونی از اشعار فارسی، ضرب المثلها، احادیثی از پیغمبر اکرم و ائمه اطهار از دیگر تزئینات می باشند که عموماً بر دور ولبه کاشیها شکل گرفته اند که تجلی ذوق، ادب و اندیشه ایرانی می باشند. بررسی این نوع کاشیها و ارزش هنری آنها، با توجه به حملات مخرب مغولها در این دوره و مشکلات سیاسی و اجتماعی موجود، بسیار لازم و ضروری است. در این مقاله سعی شده است، مضامین و تصاویر روی کاشیها از دیدگاه معنایی و نمادین بررسی شود و آثار موجود در این باب به تفصیل معرفی شوند. در این نوشته از روش استقرائی (از جزء به کل) استفاده شده و منابع ایرانی و خارجی در قالب کتب و نشریات و.. مورد بررسی قرار گرفته اند. واژگان کلیدی: کاشی زرین فام، ادبیات، احادیث، ایلخانی

کندوکاوی بر شاخص های تجلید ایلخانی

مصطفی رستمی^۱

از جمله هنرهایی که در طول تاریخ فرهنگ و تمدن ایران زمین، ضمن حفاظت از مکتوبات با محتوای گوناگون علمی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و دینی و ایجاد فضایی خلاق و جذاب به آنها، پیوسته با استفاده از فنون هنری و نقشهای زیبا نمایانگر مفاهیم ارزشمند درون کتابها بوده، جلد سازی است.

دوران ایلخانیان با توجه به اوضاع پر فراز و نشیب خود در عرصه ی هنر تجلید، پیوسته مسیر تحول و تغییر را تجربه کرده و مقدمات تعالی آن را در خلق فنون، نقش های بدیع و نیز بهره گیری از مواد و مصالح مختلف (نظیر چرم، مقوا و...) متناسب با محتوای کتاب فراهم آورده است.

در این مقاله ضمن کندوکاو میدانی بر چند جلد شاخص ایلخانی، تحولات و ویژگی های تجلید این دوره - از حیث مواد و مصالح، فن ساخت و نقشهای مورد استفاده - در قالب یک طبقه بندی علمی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تجلید ایلخانی، طبقه بندی، مواد و مصالح، فن ساخت، نقشهای بدیع

۱- عضو هیات علمی دانشگاه مازندران و دانشجوی دکتری پژوهش هنر در دانشگاه شاهد

گچبری ایلخانی، عصر طلایی هنر گچبری

آناهیتا ساسانی^۱

از جمله تزیینات با ارزش در معماری ایرانی هنر گچبری است که نمونه‌های باستانشناسی آن از عهد ساسانی به دست آمده است. هنرمندان ایرانی به اشکال مختلف به صورت گچبری، به عنوان زمینه در نقاشیهای دیواری و یا در تلفیق با آجر و کاشی از گچ بهره برده و آن را در حد کمال و اوج زیبایی و دلنوازی به کار برده‌اند.

از دوره ایلخانی به عنوان عصر طلایی هنر گچبری یاد کرده‌اند؛ در این دوره هنر گچبری به سرحد کمال مطلوب رسید. هنرمندان در این زمان تلفیقی از هنرهای مختلف را در تزیین ابنیه و آثار معماری به کار برده‌اند که شایان توجه است. تزیینات و کتیبه‌های گچبری دوره ایلخانی بسیار شبیه و نزدیک به طرح‌های دوره سلجوقی است. تنها تفاوت میان گچبری این دو دوره را گرایش سلجوقیان به گچبری‌های تک رنگ **monochrome** و استفاده از تنوع رنگی **polycrome** در گچبری‌های دوره ایلخانی دانسته‌اند.

در این رهگذر مقاله حاضر می‌کوشد تا با معرفی فن شناسی و شیوه‌ی اجرای گچبری‌های موجود در تعدادی از ابنیه دوران ایلخانی، تحولات برجسته و شگرفی که هنرمندان عصر ایلخانی در این هنر رقم زده‌اند را مورد بررسی قرار داده و به ارتباط و تأثیرپذیری احتمالی هنرمندان اقصی نقاط ایران در این دوره اشاره نماید.

واژگان کلیدی: ایلخانان مغول، گچ، تزیینات گچبری، فن شناسی

۱- کارشناس ارشد حفظ و مرمت اشیاء تاریخی و فرهنگی از دانشگاه هنر اصفهان.

گچبری؛ شاهکار فراموش شده هنر ایلخانی

ماندانا پورضرغام^۱

سعید خال^۲

گچبری هنری با قدمت ۲۳۰۰ ساله در تاریخ ایران زمین به شمار می‌رود. عنوان مقاله حاضر «گچبری شاهکار فراموش شده هنر ایرانی» می‌باشد. اهمیت این هنر فراموش شده از آن جهت است که در تزئین بناهای تاریخی کشورمان همواره گچ یکی از عناصر مهم و تاثیر گذار بوده است و وجود گچبری های بسیار زیبا در بناهای دوره اشکانی- ساسانی و پس از آن تا به امروز مبین این واقعیت است. ضرورت این موضوع نیز با توجه به آنکه این موضوع متأسفانه یکی از صدها هنر فراموش شده ایرانی می‌باشد؛ حائز اهمیت است.

دامنه زمانی مورد بحث در این مقاله دوره قبل از اسلام و دوره اسلامی تا انقراض این هنر بی بدیل بوده است و حوزه مکانی مقاله نیز سرزمین ایران بوده است.

در این مقاله پس از معرفی تاریخچه مختصری از گچبری ایرانی در دو دوره قبل از اسلام و اسلامی به خواص کاربردی گچ از حیث فیزیکی و شیمیایی اشاره گردیده است و در ادامه به معرفی تکنیکهای گچبری و روش اجرای آنها پرداخته شده است.

اما یافته مهم و درخشان این مقاله پرداختن به نوعی تکنیک فراموش شده در اجرای گچبری تحت عنوان «گچبری مشبک» یا «لانه زنبوری» است. که هنرمندان در قرن چهارم هجری این شیوه و تکنیک را به شکل ساده گچبری افزودند و

۱- کارشناس ارشد مرمت آثار تاریخی از دانشگاه هنر تهران

۲- کارشناس ارشد علوم ارتباطات و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، واحد تهران مرکزی، واحد ری و

دانشگاه علمی کاربردی واحد فرهنگ و هنر ۴۱ تهران

موجبات تحولی عظیم در این هنر ماندگار شدند . در این مقاله به طور دقیق به این تکنیک زیبا و بی نظیر اشاره شده است .

مطالب به دست آمده در این مقاله نیز با بررسی کتب فارسی و لاتین ؛ دست نوشته‌ها؛ تحقیقات میدانی و مصاحبه با اساتید هنرمند این فن بوده است .

واژگان کلیدی: گچ، گچبری، تکنیکهای گچبری، اجرای گچبری، تکنیک لانه زنبوری



مجموعه سفالینه‌های موزه تخصصی ایلخانی مراغه، نمود عینی عصر طلایی سفالگری دوره اسلامی ایران

ناصر دبیر^۱

هجوم مغول‌ها به ماوراءالنهر، ایران و بغداد و غلبه آنها بر خوارزمشاه و خلافت عباسی باعث شد تا حکومت ایلخانی ایران در سال ۶۵۶ هـ ق بوسیله هلاکوخان در جانب غربی امپراطوری بزرگ مغول شکل گیرد و بدنبال آن سلسله یوان چین بوسیله قوبلای قاآن برادر دیگر هلاکوخان در جانب جنوبی امپراطوری مغول تشکیل گردد. رفت و آمد کاروان‌ها و مبادلات تجاری، در سایه گستره صلح و آرامش مغولی در مسیر جاده ابریشم که از زمان قتل عام کاروان اترار دچار توقف و رکود شده بود، دوباره رونق گرفت. مبادلات تجاری بین ایران و چین، دگرگونی اساسی در نظام سیاسی و اجتماعی ایران و حضور و ظهور فرهنگ و اعتقادات جدید در باور هنرمندان و صنعتگران، تحول بنیادین را در سفالگری این دروه در ایران بوجود آورد. این تغییرات را می‌تون ناشی از دلایل زیر دانست:

ظهور خلاقیت هنرمندان و صنعتگران ایرانی با استفاده از فرصت مناسب حمایت مغول‌ها.

تکامل تکنیک‌ها و رسیدن به تکنیک‌های جدید سفالگری.

تنوع ساخت سفالینه‌ها در تکنیک، فرم و تزئینات سفالگری.

تقلید از شیوه فنی و عناصر تزئیناتی هنر چین.

الهام از هنر تصویرسازی و شکستن حرمت تصویرگری.

الهام از هنر فلزکاری.

ساخت انواع کاشی‌های نقش برجسته، زرین‌فام و معرق برای استفاده در

تزئینات بناها.

۱- کارشناس ارشد میراث فرهنگی و رئیس موزه تخصصی ایلخانی مراغه، دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت آثار و اشیاء فرهنگی تاریخی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جامع اهپهر.

بدین ترتیب سفالگری این دوره که توأم با تحول و تغییرات مهمی در نوع ساخت، تزئینات و لعاب سفالینه‌ها در مراکز جدید سفالگری بوده است، هنر سفالگری دوره ایلخانی را به عصر طلایی سفالگری دوره اسلامی معروف نموده است. امیدوار است در شرح مقاله به دلایل تحول بنیادین در هنر سفالگری دوره ایلخانی و شرح کامل ویژگیها و نتایج حاصل از آن، با استفاده از نمونه‌های منحصر بفرد و معرفی نشده از موزه مراغه که بعلت هدف تخصصی موزه ایلخانی در کشور دارای آثار ارزشمند و غنی بوده، بپردازیم. واژگان کلیدی: سفالگری ایلخانی، هنرچین، تکنیک‌ها، تزئینات، موزه مراغه



محراب اولجایتو

ملیکا یزدانی^۱

فرهاد خسروی بیژن^۲

هرچند مغولان با خود متاع فرهنگی و فکری ناچیزی به ایران آوردند اما به تدریج تحت تأثیر هنر ایران و فرهنگ اسلام؛ حامی علم، ادب و هنرهای اسلامی شدند. یکی از شاهکارهای هنری این دوران گچبری هاست که با شیوه خاص؛ در سیمای محراب، شکوه و عظمت ابنیه - به ویژه مساجد - را دو چندان می‌کند. مسجد جامع اصفهان الحاقات و تزیینات بسیاری از دوره ایلخانی در خود جای داده، به منظور معرفی موشکافانه یکی از تزیینات منحصر به فرد، در این پژوهش، محراب اولجایتو مورد تحلیل و بررسی کامل قرار گرفته است. بر اساس کتیبه گچبری آن، این محراب به دستور وزیر ایرانی اولجایتو - محمد ساوی - ساخته شده و تاریخ ساخت (۷۱۰ ه.ق) و نام استاد سازنده آن نیز ذکر شده است. کتیبه‌های زیبا، نقوش تزیینی و سر ستون نماها در کنار رنگ‌های مختص دوره ایلخانی، به نحو شایسته‌ای نامسازی و تزئین گردیده است. کتیبه‌های محراب حاوی مضامین متعددی است که علاوه بر تاکید بر اهمیت جایگاه محراب در مساجد، توجه ایلخانان به فرهنگ اسلامی و به ویژه شیعی را نشان می‌دهد. روش ساخت این شاهکار تزیینی، گچبری بسیار کم برجسته، برجسته، برهشته و مشبک است. بخش‌های مختلف این پژوهش شامل موارد زیر است:

- تاریخچه محراب اولجایتو
- شناخت ساختار کلی و ظاهری محراب اولجایتو
- بازخوانی و تشریح کتیبه‌های محراب اولجایتو
- معرفی نقوش تزیینی به کار رفته در محراب اولجایتو

۱- کارشناس ارشد مرمت اشیاء فرهنگی و تاریخی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری اصفهان

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند

- تشریح روش‌های گچبری به کار رفته در ساخت محراب اولجایتو
- شناسایی گچ و رنگ‌های به کار رفته در اثر با روش‌های آزمایشگاهی و دستگاہی
- جایگاه کاربردی رنگ‌ها در تزیینات محراب‌های دوره ایلخانی
- مقایسه تطبیقی محراب اولجایتو با برخی از محراب‌های گچبری این دوره در پایان، به ماجرای سرقت محراب، معرفی قطعات بدل و دوره‌های مرمتی آن اشاره شده است.

واژگان کلیدی: محراب، گچبری، ایلخانی، اولجایتو

مطالعات تطبیقی در سه محراب گچبری شاخص ایلخانی؛

مطالعه طرح و فن اجرا

علی نعمتی بابای لو^۱

آغاز حکومت ایلخانی با تغییر و تحولاتی در معماری ایران همراه بود که عمده آن نتیجه تأثیرات اجتماعی حمله مغول بود. معماری ایران اگرچه در گذشته آمود و سازه را بصورت یکپارچه اجرا می کرد، در دوره ایلخانی از دو لایه مجزای بهم پیوسته استفاده کرد. افزودن لایه دوّم یا نما، دست هنرمند را در تزئین بنا بازتر می گذاشت، به همین دلیل و نیز به علت تعجیل در بازسازی کشور ویران شده بدست مغول، هنرمندان به در دسترس ترین و سیال ترین ماده ساختمانی برای تزئین یعنی گچ روی آوردند.

تزئین با گچ در سراسر دوران ایلخانی مرسوم ترین نوع تزئین معماری بود و عمده محراب های ایلخانی با این ماده ساخته شده اند. مطالعه این محراب ها نشان می دهد که طرح و شیوه اجرای این هنر در طول دوران ایلخانی ابتدا سیر صعودی و سپس با پیشرفت و رواج هنر کاشی سازی، سیر نزولی داشته است. در این بین سه محراب، نموداری از وضعیت طراحی و اجرای محرابهای گچبری را در دوره ایلخانی به ما ارائه می دهد و تأثیرات و نوآوریهای هر دوره را نسبت به دوره های پیشین نشان می دهد:

الف) محراب مسجد جامع ارومیه: اولین محراب گچبری ساخته شده در دوره ایلخانی است و هنوز علائمی از طرح ها و فن اجرای محراب های گچبری سلجوقی را در خود دارد، اما نوآوری هایی نیز در آن دیده می شود.

ب) محراب اولجایتو: نفیس ترین محراب گچبری ایلخانی و شاید دوره اسلامی ایران بوده و نشانگر اوج هنر ناب گچبری ایلخانی است. ظرافت در طراحی و اجرا، آن را از سایر محراب ها متمایز می کند.

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

ج) محراب مسجد جامع مرند: آخرین محراب گچبری ایلخانی است و به لحاظ طرح و اجرا نمایان گر افول هنر گچبری ایلخانی است. در این نوشتار ضمن مطالعه و شناخت طرح، نقوش و خط، و شیوه اجرای هر کدام از این عناصر در محراب های مذکور، به بررسی تحلیلی و تطبیقی آنها خواهیم پرداخت.

لازم به ذکر است که از این مجموعه، محراب اول و آخر مربوط به منطقه آذربایجان - مرکز شروع معماری ایلخانی - و محراب اولجایتو مربوط به اصفهان است که تطبیق آنها با سایر آثار این مناطق تفاوت هایی را در شیوه اجرای گچبری در آن نواحی، ارائه می دهد.

شیوه پژوهش: شیوه پژوهش، بررسی میدانی محراب های مذکور و مطالعه تطبیقی طرح، نقوش، و ویژگی های بارز آنها با یکدیگر و سایر محراب های نزدیک به آنها بوده است.

واژگان کلیدی: محراب، گچبری، ایلخانی، طرح، نقش، خط، فن اجرا

مطالعه ساختاری محرابهای گچبری ایلخانی

سعید خودداری نایینی^۱

از اوایل قرن هفتم تا نیمه قرن هشتم هجری محرابهای زیادی بر بناهای قدیمی و یا جدید البنا گچبری شدند. این کار پیشینه ای به قدمت گچبری های ساسانی تا سنت محرابسازی گچی دوره سلجوقی داشت. به خصوص در مقطع تاریخی میان قرن ششم و هفتم محرابهایی ساخته شده اند که انتساب آنها به دوره سلجوقی یا پس از آن کار دشواری است (مثل محراب گنبد علویان همدان) آمار محرابهای گچبری نشان از رواج و گسترش ساخت محرابهای گچبری در مساجد و امامزاده ها دارد. صنف خاص جصاصین که به شغل گچبری و تزیین گچی بناها اشتغال داشتند بر دیگر هنرها آنقدر تاثیر گذاشتند که محرابهای سنگی (محراب مسجد میمه) کاشی وزرین فام معروف قم مانند محراب در بهشت (موزه ملی ایران) دارای ساختاری است که در محرابهای گچبری پیش از آن دیده شده است.

در محراب در بهشت قوس ها و طاقنماها بر روی ستونهای کوچک و بزرگ حاوی کتیبه های قرآنی هستند. این قوسها بر خلاف قوسهای محرابهای گچبری که بسیار کاربردی به نظر میرسند (اما باز هم تزیینی هستند) شکلی از قوس زاویه دار بدون انحنا را نشان میدهند. این مساله در مورد محرابها چوبی نادری مثل محراب مسجد جامع ایبانه هم مصداق دارد.

الگوی محرابهای گچبری به محراب مسجد جامع نایین و امداار است. این محراب اولین محراب کتیبه دار گچبری شده ایران است و دارای ساختاری است که بیش از ۴ قرن در محرابهای گچی پایدار ماند. دو طاقنمای کوچک و بزرگ روی هم، ستونهای زیر طاقنماها، سر ستونها و نیز فرو رفتگی محراب در دیوار قبله از دیگر این ویژگیها است.

۱- کارشناس ارشد پژوهش هنر، رییس موزه ملی ملک

این پژوهش با تحلیل ساختاری چند محراب از قرون ۷ و ۸ به استنتاج ویژگیهای محرابهای این دوره خواهد پرداخت و سنت‌های به‌جای مانده از این هنر را در محرابهای دوره صفوی جستجو خواهد کرد. از طرفی تفاوت‌های مفهومی در ساختار محرابهای دو دوره با همدیگر سنجیده خواهد شد. این مقاله محرابهای امامزاده ربیع‌ه خاتون اشترجان، محراب الجایتو، محراب فرعی مسجد جامع اصفهان، محراب شرقی مسجد جامع ابرقو، تخت سلیمان، راین، فارفان، دره شهر، مسجد جامع اردبیل و برخی دیگر را بررسی خواهد کرد.

واژگان کلیدی: محراب، گچبری، ایلخانی، معماری، مفاهیم

معرفی آثار فلزی عصر ایلخانی با تکیه بر شمعدانها

منیره سادات نقوی^۱

هرچند پس از حمله مغول به بهانه بی‌حرمتی تاجران خوارزمشاهی در سال ۶۱۷ ه.ق تاریخ ایران بسیاری از مردان عرصه علم و ادب و هنر را از دست داد، اما مهاجمان مغول خیلی زود دریافتند که با قومی به مراتب متمدن‌تر از اقوامی که تاکنون سرکوب کرده‌اند، روبرو شده‌اند. پس به ناچار از دانشمندان باقیمانده در جهت عمران و آبادی و اداره کشور کمک گرفتند که حاصل آن تبادلات فرهنگی گسترده‌ای بود که در سایه حضور حکومتی مقتدر فراهم شد موجب خلق آثار کم‌نظیری در تاریخ ایران شد.

در این مقاله سعی شده ابتدا به معرفی تولیدات فلزکاری مداول در دوران ایلخانی، در قالب گروه‌های زیر اشاره شود:

(۱) ظروف و لوازم کاربردی روزمره

(۲) ظروف و مصنوعات سفارشی

(۳) وسایل و تجهیزات علمی و رصدی

(۴) ابزار و ادوات جنگی

در ادامه با مطالعه موردی چند نمونه از شمعدانهای این دوره و مقایسه با نمونه‌های مشابه تیموری و صفوی به مقایسه موارد زیر اقدام شده است:

(۱) مطالعه ابعاد زیبایی‌شناسی و بصری نظیر: طرح، نقش، فرم

(۲) مطالعه ارگونومیک از قبیل میزان کارایی، سهولت استفاده، حمل و چنگش

(۳) مطالعه فنی نظیر ایستایی، جنس، نحوه ساخت و تولید

در خاتمه به نتیجه‌گیری عوامل رشد و پیشرفت این صنعت در دوران ایلخانی پرداخته شده است.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر

نقد نشانه شناختی طرح آثار فلزی دوره ایلخانی

بابک امرایی^۱

در این مقاله سعی شده است که شیوه فرم پردازی و حجم سازی در پیکره محصولات فلزی دوره ایلخانی از طریق مقولات نشانه شناختی مورد تفحص قرار گیرد. با توجه به کمبود چنین نگرشی در پیشینه پژوهشی این مطالعات، ابتدا مبانی نظری کار معرفی شده است. سپس آثار مورد نظر از جنبه های مختلفی مورد تحلیل قرار گرفته اند. این جوانب عبارتند از چستی نشانه‌های آنها، چگونگی روابط نشانه‌ها با یکدیگر و سرانجام سطوح دلالتی آنها. از این تحلیل نتایج زیر بعنوان برخی ویژگیهای طرحهای ایلخانان حاصل شده است:

- رعایت روابط نمایه ای و ساختار های ذهنی.
 - کمال بکارگیری نشانه های شمایی.
 - استفاده بهینه از نشانه های نمادین و روابط قراردادی.
 - وجود منش همنشینی و جانشینی.
- واژگان کلیدی: ایلخانی، فلزکاری، طرح اشیاء و نشانه شناسی.

نقوش سر در اولجایتو

زینب وصال^۱

این مقاله، فتح بابی است در بحث نظری هنر تزئینی و نقوش سمبلیک اماکن مقدس ایران (سر در اولجایتو)، بر مبنای تفکر معنوی اهل معرفت که این سر در، خود از مجموعه بایزید بسطامی، یکی از شیوخ عرفان ایران می‌باشد. از آن‌جا که ذات و ماهیت هنر را تجلی وجود الهی می‌دانیم، به نحوی از مطالعات سنتی، دینی و فرهنگی نیز بهره رفته است. در واقع این مقاله به حکمت نظری بر مبنای حکمت ذوقی عرفا و هنرمندان توجه دارد.

این نگارش به جهت بازشناختن مفاهیم رمزی نقوش برای نیل به اهداف معنوی آن‌ها و تغذیه روحی که از سودمندترین علوم اسلامی است می‌باشد.

در این باب مقالات و کتب متعددی به طبع رسیده که اکثراً محصول نظر فلاسفه و پژوهشگران علوم سنتی و دینی است، که جای خالی نظرات جامعه هنری که در بطن این جریان قرار دارند و تطابق تصویری و عینی این نقوش و ابنیه با مفاهیم حکمی و سنتی آن را بیشتر نشان می‌دهد.

در این مقاله بعد از تعریف مختصری از مکان و تاریخ بنا به مقدس سازی و تقدس بنا و دین‌مداری ذهن هنرمندان و خالقین بنا و در انتها، توجه به نقوش بنا و ارزش رمزپردازی و سمبلیک آن‌ها در مطابقت با مفاهیم حکمی و نظرات فلاسفه این امر پرداخته شده است.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ارتباط تصویری دانشگاه تربیت مدرس

نمود عناصر تزینی هنر اسلامی در نقوش سفالینه های ایلخانی

فنا نه محمودی^۱

رواج اسلام و تدین ایلخانیان به دین اسلام و تمایل آنها به تشیع، تصوف را در این دوره تقویت کرد. حکمرانان مغول از جمله غازان خان عمیقاً تحت تأثیر میراث هنری ایران قرار گرفته و با پذیرش دین اسلام به ترویج هنرهای اسلامی پرداختند. سفالگری یکی از بارزترین مظاهر هنر اسلامی است که همواره با نقوش متنوعی همراه می باشد که این نقوش با اعتقادات دینی و تصورات هنرمند از هستی عجیب بوده است. هنرمند اسلامی برای بیان حقایق متعالی در هنر معنوی واسطه سیر از ظاهر به باطن و از صورت به معنا هستند و جلوه هایی از حق تعالی را روشن می سازند. تعدادی از این نقوش دارای مضامین مذهبی بوده و وقایع دینی به تصویر می کشند. در بعضی از ظروف نفوذ عناصر خاور دور و چینی در نقشمایه ها کاملاً مشهود است اما همین عناصر که از فرهنگ های بیگانه اخذ شده اند در ترکیب با تزینات اسلامی وسایق هنرمندان ایرانی، جلوه گاه تجلی آیین عرفانی و اسلامی می باشند. نقوش گیاهی، هندسی، انسانی، جانوری به شیوه ای نمادین و تمثیلی به تدریج با فرهنگ و اعتقادات زمان در آمیخت و با ورود اسلام، رنگ و بوی اسلامی به خود گرفت. خوشنویسی و کاربرد خط از نمودهای بارز هنر مقدس اسلامی در تعدادی از این سفال ها می باشند. هدف بررسی نقوش سفال دوره ایلخانی با رویکردی به اعتقادات هنر اسلامی و تجلی آن در این نقشمایه هاست. تحقیق بنیادی و تاریخی و روش تحقیق به شیوه توصیفی و تحلیلی است. ابتدا تعدادی از ظروف جهت بررسی موردی انتخاب می شوند که دلیل گزینش آنان، حضور عناصر مختلف تزینی مطابق با آیین و اعتقاد اسلامی است. پس از توصیف نقشمایه ها، به تحلیل آنها با ابزارهای نقد از دیدگاه قواعد هنر اسلامی پرداخته می شود.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه مازندران و دانشجوی دکتری پژوهش دانشگاه تربیت مدرس

هنر طراحی در مکتب اول تبریز - دوران ایلخانان مغول

(۶۵۴ - ۷۵۴ هـ)

دکتر محمد خزایی^۱

سیر تحول هنر طراحی در دوره‌ی ایلخانان مغول از برجستگی خاصی برخوردار می‌باشد. در دهه‌های آخر دوره‌ی ایلخانان مغول (۷۵۴ - ۶۵۳ هـ) این تحول و رشد به مراحل تازه‌ای از دست می‌یابد که در تاریخ نگارگری ایران کم سابقه است. شکل رسمی و منسجم تولید کتاب و هنرهای کتاب آرایی - در محلی که بعدها عنوان کتابخانه‌ها به خود گرفت - در همه‌ی زمینه‌های علمی، تاریخی، ادبی و ... تحت حمایت ایلخانان، حداقل از دوره‌ی غازان خان به شکلی هنری، مورد استقبال قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد، در ابتدای مصورسازی کتاب‌ها، بیشتر روش خطی (قلم‌گیری) و استفاده کمتر از رنگ مورد توجه هنرمندان مکتب تبریز قرار گرفت است. هنر کتاب آرایی در ایام حکومت سلطان محمد خداپسند (۷۱۶ - ۷۰۳ هـ)، با حمایت شیخ فضل الله همدانی رونق بسیاری یافت و هنرمندان زیادی در تبریز به مصورسازی نسخ خطی پرداختند. در مصورسازی بیشتر این آثار خطوط (قلم‌گیری) از ارزش ویژه‌ای برخوردار است. همین امر سبب شده است که تصاویر تا حدود زیادی به طراحی شباهت پیدا کنند. در طول حکومت سلطان ابوسعید ایلخانی (۷۳۶ - ۷۱۶ هـ) و وزیر او، خواجه غیاث الدین محمد - فرزند رشید الدین فضل الله همدانی - نیز چندین نسخه‌ی خطی در تبریز مصور می‌شود که به شیوه‌ی طراحی کار شده است.

در این مقاله، نگارنده با توجه به شیوه‌ی مصورسازی این دوره تنها به بررسی طراحی آثار برجسته نسخ مصور مکتب اول تبریز می‌پردازد. واژگان کلیدی: هنر طراحی، مکتب اول تبریز، دوره‌ی ایلخانان، نسخ خطی.

هنر‌نمایی منبت کاران عصر ایلخانی و آل جلایر در تزیینات صندوقهای چوبی آرامگاه‌های شیخ محیی‌الدین محمد و شیخ صفی‌الدین در اردبیل

حسن یوسفی^۱

بی‌تردید سرزمین آذربایجان بعنوان مهد هنر و صنعت ایران در مطالعات هنرهای اسلامی کمتر بصورت روشمند مورد توجه پژوهشگران تاریخ هنر قرار گرفته است. اگر هم نوشته‌های پراکنده‌ای وجود دارد از تحقیقات روشمند برخوردار نیست.

عصر ایلخانی و آل جلایر بعنوان بخشی از تاریخ ایران نقش مهمی در معرفی توانمندی‌های هنرمندان و سبک‌های هنری مراکز مختلف هنری در این دوره دارد. تبریز یکی از مهمترین پایتخت‌های سلسله ایلخانی در پرورش و تربیت هنرمندان جایگاه ویژه داشته و شناخت هنر سبک تبریز و گستره‌ی آن بعنوان ریشه هنر این دوره مهم بنظر می‌رسد.

همانگونه که از عنوان مقاله؛ هنر‌نمایی منبت کاران عصر ایلخانی و آل جلایر در تزیینات صندوق‌های چوبی آرامگاه شیخ محیی‌الدین محمد و شیخ صفی‌الدین اردبیلی در بقعه اردبیل بر می‌آید، سعی دارد ضمن معرفی بخشی از هنر این دوره‌ها در شهر اردبیل، مرکز روحانی آذربایجان در قرن هشتم تا عصر شهریاران صفوی، قدیمی‌ترین و برجسته‌ترین آثار مربوط به هنر منبت و خاتم آن روزگاران را در اردبیل بررسی و مورد بازنگری قرار دهد.

بطور کلی صندوق‌های چوبی منبت کاری شده آرامگاه محیی‌الدین محمد معروف به حرمخانه و آرامگاه شیخ صفی‌الدین در حقیقت قابلیت و استعداد هنرمندان آذربایجان را در میانه سالهای ۷۲۴ تا ۸۰۰ق را نشان می‌دهد و بر خلاف

۱- کارشناس ارشد باستانشناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اردبیل



نظر آن عده از محققان که ساخت و پرداخت این آثار را خارج از مرزهای جغرافیایی ایران می‌دانند چنین نبوده بلکه زبردستی و مهارت هنرمندان سبک تبریز؛ استاد احمد بن مراغی و استاد عثمان بن احمد مراغی موجد خلق شاهکارهای هنر ایران در این مکان مذهبی شده است.

بهر حال این تحقیق فصل جدیدی در شناخت هنر فراگیر سبک تبریز در شهر اردبیل به روی پژوهشگران این دوره باز خواهد نمود.

واژگان کلیدی: سبک تبریز، اردبیل، بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، هنر منبت و خاتم